

#### ویژه شاملو

شاملو مردی است پویا و بی آرام، ظاهراً، تحرک و پویایی را از خانواده‌اش به ارث برده است. خانواده‌اش دایم، بین کشورها و شهرها و تابعت‌ها حرکت کرده است؛ پدر بزرگ مادرش میرزا شریف خان عراقی، متولد به‌خارا بوده و زبان روسی می‌دانسته و گرایش پند داشته است، با زنی اهل اوکراین ازدواج می‌کند که کوبک عراقی مادر شاملو نمره این پیوند است. پدربزرگ پدریش میرزا محمدعلی خان اهل کابل بوده با زوجه‌اش بی‌بی شجاعت اهل هرات به ایران مهاجرت می‌کند و ماندگار می‌شود. پدر شاملو، سرگرد اهل پر وچرد و مادرش زاده اِستِرابآباد است و احمد به خاطر این که پدرنظامیش به خاطر کلمه شقی، دایم به مناطق مرزی تبعید می‌شده، کودکی دشواری را در شهرهای رشت، سمیرم، اصفهان، آباده، شیراز، خاش، زاهدان، مشهد گذرانده و همواره رسته تحصیلاتش در دبیرستان‌های شهرهای مختلف قطع شده است؛ چنان‌که عاقبت در این در به دری‌های ناگزیر خانوادگی، نتوانست دبیرستان صنعتی را که دوست داشت تمام و دیپلمی را به فراغت دست و پاکند. به علت کوچ‌گردی‌های خانواده، نوجوان از داشتن آن فراغت محروم می‌ماند که از یک جا نشینی و انس با محل و خانه ثابت و داشتن دوستان همدل فراهم می‌شود. بی‌پناهی و تنهایی و زندگی دشوار، حاصل این سال هاست. تحرک خانواده، عادت به سکون و ثبات را در شاملو نوجوان پابرجا نمی‌کند و او همواره خود را با فضاهای نامنتظر آسبب رسان و رفتارهای متعصبانه سلطه آمیز رویاریافته است.

#### مهاجرت، پویایی، بی قراری

نداشتن ثبات مطمئن و سرپناه آرامش، دو ازدواج ناموفق و جدایی‌های زیانبار، زندانها و هجرت‌های ناخواسته، درگیری با ست و قدرت حاکم، عمر او را با زنجیره‌ای از ناکامی و دلهره و نیم مرگ در هم فشرده است اما هجوم فاجعه‌ها او را ثوابت کرده و پویایی ذاتیش او را از بن‌بست‌های محال عبور داده است.

چند حادثه به ظاهر نامرتبط اما آکنده از بی عدالتی و خشونت و مضحکه، فضای ذهن او را – از کودکی تا جوانی – چنان بر می‌آشوبید که بر رفتار اجتماعی بعدیش تأثیری ماندگار می‌گذارد؛ نخست، در شش سالگی در پی‌اغ دولتی، شاهد شلاق خوردن و حشانه سربازی بوده است که موقوفه‌های پادگان با بالا بردن خروش طبل و شیپور می‌خواستند نعره‌های دلخراش او را تسدین به گوش تماشاگران بی‌خیال، خفه کنند. دیگر این که سال ۱۳۲۱ وقتی چند ماهی در مزارع ترکمن، در قره تپه و قوم چلی و قره داش کمباین و تراکتور می‌رانده است به فعالیت سیاسی کشیده می‌شود، یکی دو سال بعد در تهران دستگیر می‌شود. روس‌ها او را در رشت به زندان می‌اندازند. در گفت‌وگویی اشاره می‌کند: «سال ۱۳۲۰ من جوانکی در حدود پانزده سال و نیمه بودم… یک چیز توی ذهن من فرو رفته بود که روس و انگلیس مانع پرواز کردن این ملت بدبخت هستند… با این سادگی وارد یک جریان ضد متفقین شدم که کارم به زندان کشید… سی و دو سه نفر از کارمندا و کارچاق‌کن‌های دولتی راهم گرفته بودند. بدلم این آدم‌ها که نام و آوازه شان مثل صدای طبل تو کله می‌پیچید چقدر خفیدند. سر یک تکه نان که این از توی شنباق آب بر می‌داشت دعواشان می‌شد. خوب، خود این برخورد برای من یک دانشگاه بود که آدم‌های سیاسی و ژنرال‌ها و سرلشگرها و مدیرکل‌ها و آدم‌هایی در پایه وزارت، چه آدم‌های واقعاً بی معنی و بی شخصیت و خالی و پوچی هستند. (شاملو ۲۱ ماه به جرم جاسوسی برای آلمان‌ها در زندان می‌ماند)… این خودش درس کوچکی نبود، بعد هم حوادث دیگر، مثلاً آواز هم در حزب توده. من بعد از ۲۸ مرداد ۳۲ به طور رسمی وارد حزب توده شدم. ولی این ورود به حزب توده دوماه هم ناپاید برای این که من بلافاصله دستگیر شدم و بلافاصله تو زندان برخوردیم و این واقعیت که حزب چه اشغال‌دانی عجیب و غریبی است. به مسئول بند یک زندان شماره یک قصر گتم حتی استغای رسی نمی‌تواند بهم. برای این که اگر استعفا نامه بنویسم خودم را کیف کرده‌ام، همین طوری ولتان می‌کنم.

واقعۀ دیگر این که در سال ۲۴، دموکرات‌ها در رضاییه در موقعیتی سرگرد شاملو را به اتفاق پسرش می‌گیرند و جلو چو خه اعدام قرار می‌دهند. پیش از فرمان آتش فرمانده لحظه‌ای دچار تردید می‌شود و مصلحت می‌بیند با بالادستی‌ها مشورت کند، دو ساعت آنان جلو چو خه آماده، منتظر می‌مانند. شاعر با نقل این خاطره تأکید می‌کند: «تکلیف من در این دو ساعت با مرگ و زندگی روشن شد پس از آن هیچگاه از مرگ نهراسیدم، مرگ تن برایم بی اعتبار شده بوده.

در گفت‌وگو با «حریری» کل تجربه‌های کودکی تا میان‌لشلی را در عبارتی خلاصه می‌کند: «سراسر زندگی من در نگرانی و دلهره خلاصه می‌شود. مشاهده تنگدستی و بی عدالتی و بی فرهنگی در همه عمر بختک رویاهایی بوده است که در پیداری بر من گذشته، سال ۲۵ خانواده را ترک می‌گزید. از رضاییه به تهران می‌آید. ترک تحصیل می‌کند و سال بعد در ۲۲ سالگی ازدواج می‌کند با اشرف اسلامیۀ که شعرهای کتاب اولش «آهنگهای فراموش شده» را – که در همین سال منتشر شده بود – به او تقدیم کرده است. از این زن صاحب چهار فرزند می‌شود: سیبوش، سیروس، سامان، ساقی. که در بین ایرانیان سیروس به کار هنر (تئاتر) پرداخته است.

(اطلاعات و نقل قول‌ها، همه از «شناختنامه شاملو» به همین قلم فراهم آمده است.)

#### ژورنالیسم شاملو

در فاصله سال‌های ۳۲ تا ۳۶ به دلیل ضعف حکومت مرکزی و حضور احزاب تئلو، نوعی آزادی مطبوعاتی با گرایش‌های چپ و ملی – میهنی جریان دارد که علاوه بر روزنامه نگاران، ادبا و اهل تحقیق را نیز به میدان افکار عمومی فرا می‌خواند. شاملو جوان از نیمه دوم دهه بیست در مطبوعات مختلف قلم می‌زند به یاری دوستان همقلم سخن نو (۵ شماره)، روز (۷ شماره) و انتشار می‌کند. به خاطر سردبیری روزنامه ضدسلطنتی «آتشبار» مدت یک سال طبق ماده ۵ حکومت نظامی به زندان می‌افتد. پس از آن در خواندنیها و باشاد می‌گوشد با انتشار مقالات متعدد مانع عظیمی را که به دلایل شناخته شده مژمن، بین سرانیدنگان و هنرمندان بر سر می‌پاشد، از میان بردارد و ارتباط دوستداران هنر و ادب پیشرو را با خالقان عرصه نوآوری، گسترش دهد. در همین فاصله کار اصلی خود را که سرودن شعر باشد با هشیاری و مجاهدی بی‌پایه و به خاطر معیشت به ترجمه رمان دست می‌زند. البته اشتغال به حرفه ادبی و مطبوعات در روز نگار نان خالی و پول سبگار را تأمین می‌کرد، گرچه این توضیح تاریخی زاید به نظر می‌آید که حالا هم از این حرفه جز این انتظاری نمی‌رود.

انتشار مجموعه شعر «هوای تازه» در سال ۳۶ مهم‌تئیت شاعری را بر آثار ادبی شاملو می‌زند. اگرچه پیش از آن «۲۲» و «قطعه‌نامه» و «آهن‌ها و احساس» را در فاصله سال‌های ۳۰ تا ۳۲ منتشر کرده بود. سال ۴۳ آدنی به نام نقاشیان چهار دفتر شعر او را برای چاپ می‌برد و شاید از بین می‌برد.

سال ۴۶ با خانم طوسی خاتری ازدواج می‌کند و با او ترجمه پاوره‌ها را به پایان می‌برد. وی تجربه تازه‌ای را در روزنامه نگاری با انتشار مجله کوچک «آشاه» آغاز می‌کند. در صدد برمی‌آید تا از طریق انتشار این مجله کوچک همگانی، سرمایه‌ای گردآورد و فصلنامه‌ای فرهنگی که به ترویج ادب و هنر اختصاص داشته باشد منتشر کند. از شماره هشتم مجله آشنا شکل نهایش را می‌یابد. در این نشریه شاملو می‌گو شد الگوی مناسب یک نشریه ادبی را طراحی کند که شامل معرفی و بررسی هنر و ادب معاصر ایران و بازتاب میراث فرهنگی، در کنار شعر و قصه و نمایشنامه و هنر پیشاز جهان باشد؛ با ترکیبی جمع و جور از مقالات ادبی، تحلیل هنری و گزارش و خبر و عکس و طرح.

شاملو جوان بی‌پرواست، هر جا که لازم می‌داند فکر و حرفش را با بی‌پروایی مطرح می‌کند. حرف خود را قوت نمی‌دهد. از گفتن حقیقتی که بدان باور دارد و به دست مصلحت گرای بی‌فردی و عاقبت اندیشی گروه‌هی باز نمی‌ایستد. در تمامی حوزه‌های روشنفکری عصرش درگیر می‌شود تندترین جمله‌ها را به دست گرایان می‌کند و سخت ترین انتقادها را نسبت به کار خود در مجله‌اش بازتاب می‌دهد. در این نشریه به جوانان و بیشتر به فکر جوان، میدان داده می‌شود. شعرها و قصه‌های نو خیزان و تازه کاران به چاپ می‌رسد و نقاشی نو ترویج می‌شود. «آشاه» پایگاهی است دمکر اتیک برای انواع سلیقه‌هایی که به نوآوری متعهدند و با تکرار و ابتذال می‌ستیزند. سردیر تمام کارهای نشریه را غالباً یک تنه انجام می‌دهد از انتخاب و سفارش مطالب تا دوباره نویسی و یکدست کردن رسم الخط و انتخاب حروف و کلیه کارهای گرافیک مجله و غلطگیری و سپردن به دست موزع. فیداست که برای همیشه نمی‌توان یک تنه از عهده این کار برآمد. اما شاعر آثار گذشته را انتشار مجله ادبی نوگر را نه یک کار ذوقی بلکه یک تعهد اجتماعی تلقی می‌کند؛ در رغم سانسور، بی‌پولی، خلف و عده‌های یاران، بی اعتنایی مخاطبان باید به موقع منتشر شود تا امانت نیما و هدایت زمین نماند. با بیماری سردبیر پرورنده آشنا در همدفین شماره بیسته می‌شود. آن چه را شاملو در آشنا تجربه کرده است بعدها در هر نشریه‌ای که به سردبیریش راه عهده می‌گیرد، به کار می‌بندد. همه کارهای تحریری حتی اداری نشریه را با دلد و پشتنناز ایران و جهان‌بانش به اطلاعات، بارو و کتاب هفته و خوشه بگیر تا ایران‌شهر و کتاب جمعه بسیاری از مقالات و قصه‌هایی که در کتاب هفته و نشریه‌های مشابه چاپ شده بازنویسی شاملو است. وقتی شاملو بخش ادبی خوشه را در می‌آورد، بخش اعظم یادداشت‌های آدم برده‌اع را که در آن مجله چاپ کرده‌ام، بازنویسی استاد بوده است. بی‌آنکه با پاره‌ای از آن‌ها موافق باشد. این زیراستاری همه جانبه را، بسیاری از هم نسلان و جوانتران که با خوشه و کتاب هفته همکاری کردند در مورد مقالات، شعرها، قصه‌هایشان، قبول و منت داشتند. بهمدالگوی مجله ادبی که حاوی فرهنگ زنده و پیشنناز ایران و جهان‌بانش به دست خود را در ماهنامه اطلاعات و کتاب هفته و در نهایت کتاب جمعه کامل شد و مورد تقلید شد اندر کاران نشریه‌های هفتگی و ماهانه و جنگ‌های ادبی قرار گرفت. حالا شاعر، در چند زمینه فعالیت می‌کند: شعر، قصه، ترجمه، روزنامه نگاری و تحقیق متون قدیمی و نگارش کتاب کودکان در سال‌های پایمانده از دهه سی او می‌گوشد عرصه فعالیت‌های خود را گسترش دهد. به پیشنهاد شرکت ایتال فکولسوت، فیلمی مستند در باب بیستتان و بلوچستان می‌سازد. مجموعه شعر «باغ آینه» را که در مقایسه با غزلی‌های تازه شامل شعرهای میهادگی و کامل تر است منتشر می‌کند و صاحب شغلی موقتی می‌شود و سرپرستی اداره سمعی و بصری وزارت کشاورزی را می‌پذیرد.

# حضور مداوم

# چهل سال زندگی شاعرانه

#### جواد مجابی

#### اشاره

**چهل سال است که شاملو در صحنه ادبیات معاصر ایران حضوری مداوم و پویا دارد، در این چهار دهه نام و کار او همواره در متن کوشش‌های فرهنگی و اجتماعی ایران بحث‌انگیز بوده است. وی هر بار به گونه‌ای عمیق اما گسترده، موافقان و مخالفان بسیاری یافته است که طرفدارانش او را به عنوان شاعر بزرگ ستوده‌اند و مخالفانش نتوانسته‌اند او را نادیده‌انگارند.**

**راز ماندگاری شاملو به عنوان یک پدیده فرهنگی پویا و تأثیرگذار در این چهار دهه م‌وضوع بررسی این دو صفحه است.**

#### گروه ادب و هنر



شاملو و مجابی در روزنامه اطلاعات حدود سال ۵۵

#### ما به عنوان نویسندگان جهان سوم

#### از محدودهٔ مرزهایی آمده‌ایم که در آن‌ها روشنفکر را

#### دست نشاندۀ تاریک اندیش دشمنان مردم معرفی می‌کند

از قطعه‌نام پیشنهادی شاملو برای اینترنتیت دوم

## نامه‌ای به پدر شاعرم

پدر خوب خودم، درود بر تو. داشتم «شعر زمان ما-۱» را می‌خواندم راستش شقه کردن یک شاعر به ده‌ساله‌ده‌سال مطبوع طبع نیتنآد [...] ضمن این که [...] عرضۀ داشت و انتشار چند شعر در یک مجموعه به خاطر کلیت دادن آن‌ها و لزوماً به جهت داشتن خط فکری مشترک میان آن‌ها نیست. بلکه تنها از زور ناچاری است زیرا منتشر کردن یک تک‌هر کدام شان روی یک ورق کاغذ امکان‌پذیر نیست. [...] آگویی جناب حقوقی عکس این نظر را دارند، چون با شعر، خیلی مجموعه‌ای و به اصطلاح راسیونالیتی/ تاریخی برخورد کرده‌اند. اما من این اشعار را نه تنها به شعرهای تک تک و مستقل بلکه به لحظه‌های کوچک، به نایبه‌های جست‌وجو، به ده‌هایی میان آگاهی و بی‌خبری، به غوطه‌وری‌هایی ثابته نایب میان امید و نوسیدی و شادی و اندوه و مرگ و ادامه حیات و خواستن و اجتناب و بودن و نبودن تقسیم می‌کنم. یک انسان، یک شاعر، یک سازنده، ماده تاریخی نیست. شاعر در زمان غوطه‌ورست. زمان را از خود عبور می‌دهد. در لحظه‌ها، ه معلق و بی‌انتها، عربان می‌وزد، می‌بارد، می‌تابد و می‌درخشد تا آفرینش‌وار و فروریزد [شعر خودت در لحظه]. [...] این گونه‌است که شاعر ز زمان فراتر می‌رود [...] تحلیل جزئی و ریاضی (کیلویی) هر انسانی کاری انحرافی بخصوصی که آن انسان شاعر مهم‌باشد. همین کار را هدایت باخیم کرد: [...] سعی کرد خیام را «شاعری مسلح به پیش‌علمی» قُشداد کند! [...]:

اجرام که ساکنان این ایوان اند اسباب تردّد خردمندان‌اند.
هان تا سر رشته خود گم‌کنی کائنات که مدبرند سرگردان‌اند!
هنسی شاعری مثل خیام در سرگردانی معنای می‌یابد نه در هستی صرفاً زمینی یا آسمانی، بلکه در لحظه هم این و هم آن و هم هیچ‌کدام.
شاعر در هر لحظه هم ماتریالیست است هم ایدئلیست.
این جا تنها سؤالی می‌ماند از تو پد [...] که به جهت کارهای درخشان شاعری هستی فراتر از زمانه:

آیا چه قدر می‌توانی در محدوده تجلیایی راسیونالیستی و دو دو تا چهارتی دوام بیآوری؟
آیا جهتی علمی دادن به اندیشه گسترده‌ات به تو و من تحمیل نمی‌شود؟
میستد! شعره‌ایک چیست؟ [...] این جاسپرت که شعرهای کیمی از تو و خیام و دیگران خوانده‌ام! سعی کرده‌است برای هر کدام از آن‌ها ارزشی بیابد کیمی مستقل یکسانی افراط را گرفته‌است: «حتی خود شاعر هم دلیلی ندارد که اشعار خودش را کاملاً بفهمد!» [...]
اما فکر که ثابت شود شعر فرمولی ریاضی است؛ با محالده‌های روشن و حساب شده.

سیروس شاملو

#### سراسر زندگی من در نگرانی و دلهره خلاصه می‌شود

#### مشاهده تنگدستی و بی‌عدالتی و بی فرهنگی

#### در همه عمر بختک رویاهایی

#### بوده است که در بیداری بر من گذشته

از گفت وگویی شاملو و حریری

#### دهه چهل، حضور شاملو

در ابتدای این دهه، شاعر با آید، زندگی آرام و عاشقانه‌ای را آغاز می‌کند که در پناه پرستاری صبور و مؤمنانه این زن می‌تواند نظمی به کارهایش بدهد و آفرینش آثار ادبی و تحقیقی خود را در محیطی بی‌شکستگی، با فراغتی نسبی ادامه دهد. پیش از این از ازدواج دوره‌های بحرانی کابوس‌وری را شاملو مستقری بوده که علاوه بر غم و غمیل به خودکشی تدریجی هنرمندان و بی‌سرسامانی ناشی از سرکوب مبارزان و وضعیتی برعلیق برای بسیاری از شکست‌خورده‌گان سیاسی سال ۳۲، پیش‌آمده بود که او هم از این «رها شدگی» به‌شمار می‌آید. آسیب یافت و ابتلائات زمانه او را بلعید. چنان‌که هنوز هم نوشتن سنجاریوهایی بی‌اهمیت و عوام‌پسندی چون «اول بیکل» و «فرار از حقیقت» برای کارگردان فیلم فارسی‌خی بازی در فیلم اخیر، نقطه ضعفی در کارنامه فرهنگی روزنامه – اما نه هنر شاملو – به‌شمار می‌آید. چرا که او بارها به ناگزیر وقت خود را در فرقه و آتش زده است. اما ذهن خود را هرگز در دهه چهل، و وی در حوالی چهلچلی چند کار مهم و اساسی زندگیش را، سامان و اوج می‌بخشد. اول: شعرش را که زاده فریحه‌ای آفرینشکار است با تجربه و مطالعه منظم در عرصه تخصصی منتقدان برای روزنامه مناسب نیست و می‌باید است که هنر اصلی او شعرش است و در موهبت طبیعی است که بی‌همتا می‌ماند. باقی فعالیت‌هایش در پناه شعر او و به ازای کوشش‌های مستمّرش اعتبار و معنا می‌یابد.

دوم: روزنامه نگاری او با کتاب هفته و خوشه به شکلی نوآورانه و روزآداستمرار و تکامل می‌یابد و ارتباط هنرمندان پیشناز معاصر او با توده علاقه‌مندان و جمع فرهنگسازان هرچه بیشتر امکان‌پذیر می‌کند. شاملو نثر خاصی را در مقالاتش به کار می‌گیرد که ترکیبی ملایم از زبان نوشتاری و زبان گفتاری است و تلقیق این دو. با کارپردی غامبی و لحنی طنزآمیز، برای خواننده‌عام جذاب و اقناعی است. او خیلی زود متوجه شد که لحن ادیبانه و بیان تخصصی منتقدان برای روزنامه مناسب نیست و می‌باید اهل نظر دشوارترین معانی را به زبان آسان و اگر داند کند که برای خواننده عام تر جذابیت داشته باشد.

سوم: اهتمام مستمر چندپاره او به گردآوری ادبیات شفاهی یا فرهنگ مردم است. «کتاب کوچه» کاری سترگ در حفظ فرهنگ مردم در کمزوری است که فرهنگ مکتوب قطره‌ای از دریای فرهنگ شفاهی مردم به حساب می‌آید. شناختن ارزش فرهنگ مردم و شناساندن آن به صورت مکتوب به خاص و عام اهمیت حیاتی دارد. نه فقط به خاطر حفظ میراث فرهنگی یک کشور – که در حد خود مهم است – بلکه به خاطر ارزش کارپردی این فرهنگ است در خلق آثار تازه و جریان دادن حافظه چند هزارساله ملی در ذمّن معاصرانی که نسبت به شناخت هویت خویش کتجنکار هستند. گنجینه عظیمی که قرن‌ها تمامی کوشندگان ادبی از آن بهره جسته‌اند هنوز ظرفیت دارد که شعرا، قصه‌نویسان، پژوهش‌گان اجتماعی و فرهنگی، هر یک به گونه‌ای، از آن در راه غنای زبان و فکر و تحیل استفاده کنند. آن چه ما در عرصه هنر رسمی و کتاب‌های مدون داریم در برابر آن چه هنر مردمی نامیده می‌شود و سینه به سینه هزارها سال پاییده است چنان‌اندک است که بی‌توجه به فرهنگ مردم، ادبیات و هنر ماییم می‌ماند و فقیر و اندک میاه جلوه خواهد کرد.

#### دههٔ پنجاه، گسترش زمینه‌ها

در دهه پنجاه، جز این فعالیت‌ها که به گونه‌ای گسترده‌تر ادامه داشت، شاملو کوشید در صفحه‌های هنری نشریات روزانه (کیهان و اطلاعات) و مجلاتی چون فردوسی و جنگ‌های گاه‌گاهی چون آرش صدای خود را گسترده‌تر بپراکند. بر این نکته تأکید می‌کنم که تا همین اواخر، هیچ‌گاه نبوده و نشده که مدتی دراز شاملو ارتباط مستمرش را با مخاطبان قطع کرده باشد. حالا گاهی این ارتباط با چاپ شعر یا مقاله و مصاحبه در نشریات بوده است، گاهی به صورت شعرخوانی و سخنرانی و چاپ کتب، عملی می‌شده است. زمانی که جلوی کتابش را می‌گرفته‌اند، نور صدایش، شعرهای او و شاعران نامی ایران و جهان را به گوش می‌رسانده است. وقتی در دانشگاه صنعتی شریف درس داده، زمانی به کار در پژوهشکده تلویزیون و چند سالی در فرهنگستان زبان و دانشگاه بوعلی به تدوین کتاب کوچۀ اشتغال داشته است. وقتی هقی یک از این ارتباطات اجتماعی میسر نمی‌شده، با مصاحبه‌های رادیویی، با سفر به خارج از کشور از تریبون‌های آزاد برای بیان حرف‌های خود حول آزادی اندیشه و بیان و قلم، سود می‌جسته است. دینامیسم شغلی شاملو، عطش سیریایی ناپذیرش برای ارتباط جویی با مخاطبان، پویایی او در عرصه‌های گوناگون هنری و فرهنگی و اجتماعی، او را در قلب حرکات اجتماعی عصرش و مطلع نظر مبارزان پنهان و آشکاری قرار می‌داد که از اعتبار اجتماعی شاعر برای تأیید حرکات انقلابی بهره می‌یافتند. این نکته نیز در باب رفتار اجتماعی شاعر گفتنی است که شاملو به عنوان یک شاعر مدرن که ذهنیت پویا و فراگستر نشینشان – در برابر یکسو نگری‌های جزم اندیشانه روستایی‌مثناس – را دارد، به ضرورت‌های فعالیت در جامعه مدنی و تنگنا و فراخناهای این عرصه نیک‌آگاه است، و وقتی می‌بیند از تیراژ سیصد تایی «آشاه» آبی برای ادیب پیشرو گرم نمی‌شود، از سکوی اطلاعات و کیهان و تلویزیون و از تریبون دانشگاه و فرهنگستان و از هر وسیله ارتباطی و رسانای دیگری استفاده می‌کند تا آن چه را در سربارد به مخاطبان برساند و هنر هراسد که مთهم به همکاری باتلویزیون دولتی یا روزنامه فلان ستانوز شود، چون تابع شرایط و اسیر فضای حاکم نمی‌شود، حرفش را با صداقت و صراحت می‌زند، وقتی نگذاشتند از این رسانه حرف بزند آن سکو، از فلان گوشه صدایش را به مخاطب می‌رساند و این هشیاری را به طور فطری یا تجربی دارد که اقا هستی پیام خودت را به مردم وطن برسان، رسانه‌ها و جاها مهم نیستند، مهم فکر تو و پیام تست و پیش از هر چیز بدان چه را که لازم و درست می‌دانی با صداقت و به موقع فریاد کنی. .

وقتی که شعرهایش تنّدی می‌شود و مقالاتش گزنده‌تر و فضا را برای بیان آنچه می‌خواهد بگوید تنگ و تار می‌یابد، به تبعیدی خود خواسته رضایت می‌دهد، ابتدا به آمریکای روده‌بعد به لندن و در آن‌جا نشریه سیاسی ایران‌شهر را با یاری غلامحسین ساعدی درمی‌آورد که تا پیروزی انقلاب ادامه دارد. با پیروزی مردم به وطن بر می‌گردد و کتاب جمعه را – که نشریه‌ای اجتماعی – فرهنگی است سردبیری می‌کند که پس از ۳۶ شماره توقیف می‌شود و این آخرین سردبیری اوست. ولی آخرین ارتباط مطبوعاتی او نیست. چرا که با نوشتن مقالات و چاپ شعرهایش در ادبینه و نشریات دیگر همچنان با مردم سخن می‌گوید.

#### دهه‌شصت، خاموشی دریا

به دلایلی معلوم، شرایط تازه، با را بر اثر او و حذف ذکر اندیشان نهاده بود و از این رهگذار در متن جریان‌های افراطی، فحاهای بسیار به شاعران و نویسندگانی شد که به ناچار و در غیاب تشکل‌های حزبی و سیاسی، بار امانت دفاع از حقوق مردم را بی‌هیچ‌دوم متی برعهده گرفته بودند. شاملو در این دهه می‌کوشد تا ارتباطی را که از نظر انتشار شعر و مقاله، کاستی گرفته است از طریق تدارک نوآرهای صوتی جبران کند. او که بی‌حوصلگی مردم و سیاست‌زدگی هجیانی و بی‌توجهی به امر مکتوب در این دهه را حس می‌کرد به این نتیجه رسید که دوباره خلاق به فرهنگ شفاهی متمایل شده‌اند. بنابراین هوشمندانه ارتباط خود را با مخاطبان، از طریق انتشار نوآرهای صوتی ادبی – اجتماعی به گونه‌ای وسیع‌تر برقرار کرد. این بار هم جوانان مخاطبان اصلی صدای شاعر بودند. ترجمه آثار شاعران جهان، از جمله «ترانه شرقی و اشعار دیگر» لورکا – شاعر و درام نویس مجوسیش – و «سپاه خون‌آفرینای خودم» هیزو و «ترانه‌های میهن تلخ» از ریشوس و «سکوت سرشار از ناگفته‌است» و «چیدن سپیده‌دم» از مارگرت یوکل، همچنین نوآرهای صوتی قصه‌های کودکان، از جمله کارهای او بود که اقبالی عام یافت. در همین دهه، او به دعوت کشورهای اروپایی و آمریکا، سفرهای خود را به خارج ادامه داد با هدف سخن گفتن از آینده در باب فرهنگ و آزادی تلاّیّت.

در دعوت اینترنتیت دوم (در آلمان)، به رغم اخترامی که گنگره برای او و مهمانان نامدار دیگر قائل شده بود، شاملو وقتی می‌بیند که قطعه‌نامه گنگره اینترنتیت، چیزی در حدود تعاریف دیپلماتیک بین کارمندان سیاسی کرد کشور است و سیاست‌بازان فرهنگی اروپایی می‌خواهند خود را قیم فرهنگی جهان سوم بشناساند، جلسه‌نهایی را با ابراز قطعنامه پیشنهادی خود بر هم می‌زند و به حال مانع صدور قطعنامه آقای بلویل می‌شود که فکر می‌کرده با نمک گیر کردن نویسندگان جهان سوم متی بر آنان و نانی بیشتر در سقره خودش نهاده است. شاملو در مصاحبه‌ای اعلام کرد:

پس از گفت‌وگویی کوتاه (با چند نفر از نویسندگان گنگره) همه بر سر این اصل به توافق رسیدیم که: «ما به عنوان نویسندگان جهان سوم از محدوده مرزهایی آمده‌ایم که در آن‌ها روشنفکر را، دست نشاندۀ ابریک اندیش دشمنان مردم معرفی می‌کند، به این ترتیب حق داریم منافع محتمل رژیم آلمان در کشورهای خود را (که بگوئندش از اعلامیه آقای بلویل بلند است) حقیر بشماریم. ما مسائل و مشکلات بنیادی خود را داریم و دعوت آقایان را نپذیرفته‌ایم که نمک گیرمان کنند».

شاملو به محض این که در رابطه‌ای حرکت ابتذال و ارتباط استبدادی را حس می‌کند با روحیه‌ای تهاجمی خود را به وسط معرکه می‌افکند – همان‌طور که هسنلان او آل‌احمد و خلیل ملکی این کار را می‌کردند – در این درگیری، اصلاً پروایی ندارد که شکست بخورد، بی اعتبار شود. ثاب نشن خود را از دست بدهد. تا احساس می‌کند باید حرفی به مصلحت عمومی مطرح شود آن را به زبان قلم می‌زند و این یکی از مشخصه‌های روشنفکر اصیل است که به هنگام ضرورت، عاقبت اندیشی نشناسد. چنین مواردی در کارنامه او بسیار است از نامه او به بی‌بی‌سی گرفته تا مصاحبه‌اش با «تاس».

در ماه‌های قبل از انقلاب، چون بی‌بی‌سی متن گفت‌وگو با او را سانسور کرده، اما حق الزحمه‌اش را برای او فرستاده بود. او در آن زمان، اشعار خطاب به سوزان بلاکت می‌نویسد: «... من به صراحت در نخستین برخورد با نقاضای بی‌بی‌سی این نکته را متذکر شدم که اگر به مصاحبه‌ای تن در دهم به هیچ وجه در سخنانم ملاحظات سیاسی بی‌بی‌سی را (به عنوان دستگاه تبلیغاتی دولتی که به جبار ملت‌ها می‌معرفی می‌رود) در نظر نخواهم گرفت و با آزادی تمام از پایگاه شخصی خود سخن خواهم گفت. ... من دنبال مذاکره شما (با فرستاده سفارت ایران) از سوری سازمان شما به من پیشنهاد شد «عجائات» فقط آن قسمت از مصاحبه که مربوط به شخص من و سوابق ادبی من است «به‌طور مستقل» پیش‌شود و باقی مصاحبه را بگذارند (برای بعدها) – که جواب مرا قبلاً هم شنیده بودند: «او‌لا که سوابق ادبی ناچیز من برای خودم هم اسباب خجالت است. ثاباً کدام ایرانی فاتحه بی‌الحمدی می‌خواند برای (سوابق ادبی) آن خروس بی‌محلی که در برابر جنازه‌های غرقه به خون هزاران بی‌گناهی که در خیابان‌های وطن گریان من به خاک افتاده‌اند، تعداد کتاب‌هایش را بشمرد یا از افتخارات شعری و فعالیت‌های تحقیقی سخن‌خود بگوید؟ پاسخ من این بود که قسمت میاسی مصاحبه را پیش‌کش‌کنند و قسمت ادیش را به سطل خاک‌رو به بینندازند...».

در پایان این دهه شاملو در دانشگاه برکلی، یک سخنرانی کرد که مخالفانش از آن بهانه‌ای ساختند. اگرچه او در سر علم کردن این بهانه هم بی‌تقصیر نبود. عنوان این سخنرانی روند روشنگری در قرن بیستم ایران بود. مفهسون اصلی حرفش این بود که تاریخ ما زیر فشار حکومت‌های داسد، توسط شیئت تاریخ‌نگار مزدور نان به نرخ روز و زخو غلط و تحریف شده و ناقص به مردم معرفی شده‌است. شما دانشجوایی که در خارج از کشور، به‌ودر آن انواع میزبانی‌های، دسترس می‌منابع اساسی دارید، سعی کنید که حقیقت‌آسب‌پذیر تاریخ ایران را، آن گونه که در واقع بوده است آشکاره کنید. اما برای این حرف درست دلسوزانه لحن نامستللی انتخاب کرده بود. با مثال‌هایی جنجالی و مشکوکه. خب، برای همین هم سلطنت طلبان هیوا گرفتند. هم ضد آنان، توده‌ای‌ها و مذهبی‌ها چون هدف کوبیدن شاعری بود که کوشه وقت آن را بخود، نه از دیگری به دست نساخته بود. هر کس از جهتی سوسه‌ای دوآند و آشتلمی کرد. مثال‌ها و نظرهایی که شاعر از محقق دیگر نقل کرده بود قابل دفاع نبود و شاید هم آن زمان برای طرح این حرف‌ها مناسب نبود. چرا که همین سخنرانی را سال‌ها بعد پیش به گونه‌ای دیگر در یکی از این دانشگاه‌ها کرده بود و آب آب تکان نخورده بود. او در این جلسه گفت: «پذیرفتن احکام و تعصب ورزیدن بر سر آن‌ها توهین به شرف انسان بودن است، متأسفانه باید قبول کرد که ما بسیاری چیزها را می‌خواهیم و به این عرصه می‌گذارید کجای کنید؟ چه برنامه‌ای در دست دارید؟ می‌چه می‌خواهید بکنید؟ کسی به این پرسش‌های در دکان من باسخی نداده است، شما که این‌ها باشد که جواب می‌دهید؟ اگر دل نازک‌تان نمی‌شکند خود من بگویم، گمان کنم جواب این باشد که چو فردا شو فکر فرار کنیم. ... ما حق نداریم از تئوری هیامان دامی بسازیم و به آیه‌های کتاب سیاسی امامان مذهبی پیدا کنیم و تعصبی جگرمانه بورزیم. ما فاضل است که چیزی را که درست اندیشه‌ایم، درگاهش کاملاً مکررانه و فضایی آزاد از تعصبات قشری در جری سرشار از فرزانگی که در آن تنها عقل و منطق و استدلال محترم باشد با چیزهایی که دیگران درست‌انگشته‌اند، به محک بزنیم.

تمامی کسانی که دلال‌های دیگری خورده‌اند به پایت – بامداد داشتند. گزک خوبی به دستشان افتاده بود که او و راه‌ی بیندازند که شاملو به مقدسات ملی ما، از جمله به فردوسی توهین کرد در است در حال‌یکه پیام شاعر، تعصب نورزیدن به دانسته و باورها بود و خودش را هم از این قاعده مستثنی نکرده بود. خاصه که درگیری او با سعدی و فردوسی و بزرگان ادب کنه، کار تازه‌ای نبود. اما پیشتر اسنادی عمری با تنها ناآنها و «حرفش را از ده» جنگیده بود. درست یا غلط این عقیده او بود و دیگران می‌توانستند بی آن که لازم باشد بی‌مخانه «شکمش را پاره کنند» جوابش را با استدلال بدهند.

این تمامی راز کارمیزی شاعر نیست. او وجود مضمونی است از آخرین نسل شجاعان که آیدایی آنان دور و بر مشروطیت بود و پایان آن با دهه شصت آغاز شده است. سلامت و عزت‌نش بیشتر باد که مرز از ماندگاری مردم وطنش را خواسته است.





ویژه پنجشنبه ها  
۲۰ صفحه

# نشاط



• NESHAT • No. 142 • Vol. 1 • Aug 26, 1999 • New Series •

روزنامه جامع مدنی ایران

• پنجشنبه ۴ شهریور ۱۳۷۸ • ۱۳ جمادی الاول ۱۴۲۰ • دوره جدید • سال اول • شماره ۱۴۲ •

|                                                        |                                                |                                                                  |                                                                                                     |                                          |
|--------------------------------------------------------|------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------|
| گزارش تصویری<br><b>آیین های سوگ معصومان</b><br>صفحه ۱۵ | گاندی<br><b>انسانگرایی سوسیالیست</b><br>صفحه ۷ | ویژه شاملو<br><b>حضور مداوم چهل سال زندگی شاعرانه</b><br>صفحه ۱۲ | پیرامون جایگاه هاشمی رفسنجانی<br>و مجمع تشخیص مصلحت<br><b>تنها برخی بیشتر بوابر هستند</b><br>صفحه ۹ | <b>همسر امیرانتظام آزاد شد</b><br>صفحه ۲ |
| تصویر Picture                                          | فرهنگ و اندیشه Culture & Ideas                 | ادب و هنر Arts & Literature                                      | مسائل ایران Iran Affairs                                                                            | داخلی Domestic                           |

نشاط نظر خواهی می کند

یک مقام آگاه در وزارت کشور اعلام کرد

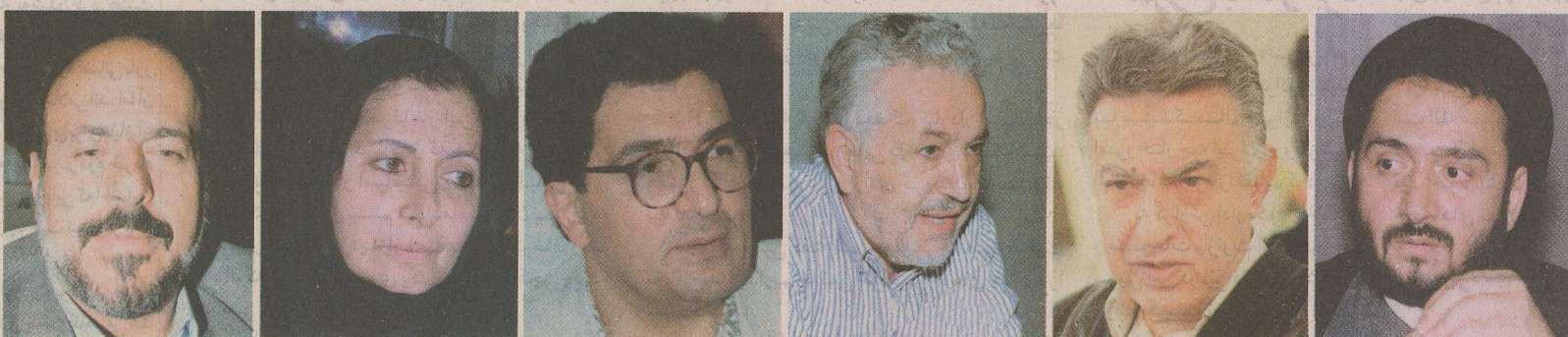
## چشم انداز اصلاحات در قوه قضائیه از دیدگاه صاحب نظران

**حال کشیش  
ربوده شده  
اسپانیایی  
رضایت بخش  
نیست**

گروه اجتماعی - یک منبع آگاه در وزارت کشور گفت: «وضعیت جسمانی خواگین فرناندز، مسن ترین جهانگرد اروپایی ربوده شده رضایت بخش نیست».

بنابر گزارش های رسیده، وی که از شنبه گذشته به همراه ۳ جهانگرد اروپایی و یک ایرانی از هتل گواشیر کرمان ربوده شده، دچار ناراحتی قلبی است. این در حالی است که روزنامه تهران تایمز ۱۸ صفحه

**مدیر مسئول  
هفته نامه آبان  
به دادگاه ویژه  
روحانیت ا حضا ر شد**  
صفحه ۲



قاسم شعله سعدی

مهر انگیز کار

مسعود بهنود

ابراهیم یزدی

عزت الله سبحانی

سید محمد علی ابطی

**سرتیپ لطفیان: نیروی انتظامی  
در مسیر درستکاری مورد تهمت  
قرار گرفته است**  
صفحه ۲

گروه داخلی - سیدمحمد هاشمی شاهرودی رئیس جدید قوه قضائیه زمانی بر کرسی دستگاه قضائی کشور تکیه زد که طی ۱۰ سال ریاست محمد یزدی بر این قوه، تغییرات بسیاری در نظام قضائی ایران ایجاد شد که همواره از سوی حقوقدانان، وکلا و صاحب نظران مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. در عین حال طی دو سال گذشته برخی برخوردهای دستگاه قضائی با مطبوعات و چهره های علمی و سیاسی سبب شد که این شائبه پیش آید که دستگاه قضائی به حوزه مسائل سیاسی وارد شده و توانسته است همزمان با تحول



فیلمی از: (رسول صدراعظمی  
بزودی در سینماهای  
تهران و شهرستان ها

**ماهنامه**  
**مرفیّت**  
... تقدیم به آنانکه منتظر دیگران نمی مانند  
رجوع به صفحه ۳

**gallery**  
فرم شرکت در مسابقه بزرگ لوازم آرایش گالری  
را در روزنامه نشاط در روزهای یکشنبه ۷۸/۶/۷ و  
چهارشنبه ۷۸/۶/۱۰ ملاحظه فرمائید.  
شرکت در مسابقه رایگان می باشد  
بیش از ده میلیون ریال جایزه  
بیش از ده میلیون ریال جایزه

**جراح عالیقدر جناب آقای محمد صالح گنجویان**  
انتخاب جنابعالی را به عنوان پزشک نمونه سال تبریک گفته  
سلامت و سعادت شما را از ایزد منان خواستاریم.  
شرکت تجهیزات پزشکی سم سهیل (سهامی خاص)

امور مسافرتی خود را به ما بسپارید  
و با خیالی آسوده به قرارهای تجاری خود بپردازید

**Lufthansa**  
German Airlines

جهت رزرو جا با آژانس مسافرتی خود و یا دفتر هواپیمایی لوفت هانزا  
تلفن ۸۷۳۸۷۰۱ تماس حاصل فرمائید

**هفته دولت گرمی باد**

**بانک کشاورزی**  
در خدمت جامعه شهری و روستایی ایران

**خدمات تلفنbank**  
**بانک کشاورزی**  
**با خدمات اقتصامی زیر:**

- اعلام آخرین موجودی با تلفن و نمابر
- ارسال حد اکثر ۲۵ گردش از آخرین عملیات مالی انواع حسابهای بانکی از طریق نمابر
- اعلام ۳ گردش آخر حسابها با تلفن
- اعلام یک گردش به خصوص با ورود شماره چک و یا شماره فیش به کمک تلفن
- اعلام وضعیت چکهای به حساب گذاشته سایر بانکها، با ورود شماره چک و اگزار شده
- اعلام سود محاسبه و واریز شده به حساب برای سپرده ها
- دریافت آخرین اطلاعات از وضعیت انواع حسابها تا قبل از تماس

**تلفنbank**  
**بانک کشاورزی**  
با امکانات ویژه تلفن و ارسال فاکس ONLINE











## چشم انداز اصلاحات قوه قضائیه از دیدگاه صاحب‌نظران

بقیه از صفحه اول-
رئیس جدید قوه قضائیه بتواند به وعده‌های خود در زمینه توسعه قضائی و عده عمل بپوشاند.
در همین خصوص و پیرامون چشم‌اندازهای آینده دستگاه قضائی با تنی چند از حقوق‌دانان، نویسندگان، صاحب‌نظران، دست‌اندرکاران و مسئولان به گفت‌وگو پرداخته‌ایم که درپی می‌آید.

**محقق داماد: نقطه نظرهای**

**مفصلی دارم**

سیدمصطفی محقق داماد،

حقوق‌دان و استاد دانشگاه، نیز در پاسخ به پرسش خبرنگار ما مبنی بر ارزیابی عملکرد قوه قضائیه در ۱۰ سال گذشته و راهکارهای جدید برای بهبود دستگاه قضائی در دوره رئیس جدید قوه قضائیه گفت: «شخصاً نسبت به عملکرد قوه قضائیه طی سال‌های گذشته تحلیل‌ها و نقطه‌نظرهای مفصلی دارم که در حال تدوین آن هستم و طی روزهای آینده برای روزنامه نشاط ارسال خواهم کرد.»

**سیدمحمدعلی ابیطبی: بدنه قوه قضائیه را باید از افراد**

**سیاسی پالایش کرد**

سیدمصطفی ابیطبی رئیس دفتر

رئیس جمهوری در پاسخ به این پرسش که روند تغییرات به وجود آمده در قوه قضائیه را چگونه می‌بینید؟ گفت: «بزرگ‌ترین حرکت مثبتی که در چشم‌انداز قوه قضائیه وجود دارد - باتوجه به شخصیت آیت‌الله‌شاهرودی که در مکتب فقهی و درسی شهید صدر پرورش یافته است - نگاه ضابطه‌مند و حقوقی به این دستگاه است. به معنای دیگر به برگ‌داندن قوه قضائیه به جایگاه اصلی خود یعنی جایگاه حقوقی و قضائی که باعث اعتماد و امنیت عمومی می‌شود، برجسته‌ترین اقدام متصور است.

از وی پرسش شد که آیا بنابراین می‌توان گفت همان‌طور که آقای خاتمی بنای توسعه سیاسی را پایه‌ریزی کرده آقای شاهرودی نیز دست به توسعه قضائی زده است، ابیطبی پاسخ داد: «توسعه قضائی و التزام به لزوم آن نیاز جدی جامعه امروز ماست که می‌تواند تکمیل‌کننده توسعه سیاسی باشد زیرا تضمین توسعه سیاسی و استقرار آن تنها با قرار گرفتن دستگاه قضائی در جایگاه حقوقی خود خواهد بود که طرح چنین

**نُفیت برای همه به اندازه کافی وجود دارد!**

**اما**

**فقط کسانی آترا بدست می آورند که**

# قدم اول

**را برمی دارند.**

## جشن بزرگ دیدار با

# مُفیت

**به بهانه اولین سالگرد تولد مجله نُفیت**

**با حضور خوانندگان مجله و جمعی از هنرمندان کشور**

**برای شرکت در جشن و رزرو جا با تلفن های**

**۸۷۹۲۵۸۹ – ۸۷۸۲۸۹۶**

**تماس حاصل فرمایید .**

**بسیار خوشحال خواهیم شد اگر:**

**بتوانیم در این جشن دوستان جدیدی پیدا کنیم .**



**نُفیت در سراسر کشور نماینده فعال می پذیرد .**

**ماهانمه موفقیّت:**

**مدیر مسئول و صاحب امتیاز: احمد حلت**

**نشاط نظر خواهی می کند**

## چشم انداز اصلاحات قوه قضائیه از دیدگاه صاحب‌نظران

وی تجدیدنظر در قانون دادگاه‌های عام را یکی از اصلاحات ضروری دانست و گفت: «با اجرای قانون دادگاه‌های عام مراحل بازپرسی و دادستانی را حذف کردند و همه چیز را به اختیار دادگاه قرار دادند، آیا یک داستان می‌تواند هم مدعی باشد و هم قاضی؟ حتی خودروای دادگاه‌ها شکایت و گله دارند. یک قاضی در یک روز چگونه می‌تواند به چهار تا پنج پرونده رسیدگی کند و درباره آنها تصمیم بگیرد؟»

وی افزود: «فکر می‌کردند با اجرای دادگاه‌های عام روند رسیدگی به پرونده‌ها سرعت می‌گیرد اما نه تنها این کار عملی نشد بلکه رسیدگی‌های آنان از عمق قضائتی برخوردار نیست.»

سحابی جایگزینی قضات باصلاحیت و توانا به جای قضات کم‌صلاحیت را یکی دیگر از تغییراتی دانست که باید در قوه قضائیه انجام گیرد. وی در پایان از روی کارآمدن آقای شاهرودی بر منصب ریاست قوه قضائیه ابراز خوش‌بینی کرد.

**سعید محبی: توسعه سیاسی، پشتوانه قضائی می‌خواهد**
سعید محبی حقوق‌دان، روند تحولات به وجود آمده در دستگاه قضائی کشور را مثبت ارزیابی کرد و گفت: «یکی از نکات مهمی که با آمدن آقای شاهرودی مورد توجه قرار گرفته است و ایشان نیز در دیدار با آقای خاتمی مطرح کردند، توسعه قضائی هماهنگ با توسعه سیاسی است، چراکه توسعه سیاسی هیچ‌گاه بدون پشتوانه قضائی به نتیجه نخواهد رسید. از سوی دیگر همین سخن آقای شاهرودی حکایت از توسعه‌نیافتگی دستگاه قضائی ما دارد.

وی نخستین نیاز و اصلاح دستگاه قضائی را اصلاح ساختار اداری نظیر نحوه استخدام قضات دانست و گفت: «سازمان قضائی کشور از کمبودهای بسیاری از جمله حذف دادرسا از تشکیلات قضائی کشور رنج می‌برد.»

این حقوق‌داه ادامه داد: «کسانی که دادرسا را حذف کردند، وجود دادرسا را موجب‌کنند ی روند رسیدگی به پرونده‌ها می‌دانستند در حالی که با وجود حذف دادرسا این روند همچنان ادامه دارد، پس معلوم می‌شود مشکل از دادرسرا نیست بلکه باید علت را در جای دیگر جستجو کرد.»

محبی اصلاح ساختار قضائی

کشور، ایجاد دادگاه‌های تخصصی و نه اختصاصی نظیر ایجاد دادگاه‌های تجاری، خانواده و مدنی را از اقدام‌های ضروری دیگر دانست که باید برای اصلاح دیدگاه قضائی کشور صورت گیرد. وی توضیح داد: «نگاه در دستگاه قضائی باید نگاه تخصصی باشد، و این حرف که ما باید قاضی عمومی داشته باشیم راه به جایی نمی‌برد.»

شاهرودی نشانه‌هایی از امید در میان جامعه حقوق‌دانان کشور مشاهده شده است، البته باید منتظر عملی شدن برنامه‌های آقای شاهرودی بود ولی صحبت‌های ایشان در دیدارهای مختلف و برنامه‌هایی که اعلام کردند چشم‌انداز امیدبخشی را به تصویر کشیده است.»

مهرانگیز کار،

رایج امروز مطبوعات را نگاه تحقیرآمیز سیاسی نسبت به غیرخودی خواند و با فاقد‌جاذبه توصیف کرد این نگاه از نظر کارشناسان حقوق افزود: «آنان می‌تواند ده‌ها مصداق قانونی از مثال بیاورند که موجب آن شهروندان ایرانی فاقد حقوق برابر بوده و فاقد امنیت قضائی هستند.»

وی عامل جنسیت، دین و عقیده را مشروعبیت‌بخش تبعیض شهروندان در قوانین توصیف کرد و گفت: «با این وصف نمی‌توان نقش منفی نهادهای قانونگذاری کشور را که از پایگاه خودی و غیرخودی در این سیستم سلال قانونگذاری کرده‌اند در هرج و مرج قضائی موجود نادیده گرفت.»

مهرانگیز کار، عدم حمایت نظام قضائی از غیرمسلمانان، زنان و

دگراندیشان را قابل تأمل خواند و با اشاره به مسئولیت‌پذیری دختران ۹ ساله ترزاژن در امنیت قضائی شهروندان را موجب نگرانی و تأسف دانست.

وی تحقق حرکت آرمانی برای اعاده حیثیت قوه قضائیه را نیازمند گامی فراتر از اصلاحات دانست و افزود: «لازمه زمینه‌سازی برای حرکت آرمانی یک بحث تطبیقی است که نظام قضائی و حقوقی پیش از انقلاب و پس از آن را از همه‌جوانب به مقایسه بگذار.»

مهرانگیز کار گفت: «در جریان این مقایسه البته قانون مطبوعات که محصول درخشان عصر انقلاب است در بوته نقد گذاشته می‌شود و با هدف تأمین آزادی بیان و آزادی مطبوعات به صورت مترقی تری اصلاح می‌شود. همچنین سرانجام دادگاه ویژه روحانیت که مدعی سرزندگی اندیشه دینی است، مورد توجه قرار می‌گیرد.»

وی نتیجه اقدامات یادشده را مرزبندی دقیق صلاحیت‌های قضائی و بریکرد متفاوت مراجع قضائی نسبت به متهمان مطبوعاتی و سیاسی برشمرد

**شعله‌سعدی: عزل و نصب‌ها را تحولی مثبت می‌دانم**

قاسم شعله‌سعدی حقوق‌دان و استاد دانشگاه در پاسخ به نظرخواهی نشاط در باره تحولات قوه قضائیه پس از ریاست شاهرودی اظهار داشت: «این عزل و نصب‌ها را که در قوه قضائیه صورت گرفته است تحول مثبتی تلقی می‌کنم، اما اینها تغییر ساختاری به انواع نیازمند تحولات عمیقی است و باید تغییرات اساسی در آن صورت بگیرد.»

وی تصریح کرد: «باید عملکرد سیاسی در قوه قضائیه خاتمه پیدا کند و یکی از مهمترین ابزارها برای جلوگیری از سیاسی شدن این قوه منع رئیس قوه قضائیه از حضور در تریبون سخنرانی نمازجمعه است، چون اگر آقای شاهرودی بخواهند مثل آقای یزدی در نمازجمعه سخنرانی کنند لا‌جرم سیاسی می‌شوند و اگر رئیس سیاسی بشود تمام زیردست‌ها سیاسی می‌شوند.»

نماینده سابق مردم شیراز در مجلس گفت: «قوه قضائیه زمانی می‌تواند اعتماد عمومی را جلب کند که از کانون‌های قدرت برحذر باشد.»

شعله‌سعدی ابراز زد: «قوه قضائیه به دلیل بافت سیاسی که داشته یک سری لوایح‌بی‌ربط سیاسی را تهیه و تقدیم مجلس کرده است و مجلس هم آن لوايح را از تصویب‌گذرانده و حالا پس از گذشت چند سال شاهدیم که آن قوانین موفق نبوده است. یکی از کارهایی که هرچه سریع‌تر باید صورت گیرد، لایحه لغو قانون دادگاه‌های عام است.»

شعله‌سعدی با اشاره به گفته رئیس جدید قوه قضائیه مبنی بر لزوم توسعه قضائی گفت: «لازمه توسعه قضائی توسعه سیاسی است و قوه قضائیه برای تحقق توسعه قضائی باید در راستای جنبش دوم خرداد گام بردارد و ملاکش حقوق شهروندی باشد که در اصل همان حقوق بشر است و برای نیل به این هدف قضات باید آموزش ببینند تا از حقوق مردم دفاع کنند.»

شعله‌سعدی انکای قوه قضائیه به افراد را یکی از نقایض دستگاه قضائی برشمرد و گفت: «در قوه قضائیه هنوز منکی به افراد هستیم، این است که وقتی آقای رازینی در مسند قرار می‌گیرد یک عملکرد دارد و آقای علیزاده هم که جایگزین می‌شود یک عملکرد دیگر خواهد داشت، در حالی که قوه قضائیه منحصر باید قانون حاکم باشد.»

وی با تأکید بر این مطلب که مکتب شیعه مکتبی احتیاجی است گفت: «صرف این که مسئله‌ای در کتب فقهی است و بدون این که با اقتضای زمان منطبق کنیم مطلوب نیست، باید یک احتیاج‌پویا انجام دهیم تا سیستم قضائی آمادگی ورود موفق به قرن ۲۱ را داشته باشد.»

## چگونه از خیابان رد شویم؟

سیدابراهیم نبوی

راننده که فراقانونی یا خودی یا مخالف قانون است سر می‌رسد و شما را می‌کشد.

**حکومت آنا‌رشیست:** در همان پیاده‌رو که ایستاده‌اید خودتان را آماده سخنرانی می‌کنید. آستین پیراهن تان را بازه کرده و به عنوان نقاب آن را به صورت تان می‌بندید. در همین موقع همه جمع می‌شوند و شما شروع می‌کنید به سخنرانی علیه سواره‌ها و به نفع پیاده‌ها. جمعیت در پیاده‌رو ایقندر زیاد می‌شود که خیابان بند می‌آید. به تدریج گروهی به عنوان مخالف‌شما را کنار می‌زنند و خودشان حرف می‌زنند. در این فرصت با استفاده از بندآمدن خیابان از لای ماشین‌ها رد می‌شوید و آن طرف خیابان می‌روید. اما در یک کوچه تنگ و تاریک توسط کسی که نقاب دارد و طرفدار سواره‌هاست بعداً کشته می‌شوید.

**حکومت نظامی:** در پیاده‌رو در بین جمعیت می‌ایستید و با صدای بلند فرامی‌کنید. چند دقیقه بعد حکومت نظامی اعلام می‌شود. تانک‌ها خیابان را پر می‌کنند. شما را هم دستگیر می‌کنند و به آن طرف خیابان می‌برند و همانجا در حالی که از خیابان رد شده‌اید شما را اعدام می‌کنند.

**جامعه مدنی:** جلوی ماشین‌ها را می‌گیرید و با آنها در مورد توقف کردن و توقف نکردن یا اولویت سواره و پیاده بحث می‌کنید. به تدریج همه از ماشین‌ها بیرون می‌آیند و باهم در این مورد بحث می‌کنند. پوشا پوشا به دلیل توقف اتومبیل‌ها در خیابان و ترافن آدמה سر کار خیابان بند می‌آید و تولید متوقف می‌شود. پس از چند هفته عده‌ای تصمیم می‌گیرند به این اوضاع خاتمه دهند. حکومت وارد عمل می‌شود و شما از خیابان رد می‌شوید.

**نظام آریستوکراتیک:** در سمت راست خیابان یا موبایل تان به وکیل تان زنگ می‌زنید و آن خیابان را می‌خرید. و بعد دو طرف خیابان را می‌بندید و اجازه حرکت به هیچ ماشین نمی‌دهید و بعد از خیابان رد می‌شوید.

**نظام دموکراتیک:** موضوع را به رفراندوم می‌گذارید. اگر تعداد پیاده‌ها بیشتر بود ماشین‌ها را متوقف کرده و به آن طرف می‌روید، اگر تعداد سواره‌ها بیشتر بود تا آخر عمر تان همان طرف می‌مانید.

**روش محفلی:** با دوستانتان در سمت راست خیابان یک محفل تشکیل می‌دهید. بعد با استفاده از حکم‌های جعلی جلوی اتومبیل‌ها را می‌گیرید، بعد راننده‌ها را با طناب می‌کشید. بعد از خیابان رد می‌شوید و می‌روید به حمام.

**نتیجه‌گیری اخلاقی:** آدم پیاده بدبخت است، فرقی نمی‌کند در کدام نظام سیاسی باشد.

**نتیجه‌گیری فوئکلوریک:** هرچی که سنگه به پای لنگه.

**نتیجه‌گیری اجتماعی:** حاکم یک نوع محکوم است که عیبهایش بیشتر دیده می‌شود.

بی‌سئون

چگونه از خیابان رد شویم؟

سیدابراهیم نبوی

راننده که فراقانونی یا خودی یا مخالف قانون است سر می‌رسد و شما را می‌کشد.

**حکومت آنا‌رشیست:** در همان پیاده‌رو که ایستاده‌اید خودتان را آماده سخنرانی می‌کنید. آستین پیراهن تان را بازه کرده و به عنوان نقاب آن را به صورت تان می‌بندید. در همین موقع همه جمع می‌شوند و شما شروع می‌کنید به سخنرانی علیه سواره‌ها و به نفع پیاده‌ها. جمعیت در پیاده‌رو ایقندر زیاد می‌شود که خیابان بند می‌آید. به تدریج گروهی به عنوان مخالف‌شما را کنار می‌زنند و خودشان حرف می‌زنند. در این فرصت با استفاده از بندآمدن خیابان از لای ماشین‌ها رد می‌شوید و آن طرف خیابان می‌روید. اما در یک کوچه تنگ و تاریک توسط کسی که نقاب دارد و طرفدار سواره‌هاست بعداً کشته می‌شوید.

**حکومت نظامی:** در پیاده‌رو در بین جمعیت می‌ایستید و با صدای بلند فرامی‌کنید. چند دقیقه بعد حکومت نظامی اعلام می‌شود. تانک‌ها خیابان را پر می‌کنند. شما را هم دستگیر می‌کنند و به آن طرف خیابان می‌برند و همانجا در حالی که از خیابان رد شده‌اید شما را اعدام می‌کنند.

**جامعه مدنی:** جلوی ماشین‌ها را می‌گیرید و با آنها در مورد توقف کردن و توقف نکردن یا اولویت سواره و پیاده بحث می‌کنید. به تدریج همه از ماشین‌ها بیرون می‌آیند و باهم در این مورد بحث می‌کنند. پوشا پوشا به دلیل توقف اتومبیل‌ها در خیابان و ترافن آدמה سر کار خیابان بند می‌آید و تولید متوقف می‌شود. پس از چند هفته عده‌ای تصمیم می‌گیرند به این اوضاع خاتمه دهند. حکومت وارد عمل می‌شود و شما از خیابان رد می‌شوید.

**نظام آریستوکراتیک:** در سمت راست خیابان یا موبایل تان به وکیل تان زنگ می‌زنید و آن خیابان را می‌خرید. و بعد دو طرف خیابان را می‌بندید و اجازه حرکت به هیچ ماشین نمی‌دهید و بعد از خیابان رد می‌شوید.

**نظام دموکراتیک:** موضوع را به رفراندوم می‌گذارید. اگر تعداد پیاده‌ها بیشتر بود ماشین‌ها را متوقف کرده و به آن طرف می‌روید، اگر تعداد سواره‌ها بیشتر بود تا آخر عمر تان همان طرف می‌مانید.

**روش محفلی:** با دوستانتان در سمت راست خیابان یک محفل تشکیل می‌دهید. بعد با استفاده از حکم‌های جعلی جلوی اتومبیل‌ها را می‌گیرید، بعد راننده‌ها را با طناب می‌کشید. بعد از خیابان رد می‌شوید و می‌روید به حمام.

**نتیجه‌گیری اخلاقی:** آدم پیاده بدبخت است، فرقی نمی‌کند در کدام نظام سیاسی باشد.

**نتیجه‌گیری فوئکلوریک:** هرچی که سنگه به پای لنگه.

**نتیجه‌گیری اجتماعی:** حاکم یک نوع محکوم است که عیبهایش بیشتر دیده می‌شود.

تربیتون

امنیت قضایی پیش نیاز توسعه سیاسی و اقتصادی

## آغازی امیدوارکننده

ابراهیم یزدی

از طریق سخنان نغز و نه فقط با تعریض مسئولان، بلکه با اصلاحات اساسی، جدی و گسترده و پیگیری آنها دست‌یافتنی است.

اصلاح ساختارهای به‌هم‌ریخته، تأمین استقلال قضات و دادگاه‌ها، اعم‌از خاص و عام و ویژه، و خاتمه‌دادن به فشارها و دخالت‌های جریان‌های سیاسی و امنیتی، ایجاد رویه واحد در دادگاه‌ها، دادستانی‌ها و زندان‌ها، و پایان‌دادن به قضیه اصلی یک شهر و چهل کالانت در قوه قضائیه، از جمله وظایفی است که در برابر رئیس جدید این قوه قرار دارد.

قوه قضائیه، مسئول نظارت بر حسن اجرای قانون است و باید ملجأ و مأمن و پناهگاه مردم از ظلم و ستم و جور و جباریت صاحبان ریز و درشت قدرت باشد. در کشورهای جهان سوم و از جمله در کشور ما، تجارب تاریخی فراوانی نشان می‌دهد که بزرگ‌ترین منجرآور از قانون و به حقوق ملت، دولت‌ها و صاحبان قدرت و دارندگان زر و زور و تزویر هستند.

قوه قضائیه می‌باید آن چنان عمل کند که هر فردی، حتی ضعیف‌ترین شهروندان این جمهوری بتواند در برابر آن مقام و قدرت، احساس امنیت و آرامش کند و اگر مورد ظلم و ستمی قرار گرفت بدون ترس و واهمه دادخواهی کند و به بی‌طرفی و اقتدار قوه قضائیه اطمینان داشته باشد.

رئیس جدید قوه قضائیه همچنین باید برای کاهش و تحدید فساد در برخی از شاخه‌های این قوه فکر عاجلی بکند. نمایندگان قوه قضائیه در کمیسیون‌ها و نهادهای مختلف، نظیر کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب و با هیأت نظارت بر مطبوعات و... از کسانی انتخاب شوند، که هیچ گونه گرایش حزبی و گروهی نداشته باشند و صرفاً در چارچوب ضوابط قانونی عمل کنند.

علاوه بر آن چه گفته شد و به موازات تغییرات یاد شده، به عنوان گامی دیگر در راستای جلب اعتماد عمومی و فراهم ساختن زمینه حکومت حق و عدالت در قوه قضائیه، پیشنهاد می‌شود، رئیس جدید قوه قضائیه، طرح پیشنهادی رئیس قبلی این قوه به دولت، درباره تعریف جرم سیاسی را پس بگیرد و با کمک کارشناسان برجسته حقوق، پیشنهاد جدیدی که متضمن حفظ حقوق شهروندان و ایجاد فضای سالم فعالیت سیاسی باشد، تهیه و ارائه کند.

باید امیدوار بود که با این تغییرات و اصلاحات، امنیت قضایی لازم برای توسعه سیاسی و اقتصادی تأمین شود و با توجه به مشکلات عظیمی که بر سر راه اصلاح قوه قضائیه قرار دارد و با عنایت به اراده اخلاصی که مشاهده می‌شود، ضمن دعای خیر برای ایشان از همگان دعوت می‌شود از اقدامات اصلاحی در قوه قضائیه حمایت کنند.

## ترک اعتیاد

توسط پزشک مجرب

بدون درد و علائم

بدون نیاز به استراحت

۴۲۳۷ – ۲۲۵ – ۰۹۱۱









نقش

## مصوبه جدید و ویزای مهاجرت پزشکان شهرستانی

نگاهی به سیستم‌های موفق و پیشرفته آموزش، درمان و بهداشت پزشکی جهان نشان می‌دهد که کشور ما تا چه اندازه از آن‌ها فاصله دارد. ریشه‌های این عقب افتادگی رانیز باید در نبود برنامه ریزی و مدیریت صحیح و اصولی متولیان این امور جستجو کرد.

برای مثال اخیراً پس از مدت‌ها بررسی کارشناسانه اعلام شد که برای رفع مشکل هزاران پزشک جوان بیکار و کم در آمد در کشور امتیازات لازم برای کسب پروانه مطب در شهرهای بزرگ تقلیل می‌یابد. این در حالی است که اقداماتی از قبیل کم و زیاد کردن دایم امتیازها نه تنها راه حلی اساسی برای حل این مشکل نیستند. بلکه برعکس بر نا امنی شغلی و سرگردانی این پزشکان نیز می‌افزایند.

بجاست که مسئولان محترم به جای این گونه اقدامات در فکر چاره جویی اساسی باشند که «خانه از پای بست ویران است»! هر سال عده کثیری از پزشکان بومی شهرهای کوچک که عمده آنان را پزشکان دارای تخصص و فوق تخصص تشکیل می‌دهند به علت برخوردار نبودن از امکانات شغلی – رفاهی مناسب در زادگاه خود پس از کسب تعداد امتیازهای لازم برای کسب پروانه اشتغال در شهرهای بزرگ به این شهرها مهاجرت می‌کنند و از این طریق در کنار سود سرشار مالی امکانات مختلف رفاهی را برای خود و خانواده خود تضمین می‌کنند. به این ترتیب وجود سیستم امتیازها برای این عده در حکم ویزای مهاجرت به شهرهای بزرگ است و بر تراکم نیرو در شهرهای بزرگ و محرومیت شهرهای کوچک می‌افزاید! در مقابل این گروه عده کثیری از پزشکان بومی شهرهای بزرگ که عمده آنان را پزشکان عمومی جوان تشکیل می‌دهند قرار گرفته‌اند که برای این که به آن‌ها ویزای اشتغال در شهر و دیار خود اعطا شود! باید بالا جبار برای گذراندن دوره طرح و همچنین کسب امتیازهای لازم برای چند سال به شهرستان‌ها رفته و با مشکلات فراوان از جمله مشکلات اقتصادی و اجتماعی دست و پنجه نرم کنند. لذا پیشنهاد می‌شود برای جلوگیری از مهاجرت پزشکان ضمن حذف دوره زائد طرح و رسیدگی عاجل به وضعیت شغلی – رفاهی پزشکان در استان‌های مختلف شرط امتیاز حذف شده و نیروهای بومی هر منطقه در تمامی موقعیت‌های شغلی اعم از استخدام در بخش‌های دولتی و خصوصی و اعطای پروانه مطب از حق اولویت برخوردار بوده و تنها در صورت نیاز از نیروهای غیر بومی استفاده شود.

همچنین پیشنهاد می‌شود به منظور ایجاد فرصت‌های تحصیلی – شغلی بیشتر و توزیع عادلانه‌تر درآمدها از اشتغال پزشکان شاغل در بخش‌های درمانی خصوصی یا مطب شخصی و اشتغال پزشکان بالای ۶۵ سال در مراکز درمانی و اداری دولتی جلوگیری شود. ضمن آن که برای جلوگیری از به هدر رفتن نیروی عظیم پزشکان عمومی و کاهش هزینه‌های بیمه مراجعه اولیه بیماران بیمه شده به پزشکان عمومی (پزشک خانواده) اجباری شود و آنان تنها در صورت لزوم بیماران را به متخصص رجوع دهند. پیشنهادهای دیگری نیز وجود دارد. نظیر این که: فرصت‌های شغلی در شاخه‌های مختلف علوم پزشکی نظیر آموزش و تحقیقات برای پزشکان ایجاد شود.

پزشکان واجد شرایط علمی برای گذراندن دوره‌های آموزش با اختصاص بورسیه به خارج اعزام شوند.

دکتر فهیم – تهران

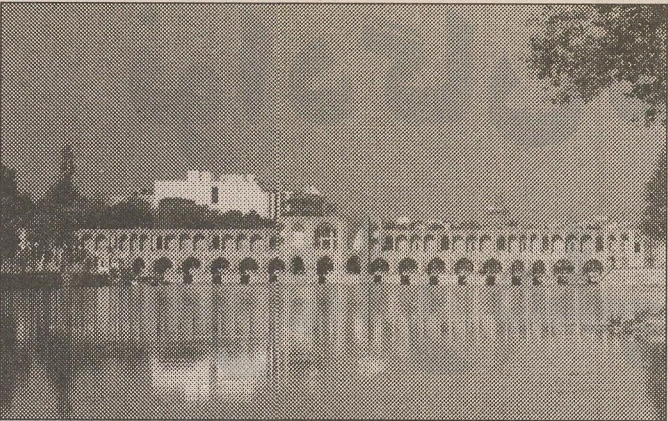
# هویت پل خواجو را حفظ کنیم

مجموعه نقش جهان، هشت بهشت، چهار باغ و پل‌های زیبایی که در این دوره برزاینده رود بسته‌اند و هر یک از این مجموعه‌ها و بناها بیش از آن‌که به عنوان یک اثر معماری و بنایی شکوهمند و منفرد مطرح باشد، به عنوان یک «فضای شهری» ویژه و بی‌همانند مطرح هستند و در زیباتر کردن اصفهان مؤثر است. از آن جمله «پل خواجو» همچون گوهری بی‌همتا و درانه‌ای بی‌مانند گردن آویز گوهر نشانی است که رشته زربفت آن

زاینده‌رود و گوهرهای گرانبهای آن پل‌های تاریخی این رودخانه است. چشم انداز پل، فضاهای درونی و بیرونی، پلکان‌ها و ایوان‌ها، دالان‌ها، پایه‌ها، دهانه‌ها و چشمه‌ها، تاقنماها و آسمانه‌ها، پرش‌ها و زاویه‌ها، خرام و خروش آب، ... همه از نوبعی بی‌مانند حکایت می‌کند که نگهداری آن نیز دانش و حساسیت و همتی همتای ساخت آن می‌طلبد.

**مفهوم «فضای شهری»** محیط کالبدی شهر از فضاهای عمده‌ای تشکیل می‌شود که انواع فعالیت‌های عمومی در آن انجام می‌گیرد. این گونه فضاهای عمومی را «فضای شهری» می‌نامیم. فضاهای شهری، ارکان ساختار کالبدی شهر و محل فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هستند.

«فضای شهری» در معنای گسترده‌تر، تمام فضاهای میان ساختمان‌ها را در شهر، در بر می‌گیرد. این فضاها معمولاً کاربری‌های گوناگون دارد، اما می‌توان آن‌ها را به دو گروه عمده تقسیم کرد: فضاهایی برای «حرکت» و فضاهایی برای «توقف» یا تمرکز.



است، با محیط فرهنگی و بستر طبیعی خود پیوند خورده است؛ ساختاری وحدت بخش بر آن حاکم است، مقیاس انسانی و هویت فرهنگی آن چشم‌گیر است، خاطره‌ای منحصربه‌فرد در ذهن باقی می‌گذارد، خصلتی به یادماندنی دارد، یک فضای شهری زنده و معاصر محسوب می‌شود، به گذرگاه الحاقی که به تازگی در جنوب پل خواجو ساخته شد.

محمدرحیم اخوت-اصفهان

### کلامی با صاحبان «سخن آشنا»

سخن آشنا، سخن شماست. شما مخاطبان روزنامه نشاط که باین نشریه گفت و گو می‌کنید، سخن آشنا به تعبیری حرف دل شماست. از این رو حرفی که از دل برآید لاجرم بردل نشیند. نزدیک به ۴ هفته است که با صفحه «سخن آشنا» راوی درد و دل‌ها، گلایه‌ها و سخنان شماآشنایان هستیم.

هرروز انبوهی‌نامه از تهران و شهرهای مختلف کشور به دست گروه اجتماعی می‌رسد که چاپ و درج همه این‌نامه‌ها برای روزنامه مقدور نیست. لذا از این به بعد اسامی نامه‌های دوستانی که امکان چاپ شدن آن‌ها وجود ندارد در این ستون درج می‌شود.

از مخاطبان گرامی که برای گروه اجتماعی و سایر بخش‌های روزنامه، نامه ارسال می‌کنند تقاضا داریم که نکات زیر را درنظر داشته باشند:

۱- سعی کنید که نامه را با خط خوش بنویسید و در صورت امکان تایپ کنید.

۲- از یک طرف صفحه برای نوشتن نامه استفاده کنید.

۳- گروه اجتماعی در حکم اصلاح، ویراستاری و بازنویسی نامه‌ها برای چاپ در روزنامه مجاز است، بدون اینکه به محتوای نامه‌ها لطمه‌ای بخورد. ۴- به دلیل تراکم نامه‌های ارسالی، امکان بازپس‌گیری نامه‌ها وجود ندارد و از دوستان تقاضا داریم که در مورد بازپس‌گیری نامه‌ها به دفتر روزنامه مراجعه نفرمایند.

۵- نامه بدون اسم و یا با امضای محفوظ (طبق اهداف روزنامه نشاط) چاپ نمی‌شود.

۶- نامه‌های دارای افتر، ناسزا و هتکی چاپ نمی‌شود.

۷- نامه‌های دوستان زیر رسیده است و بقیه اسامی دوستان به تدریج چاپ می‌شود. صبا خازنی ۱۵ ساله از تهران – فاطمه مقدم از شهرک غرب – اکبر درویش – رضا ستاری از بابلسر – م – پدرام – افشین خنجرچی از مشهد – حسین شعبانی – مژدهی از رشت – مهدی صادق پناهی – جواد مقدسی ۱۸ ساله از تهران – آرش صادقیان – بهروز محمدی – رضا ابراهیمی نژاد – ساسان قادری اراش‌نویه – محمدعلی اطلس باف.

گروه اجتماعی

## مسابقه عکاسی

با توجه به اعلام سال ۱۹۹۹ به عنوان سال جهانی سالمند از سوی سازمان ملل متحد ، گروه بانوان نیکوکار وابسته به آسایشگاه معلولین و سالمندان کهریزک ، بعنوان یک سازمان غیردولتی که دارای مقام مشورتی خاص شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد ECOSOC می‌باشد، اولین کنفرانس بین‌المللی سالمندی در ایران را در مهرماه ۷۸ در تهران برگزار می‌کند.

همزمان با این کنفرانس نمایشگاه عکسی (۱۰ الی ۳۰ مهر) با موضوع (جامعه سالمندی سالم و فعال) در نگارخانه بزرگ برگزار می‌شود.

**موضوع مسابقه:** سالمند کوشا و اجتماعی در کنشایی از توانمندی برخوردار است . به تصویر کشیدن این پویایی در ایام کنشایی موردنظر هیئت داوران است .

- مقررات شرکت دو مسابقه:** شرکت کنندگان می‌توانند حداکثر با ۵ عکس در مسابقه شرکت نمایند .
- عکسها باید تا پایان وقت اداری روز ۲۰ شهریورماه ۷۸ به دبیرخانه یا دفاتر پستی تحویل گردد .
- شرکت کنندگان می‌توانند آثار خود را بصورت تک عکس یا مجموعه عکس شرکت دهند .
- حداقل عکسهای یک مجموعه ۳ قطعه عکس است . لازم است ترتیب عکسهای مجموعه در پشت عکس قید گردد .

- ابعاد عکسهای ارسالی نباید از ۲۵×۲۰ سانتیمتر کوچکتر و از ۴۰×۳۰ سانتیمتر بزرگتر باشد .
- عکسها نباید روی مقوا چسبیده شده و قاب یا پاسپارتر داشته باشد .
- از نوشتن هر نوع اطلاعات غیرضروری در پشت عکسها خودداری شود .
- مشخصات خواسته شده را فقط روی فرم تعیین شده نوشته و پشت عکسها چسبیده شود .
- تمام عکسهای رسیده شده بعد از نمایشگاه، داده عده خواهد شد .
- برگزار کننده مجاز است از عکسهای انتخاب شده در بروشور و انتشارات مربوط به نمایشگاه استفاده نماید .
- برگزار کننده ضمن به کار بردن نهایت کوشش خود برای حفظ و نگهداری عکسها هیچ مسئولیتی در قبال کم شدن و صدمات احتمالی ناشی از ارسال نامطلوب و پست را نمی‌پذیرد .
- تصمیم‌گیری در مورد مسایل پیش‌بینی نشده به عهده برگزار کننده‌نمایشگاه است .
- ارسال آثار به نمایشگاه به منزله قبول مقررات است .

#### هیئت داوران آقایان:

- بهمن جلالی
  - نادر داوودی
  - محسن راستانی
  - سیف ... صدقیان
  - کاوه گلستان
- شرکت کنندگان می‌توانند عکسهای خود را به نشانی زیر ارسال و یا شخصاً تحویل دهند .
- آدرس:** تهریش- خیابان ولیعصر- باغ فردوس- کوچه ستاره- دفتر بانوان نیکوکار- کدپستی ۱۹۶۱۷

**گاهشمار نمایشگاه:** آخرین مهلت دریافت آثار ۲۰ شهریور ماه ۷۸

**جوابیه:** به ۵ نفر از شرکت کنندگان که عکسهای آنها توسط هیئت داوران انتخاب می‌شود جوایزی به شرح زیر تقدیم می‌گردد

نفر اول: ۵ سکه بهار آزادی

نفر دوم: ۵ سکه بهار آزادی

نفر سوم: ۳ سکه بهار آزادی

نفر چهارم: ۲ سکه بهار آزادی

نفر پنجم: ۱ سکه بهار آزادی

دیدگاه

همه‌در برابر قانون برابر هستند

## تنها برخی بیشتر برابر هستند

در دورانی که آقای اکبر هاشمی هم رئیس جمهوری و هم رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام بود، وی ظاهرأ درصدد بود که نقش مجمع مزبور در حد داور بین مجلس و شورای نگهبان (ولو به حرف و در ظاهر) باقی بماند و مافوق رئیس جمهور نایستد. اما زمانی که اصلاح اصل ۱۱۴ قانون اساسی برای رفسنجانی کارساز نشد- تا جایی که خود نیز علی‌الظاهر مخالفت کرد تا رُستی قانون گرایانه گرفته باشد - توافق شد که وی برمسند ریاست مجمع تشخیص مصلحت تکیه زند و رئیس جمهوری منتخب مردم صرفاً عضوی از مجمع باشد و این نکته در هاله‌ای از ابهام باقی بماند که آیا مجمع مافوق رئیس جمهوری است یا خیر؟

باری، حامیان تمرکز قدرت و مقام در فرد واحد بنا بر پیشنهاد مورخ ۲۵ مردادماه رئیس کمیسیون فرهنگ و ارشاد اسلامی مجلس، در ماده ۲۹ طرح اصلاح قانون انتخابات مجلس، حکمی مقرر کرده‌اند تا رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام مکلف به استعفا از مقام خود نباشد و با حفظ سمت، فارغ‌البال بتواند در انتخابات مجلس داوطلب شود. به نظر می‌رسد این مصوبه خلاف اصول ۷۱ و ۷۲ قانون اساسی است، چه:

۱- رئیس جمهوری نمی‌تواند داوطلب انتخابات مجلس شود مگر آن که پیش از ثبت نام، از سمت خود استعفا کرده باشد. مستثنی کردن رئیس مجمع تشخیص مصلحت، به نوعی اهمیت دادن بیشتر به سمت ریاست مجمع و مالاً بالاتر دانستن وی از رئیس جمهوری است یعنی قاعده‌ای تحمیلی برخلاف اصل ۱۱۳ قانون اساسی.

۲- اساساً در هیچ یک از اصول قانون اساسی (حتی ۱۷۶ و بویژه ۱۷۷) از رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام نام برده نشده است چه رسد به تکريم ستایش بی‌حدو حصر وی به شکلی که یک پله بالاتر از رئیس جمهوری بایستد. گویی بربرخی از اشخاص، امر مشتبه شده است که چون رئیس جمهوری عضو مجمع است و نه مانند گذشته رئیس مجمع، پس رئیس مجمع شأنی والا تر از رئیس جمهور دارد. ۳- از مهم‌ترین دلایل استغای مقامات دولتی برای انتخابات، اصل ۱۴۱ قانون اساسی است. معلوم نیست به چه دلیل، رئیس مجمع از شمول آن اصل در خصوص انتخابات، خارج شده است.

۴- وقتی که پایین‌ترین سطوح ورده‌ها که شامل کارمندان دون پایه می‌گردد، موظف به استعفا هستند چرا رئیس مجمع تشخیص مصلحت حق داشته باشد که با حفظ سمت وارد انتخابات شود؟ ملاک این ترجیح بلامر جیح چیست؟ مگر شقوق نهم و چهاردهم از اصل سوم قانون اساسی، تبعیض ناروا را ممنوع و تساوی عموم را در برابر قانون تکلیف نکرده‌اند؟ مگر اصل نوزدهم، برتری ایرانیان را بریکدیگر با این انگیزه که کسی بردیگری امتیاز داشته باشد، متنفی ندانسته است؟ مگر اصل بیستم، همه افراد ملت را در حمایت یکسان قانون و برخورداری از حقوق سیاسی قرار نداده است؟ مگر مطابق اصل یکصد و هفتم، رهبر در برابر قوانین پاسایر افراد کشور مساوی نیست؟ پس هر کس بخواهد فرضاً وارد انتخابات مجلس شود باید همان مقرراتی شامل او بشود که دیگران شمول آن مقررات قرار می‌گیرند. در نتیجه رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، از حیث ثنوری و عملی نباید بالاتر از دیگران و بالاتر از رئیس جمهور شناخته شود؟

۵- لذا وظیفه حوق‌دانان‌شورای نگهبان (اصل ۹۱ قانون اساسی) و به روایتی، تکلیف اکثر اعضای این شورا (اصل ۹۶ همان قانون، یعنی حتی شش نفر فقیه به اتفاق یک حقوق‌دان) است که مقابل این مصوبه که آشکارا با اصول گوناگون قانون اساسی در تضاد است، ایستادگی کنند. اما دیدنی تر زمانی است که در فرض اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان، این مصوبه روانه مجمع تشخیص مصلحت شود و بر فرض محال که کلیه اعضای مجمع رای منفی بدهند، رئیس مجمع - با اقتباس از شیوه مرحوم مدرس- به نفع خویش رای مثبت دهد و با آن که در فرض واقع پینانه، اکثر اعضای مجمع به نفع رئیس خود، رای موافق دهند.

آرش صادقیان

|                                                                                                                           |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <b>عنوان مسابقه:</b>                                                                                                      |
| <b>نام و نام خانوادگی:</b>                                                                                                |
| <b>مجموعه</b> <input type="checkbox"/> <b>تک عکس</b> <input type="checkbox"/> <b>شماره ترتیب</b> <input type="checkbox"/> |
| <b>تلفن و آدرس تماس:</b>                                                                                                  |

|                                                                                                                           |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <b>عنوان مسابقه:</b>                                                                                                      |
| <b>نام و نام خانوادگی:</b>                                                                                                |
| <b>مجموعه</b> <input type="checkbox"/> <b>تک عکس</b> <input type="checkbox"/> <b>شماره ترتیب</b> <input type="checkbox"/> |
| <b>تلفن و آدرس تماس:</b>                                                                                                  |

|                                                                                                                           |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <b>عنوان مسابقه:</b>                                                                                                      |
| <b>نام و نام خانوادگی:</b>                                                                                                |
| <b>مجموعه</b> <input type="checkbox"/> <b>تک عکس</b> <input type="checkbox"/> <b>شماره ترتیب</b> <input type="checkbox"/> |
| <b>تلفن و آدرس تماس:</b>                                                                                                  |

|                                                                                                                           |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <b>عنوان مسابقه:</b>                                                                                                      |
| <b>نام و نام خانوادگی:</b>                                                                                                |
| <b>مجموعه</b> <input type="checkbox"/> <b>تک عکس</b> <input type="checkbox"/> <b>شماره ترتیب</b> <input type="checkbox"/> |
| <b>تلفن و آدرس تماس:</b>                                                                                                  |

|                                                                                                                           |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <b>عنوان مسابقه:</b>                                                                                                      |
| <b>نام و نام خانوادگی:</b>                                                                                                |
| <b>مجموعه</b> <input type="checkbox"/> <b>تک عکس</b> <input type="checkbox"/> <b>شماره ترتیب</b> <input type="checkbox"/> |
| <b>تلفن و آدرس تماس:</b>                                                                                                  |

|                                                                                                                           |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <b>عنوان مسابقه:</b>                                                                                                      |
| <b>نام و نام خانوادگی:</b>                                                                                                |
| <b>مجموعه</b> <input type="checkbox"/> <b>تک عکس</b> <input type="checkbox"/> <b>شماره ترتیب</b> <input type="checkbox"/> |
| <b>تلفن و آدرس تماس:</b>                                                                                                  |

با سپاس فراوان از حامیان بزرگواری که در برگزاری مسابقه و برپایی نمایشگاه ما را یاری نمودند .



# گاندی؛ انسان گرای سوسیالیست

نیرمال کومار بوز  
مترجم: منصور گودرزی

اشاره

نیرمال کومار بوز، ویراستار دانشنامه علوم بنگال، منشی مخصوص گاندی در سال‌های ۴۷-۱۹۴۶ بود. چندین بار در هنگامه جنبش گاندی به زندان افتاد. وی همچنین به نگارش آثاری در خصوص اندیشه‌های این رهبر بزرگ پرداخته است. متنی که می‌خوانید به قلم کوماربوز درباره اندیشه‌های گاندی نوشته شده است.

گروه فرهنگ و اندیشه



## فرض نهفته

## در ساتیاگراها

**این است که هیچ کس**

**نمی‌تواند همهٔ حقیقت**

**را به تنهایی دریابد**

**و بنابراین**

**اخلاقاً حق ندارد**

**برداشت ویژهٔ خود**

**از حقیقت را.**

**به دیگران تحمیل کند**

تنظیم شود که هیچ کس در آن محتاج به خوراک و پوشاک نباشد. به سخن دیگر، هر کس باید بتواند کار کافی در اختیار داشته باشد تا نیازهایش بر طرف شود. این خواست مطلوب، تنها زمانی نتیجه می‌دهد که ابزار تولید نیازهای اولیه در دست توده‌ها یا زیر نظارت آنان باشد. دسترسی به این‌ها، درست مثل دسترسی مردم به آب و هوا است، که خداوند به رایگان و آزادانه در اختیار بشر نهاده است. و آزادانه در آن‌ها به عنوان ابزاری برای بهره‌کشی از دیگران سوءاستفاده مطلوب و اجتناب‌ناپذیر هم هست. به سخن دیگر، یک جامعه، خانه‌اش را باید به گونه‌ای بنا کند و سامان دهد که ناچار نباشد از روش آشتی و مسالمت برای حقوق حقه خود در برابر تهاجم و خشونت، دفاع کند. جامعه‌ای چیست؟

۱- منافع فرد در گرو منافع همگانی است. ۲- کار یک حقوقدان همان قدر ارزش دارد که یک آرایش گر. به همین ترتیب، همه کسان در پرتو کار خود دارای حقوق یکسان و برابر در هزینه‌کردن و زندگی هستند. ۳- زندگی یک کارگر، مثلاً آن کس که زمین را شخم می‌زند و زندگی یک دست‌ورز یا

ارزش‌ترین زندگی‌هایست. گاندی در سال ۱۹۸۰ نظریات دیگری ارایه داد: به نظر من، اساسنامه اقتصادی هند و بلکه همه جهان، باید چنان

صاحب امتیاز و مدیر مسئول

لطیف صفری

سر دبیر

آشاه‌الله شمس الواعظین

مدیر تحریریه

محمد دهقانی آرانی

معاون سردبیر

علی اکبر قاضی زاده

رئیس شورای سیاستگذاری

حمیدرضا چلائی پور

مشاور کنترل کیفی

سید مرتضی مردیدها

مدیر پروژه

باقر ولی بیگ

سازمان آگهی‌ها

مدیر گروه: علی اکبر فرناد

همکاران: سید سعید هاشمی -امیربهمن علیخانی- حسن ارایه- هایده شریفیان- فرمن شریفیان- قاضی پورعدیان- سمیرا منوچهری

علیرضا نوروزی- احمد کمالی- منصوره قزوینی- سونیا حقانی- شامو شیخ الاسلام- امیرحسام مدیری- شهنخت کرباسیان

امور فنی و نظارت: محمد محزون- حمیدعلی نقیان- حسن کریمی- ناصر سعیدیان- مرتضی غلامی- نصرت الله رحمتی- خلیل آذرافکار- حسن شریلی

امور اشتراک و روابط عمومی: حمیدرضا جمال امیدی

تلفن سازمان آگهی‌ها: ۰۲۰۱۳۲۰۰-۰۲۰۱۳۲۲۳-۰۲۰۴۲۲۲

تلفن تحریریه: ۰۲۰۴۱۷۹-۰۲۰۴۱۵۷-۰۲۰۴۲۲۲

آمور چاپ: شرکت چاپ کستر ۶۰۲۸۷۱-۶۰۲۸۷۱۸۴

امور توزیع: شرکت نشر کستوروزی تلفن: ۸۸۶۵۷۲۷۲

Internet Adress:www.neshat.com

اهل قلم / اهل کتاب

**گفت‌وگو با امیر چناری نویسنده کتاب**

**متناقض نمایی در شعر فارسی**

اشاره

کتاب «تناقض نمایی در شعر فارسی»، در سال ۱۳۷۶، به عنوان پژوهش فرهنگی سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد. در مصاحبه با امیر چناری در مورد محتوای کتاب و روش پژوهشی آن گفت‌وگو شده است.

گروه فرهنگ و اندیشه  
تناقض نمایی در ادبیات معادل کدام کلمه است و به چه معناست؟  
-متناقض نمایی، اصطلاحی

است معادل پارادوکس در زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و آلمانی. پارادوکس در زبان‌های غربی، از یونانی گرفته شده است و در زبان یونانی، این واژه دارای دو جز است: «پارا» به معنای مقابل و ضد؛ و «دکسا» به معنی اندیشه و نظر. پارادوکس در اصل واژه دو مفهومی به کار می‌رفت که مخالف نظر عموم و بر ضد امور مسلم تلقی می‌شد. اما متناقض نمایی در بلاغت و نقد ادبی تعریف ویژه‌ای دارد که عبارت است از گفتن سخنی که در ظاهر متناقض یا خودبا خود یا مهمل به نظر برسد، اما دارای حقیقتی باشد که از راه تفسیر یا تأویل بتوان به آن دست یافت.

چند نمونه از متناقض نمایی در شعر قدیم و جدید مثال بزنید.

-مولانا می‌گوید:

بس زیادت‌ها درون نقص‌هاست

مر شهیدان را حیات اندر فناست

در این بیت، تأثیرپذیری از قرآن کریم آشکار است «ولاحسن‌الذین قتلوا فی سبیل‌الله امواتاً بل اَحیاء».

نظامی گفته است:

اینست فصاحت که زبان بستگی است

اینست شنایی که در آهستگی است

تفسیر این بیت، چنین است که در راه عشق، فصاحت در خاموشی است، سکوت و احوال عاشق را بهتر بیان می‌کند. نیز آهسته رفتن سبب می‌شود که رودتر به مقصد برسی. اگر شتاب آلوده بروی و بخواهی زود به مقصد برسی، از راه باز می‌مانی، عاشقی، نیازمند شکیبایی بسیار است.

شاعران معاصر هم به متناقض نمایی توجه کرده‌اند. اقبال لاهوری، سروده

است.

نه او بی ما، نه ما بی او، چه حال است؟

فراق ما، فراق اندر وصال است.

بسماد متناقض نمایی در کدام دوره از ادوار شعر فارسی بیشتر بوده است؟

ما این صنعت ادبی را در اشعار کدام دسته از شاعران، بیشتر می‌بینیم؟ به نظر شما علت بالا بودن این بسماد چه بوده است؟

-متناقض نمایی، یکی از صور خیال و صنایع بدیعی مهم در شعر و ادب سراسر

دنیاست و بر خلاف نظر برخی از پژوهشگران، از آغاز در شعر فارسی شناخته شده

بوده است و شاعرانی مانند رودکی و کسایی آن را به کار برده‌اند، اما به چند دلیل تا

زمان سنیایی در قرن ششم هجری، کاربرد کمتری داشت؛ یکی این که نگاه غالب

شاعران به زندگی و هستی پرونگرایانه بود تا درونگرایانه، توجه کمتر به درونگرایی

و ظرایف روانشناختی انسان، سبب دوری از پیچیدگی و نبودن ابهام در معنای شعر

می‌شود. نگاه فردوسی، ناصر خسرو و کسایی آشکارا پرونگرایانه‌تر از نگاه انوری و

خاقانی است. نکته دیگر، پسند و فهم مخاطبان است. مخاطبان رودکی، کسایی،

فردوسی و ناصر خسرو، یا عموم مردم بودند، یا درباریانی که شعرها را به صورت

تراه می‌شنیدند. اینان کلام ساده و زود فهم را بیشتر می‌پسندیدند. در قرن ششم، از

سوی عرفان به طور گسترده‌وارد شعر فارسی شد و افق تازه‌ای در برابر نگاه شاعران

قرار داد و از سوی دیگر، مخاطبان شعر نیز فرهیخته‌تر بودند و شعرهایی را

می‌پسندیدند که نشان‌دهنده دانش شاعر و چیرگی او بر فنون گوناگون ادبی باشد.

بسیاری از شعرهای انوری، خاقانی و نظامی، از اشاره‌های بسماد بالایی متناقض نمایی

اساطیری و صنایع ادبی گرانبار شده است. طبعاً در چنین دوره‌ای، متناقض نمایی

بسماد بالایی می‌باید. از نظر تاریخی، متناقض نمایی در شعر فارسی، در سده‌های

ششم یا پایان هشتم (از سنیای تا حافظ) و یازدهم تا نیمه دوازدهم و از صائب تا بیدل

بالاترین بسماد را داشته است. به نظر من یکی از دلایل بسماد بالایی متناقض نمایی

در شعر سبک هندی – که صائب و بیدل قله‌های رفیع آن هستند – علاقه وافر شاعران

این سبک به ایجاد شکفتی در کلام، از طریق هنجار گریزهای معنایی و اعتقادی بود.

از لحاظ ادعای ادب، متناقض نمایی در شعر غنایی، ویژه شعرهای عرفانی، و

عاشقانه و به طور کلی در شعر عرفانی که نگاهی درونگرایانه‌تر و عاطفی‌تر به

انسان دارند، بسماد بالائی دارد. در شعر معاصر، متناقض نمایی در شعرهای فروغ

فرخ‌زاد و سهراب سپهری بسماد بالائی نسبت به متناقض نمایی در شعرهای شاملو

و اخوان دارد.

تجربه‌های عرفانی، بنا به اذعان غالب عرفا، ذاتاً متناقض نماست و عارف

برای شرح این گونه تجربه‌ها با گریز بیانی متناقض نما را به کار می‌گیرد. مثلاً عارف

در شهود خویش می‌بیند که اضداد با هم جمع گشته است. این امر، در ساحت تجربه

عرفانی، کاملاً پذیرفتنی است، اما وقتی عارف همین تجربه را می‌خواهد با زبانی

بیان کند که برای تجربه‌های معمولی بشر ساخته شده، بیان او متناقض نما می‌شود.

عنوان کتاب شما «متناقض نمایی در شعر فارسی» است؛ اما تعداد

متناقض‌نمایی‌هایی که از شعر مولوی نقل کرده‌اید به تنهایی بیشتر از همه

متناقض‌نمایی‌های است که از بقیه شاعران شاهد مثال آورده‌اید، علت چیست؟

-پژوهش‌های دانشگاهی، هرچه دقیق‌تر و محدود و محدود به چارچوب‌های

مشخص‌تری باشد، بیشتر راه به مقصد می‌برد. البته، پس از پژوهش، در صورتی که

روش تحقیق اجازه دهد، می‌توان برخی از نتایج پژوهشی را به موارد مشابه تعمیم

داد. آن‌هم با رعایت احتیاط و قیداحتمال. بدین ترتیب، از کلی‌گویی‌های فیلسوف

مایانه ولی فادک مستند کافی، در آن‌امان می‌ماند.

این پژوهش را به دو نیمه می‌توان تقسیم کرد: الف- فصل‌های اول تا سوم که

چارچوب‌های تئوریک و کلی متناقض نمایی و پیشینه آن را بازگو می‌کنند.

در این سه بخش مثال‌هایی که از شعر مولوی می‌بینید نسبت به بقیه شاعران

مثال‌ها اندک است. ب- بخش چهارم با عنوان «متناقض نمایی در شعر مولوی» در

این بخش به این دلیل که می‌خواستم به پژوهش خود وقت بیشتری ببخشم، مولانا

را به منزله نمونه برگزیدم. روش پژوهشی، به گونه‌ای است که می‌تواند در بررسی

آثار کثیری از شاعران، عارفان و نویسندگان به کار گرفته شود.

اما اینکه چرا غزل‌های مولانا را برگزیدم، گذشته از بسماد بالایی متناقض نمایی

در آن، به دلیل کمال اندیشه، زیبایی خیره‌کننده شعر او و جایگاه ویژه او در ادبیات

جهان است. پس از قرآن کریم، در فرهنگ شرقی، درباره کمتر کتابی به اندازه آثار

مولانا شرح و نقد نوشته شده است.

در یکی دو سال اخیرهم صدها هزار نسخه از ترجمه انگلیسی غزل‌های مولانا

در آمریکا فروش رفت و این اثر، با استقبال کم نظیری مواجه شد. استقبالی که

یک‌دهم آن می‌توانست مایه مباحثات هر شاعر معاصر باشد. این امر بار دیگر نشان

داد که هر شاعر بزرگ به یک معنا همیشه معاصر است!







## حق و قدرت

ارزیابی عملکرد قوه قضائیه در دوران ریاست ده ساله یزدی و اظهار امیدواری همراه با ارائه طریق هایی درباره آینده این دستگاه، از جمله موضوعاتی است که این روزها در قالب مقاله، مصاحبه و اظهار نظر، در روزنامه ها دیده می شود. اکثر قریب به اتفاق این مطالب، همان هایی است که بارها و بارها مطرح شده است. رعایت نکردن بی طرفی، سیاسی کاری، ضعف دانش قضائی قضات و مطالبی از این قبیل که همگی خود، معلول علت یا عللی هستند که صد البته بر تمامی کسانی که در این یکی دو سال به نقد عملکرد دستگاه قضائی پرداخته اند پوشیده است. محتوای نقدها و آنچه که تاکنون درباره قوه قضائیه گفته و نوشته شده، بیانگر این واقعیت است که نه تنها اهل سیاست و قلمزنان مطبوعات بلکه حتی کسانی که در این مدت به نام حقوقدان راجع به دادگستری اظهارنظر کرده اند، نه از قوه قضائیه، تصویر درستی در ذهن دارند و نه از استقلال و اصولاً با نظریه تفکیک قوا که از بحث های مهم حقوق عمومی (public Law) بیگانه هستند، پیداست کسی که با موضوع مورد نقد آشنایی ندارد، نمی تواند در پی چاره و درمان برآید. آشنایی منتقد با موضوع مورد نقد، شرط لازم است. اگر منتقد عمیقاً مثلاً با نظریه تفکیک قوا و فلسفه آن آشنا نباشد و نداند پارلمان چگونه نهادی است تشخیص

نخواهد داد، آنچه که امروز به نام پارلمان در بسیاری از جوامع غیر مدرن وجود دارد، پارلمانی به مفهوم مورد بحث در نظیر تفکیک قواست یا خیر؟ نتیجه این آشنایی، نوشتن مطالبی است، سطحی، عامه پسند و احساسی، بی هیچ ارزش علمی و در نتیجه، دارویی که این منتقدان تجویز می کنند، حداکثر و در نهایت، اثری تسکینی و موقت خواهد داشت و درمان درد نخواهد بود، از این گونه مطالب به عنوان نمونه می توان به نوشته مجید محمدی در نشاط روز ۲۴ مردادماه امسال با عنوان «دستگاه قضائی و رجوع به عصر ماقبل مشروطیت» اشاره کرد. نویسنده در ابتدای مطلب خوب می نویسد: «دستگاه قضائی در ایران علی رغم تلاش حقوقدانان مستقل و مطالبات قانونی شهر وندان هیچ گاه نتوانسته به مقام قوه ای مستقل ارتقا یابد. علت این نداشتن استقلال را نباید صرفاً در آمرانه بودن نظام سیاسی جست، بلکه باید به ضعف نهادهای صنفی درون این دستگاه (کانون وکلا)، فاصله گیری قوانین از عرف، افزودن بر حجم کار این دستگاه از سوی نیروهای تمامیت طلب و اقتدارگرا و ضعف کارشناسی در این دستگاه رجوع کرد.» کسی که با الفبای نظریه تفکیک قوا آشنا باشد و اطلاعاتی متوسط در حقوق عمومی و نهادهای حکومتی داشته باشد با خواندن همین چند سطر متوجه می شود که نویسنده آن مطالب نه از قوه قضائیه تصویر درستی از ذهن دارد و نه می داند که منظور از استقلال این قوه چیست. کانون

و کلا را نهادی در درون قوه قضائیه پسنداشتن و ضعف آن را و فاصله گیری قوانین از عرف و بقیه مسائلی را که نویسنده مطلب عنوان کرده، علت نبود استقلال از راه قوه قضائیه دانستن، نشانه بیگانگی نویسنده با نهادی به نام قوه قضائیه مستقل، هم از دیدگاه نظر و هم در عملی است و البته این بیگانگی و نام آشنایی اختصاصاً به آقای مجید محمدی ندارد، آنچه در مطبوعات به صورت نقد عملکرد قوه قضائیه می آید بدون استثناً از همین قبیل هستند. آقای دیگری به عنوان وکیل دادگستری و حقوقدان، به نقل از روزنامه نشاط مورخ ۴ مرداد گفته است، «شکایت رئیس دادگستری استا تهران از روزرونامه متعلق به جناح راست، نشانه حرکت دادگستری به سمت استقلال است.» وی نوشته است: «چنین برخوردی، ناشی از اجرای قانون، بدون توجه به وابستگی افراد و استقلال قضائی دادگستری است.» وی در پایان اظهار نظر خود در نشاط، اظهار امیدواری کرده است که «دادگستری استقلال خود را در هر حال حفظ کند» قطعاً اگر این حقوقدان! با مفهوم، استقلال قوه قضائیه آشنایی بود، چنین مطالبی را

# چگونه عملکرد قوه قضائیه را نقد کنیم؟

مسعود خسروی



اشاره  
با جایگزینی محمود شاهرودی به جای محمد یزدی در قوه قضائیه، باب نقد عملکرد ده ساله قوه قضائیه (۱۳۷۸-۱۳۶۸) گشوده شده است. اما نویسنده مقاله حاضر بر این باور است که انتقادهایی که طی هفته های اخیر بر عملکرد این قوه وارد شده است، فاقد بنیان حقوقی است. نویسنده با تکیه بر نظریه استقلال قضات می گویند قرائتی جدید از نقد قوه قضائیه به دست دهد.

گروه داخلی

عنوان نمی کرد. حفظ هر چیزی موکول و منوط به داشتن آن چیز است. وقتی چیزی وجود ندارد، حفظ آن چه معنایی می تواند داشته باشد؟ من نمی دالم برداشت مجید محمدی و نعمت احمدی از استقلال چیست ولی هر چه هست، بر خطاست. را قم این سطور قبلاً درباره قوه قضائیه و معنای اصطلاح استقلال «independence» نیز وضعیت قوه قضائیه ایران به تفصیل در روزنامه خرداد در دو شماره پیاپی نوشته و توضیح داده است که منظور از قوه قضائیه صرفاً مراجعی است که اعمال قدرت قضائی می کنند، یعنی دادگاه ها و شعب دیوان عالی کشور برخلاف آنچه که در اذهان وجود دارد، رئیس این دستگاه و معاونان و مشاوران وی و رؤسای سازمان هایی نظیر ثبت، بازرسی کل کشور، پزشکی قانونی و غیره

در روزنامه های ما قوه قضائیه همان شخص رئیس

این قوه است به همین علت عملکرد

رئیس قوه قضائیه را عملکرد خود قوه قضائیه

یعنی چند هزار قاضی تلقی می کنند

با تصویب قانون تشکیل دادگاه های عمومی

و با تفسیری که از اختیارات رئیس کل دادگستری شده

است رعایت اصل بی طرفی برای قضاوت دادگاه ها

عملاً غیرممکن شده است

قوه قضائیه یعنی چند هزار قاضی تلقی می کنند. پرواضح است که اولاً چند دادگاه و چند قاضی را نمی توان به حساب چند هزار قاضی گذاشت، ثانیاً و از همه مهم تر این که، علت اصلی همه آنچه که از ناحیه منتقدان مطرح شده است و می شود نه شخص و اشخاص بخصوصی (مثلاً آقای یزدی و دیگران بوده است بلکه علت چیز دیگری است که گفته خواهد شد. در هر صورت باید است که قوه قضائیه چیزی نیست جز مجموعه قضات دادگاه ها و شعب دیوان کشور و لذا رئیس این قوه به خاطر این که در هیچ یک از این مراجع سمتی ندارد قاضی نیست. این که در روزنامه ها از این مقام به عنوان عالی ترین مقام قضایی یا قضای القضاات یاد می شود کاملاً اشتباه است. اما استقلال، از فحوای گفته ها و نوشته های منتقدان، اعم از حقوقدان و غیرهقوقدان چنین استنباط می شود که منظور از استقلال این است که دادگستری در جریانان سیاسی و کلاً در مسائل و پرونده های مطروحه در مراجع قضایی بی طرف باشد. چنین برداشتی، نادرست و خطاست.

اساسی جمهوری اسلامی ایران رئیس قوه قضائیه می تواند به اقتضای مصلحت جامعه، پس از مشورت با رئیس دیوانعالی کشور و دادستان کل کشور سمت و محل خدمت قاضی را تغییر دهد. اصل مذکور می گوید: «قاضی را نمی توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه و پس از مشورت با رئیس دیوانعالی کشور و دادستان کل کشور» (هر قاضی) را در هر پست و مقامی منصوب کند و هر که را نخواستد در جایی که خود مصلحت می داند بنشاند. با استفاده از اختیاری که اصل ۱۶۴ قانون اساسی به رئیس قوه قضائیه داده است قاضی چگونه می تواند در قضیه ای که رئیس قوه قضائیه پیشاپیش داوری می کند برخلاف نظر او عمل کند؟ آیا انتظار معقولی است که در چنین وضعی قاضی بتواند بی طرفی را رعایت کند؟ رعایت بی طرفی مستلزم فراهم بودن موجباتی است که استقلال و مستقل بودن اصلی ترین آن است. منظور از استقلال قاضی و قوه قضائیه حاکمیت اصل تغییر ناپذیری قاضی است.

استقلال قاضی و قوه قضائیه شرط لازم برای قضاوت بی طرفانه است، برخورداری از قضاوت بی طرفانه نیز بدیهی ترین حقی است که انسانها باید داشته باشند. اهمیت و ضرورت مستقل بودن قاضی و در نتیجه قضاوت بی طرفانه آنچنان است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز مورد تأکید قرار گرفته است. ماده ۱۰ اعلامیه مذکور می گوید: «هر شخص با مساوات کاملی حق دارد که منصفانه و علنی رسیدگی شود و چنین دادگاهی درباره هر اتهامی و الزامات وی یا هر اتهامی که به او زده شده باشد تصمیم بگیرد» از دیدگاه اعلامیه جهانی حقوق بشر تصمیم دادگاه های نامستقل و وابسته و غیری بی طرف، فاقد اعتبار حقوقی است، چرا که تصمیمات چنین دادگاهی نمی تواند پایدار و اقمیت باشد. با تصویب قانون تشکیل دادگاه های عمومی و با تفسیری که از اختیارات رئیس کل دادگستری شده است، رعایت اصل بی طرفی برای قضات دادگاه ها عملاً غیرممکن شده است. زیرا شخص رئیس کل دادگستری از نظر اداری بر تمامی قضات دادگاه های حوزه قضایی ریاست دارد و در آینده

شغلی آنان تأثیر مستقیم داشته و در هر حال مقامی بالاتر از قاضی رسیدگی کننده، واقعاً آپا معقول است که انتظار داشته باشیم در مسائلی که رئیس کل دادگستری در مقام مدعی العموم و به عنوان شاکی که در یک طرف قضیه قرار می گیرد. قاضی قادر به رعایت بی طرفی باشد. آن هم در شرایطی که رئیس قوه قضائیه می تواند هر وقت که بخواهد سمت و محل خدمت او را تغییر دهد؟ در چنین وضعیتی خود به خود و ناخودآگاه قاضی، تابع نظر رئیس دادگستری است و از همان ابتدای کار نتیجه روشن است.

خلاصه کلام، همان طور که گفته شده مستقل بودن یا نبودن قاضی امری اخلاقی و نفسانی نیست، بلکه امری است ساختاری. مکانیسم و اهرمی است تنها و تنها به دلیل فراهم بودن موجبات رعایت بی طرفی وزیر سلطه نبودن قاضی. آنچه که آقایان مجید محمدی و نعمت احمدی بدان پرداخته اند ربطی به استقلال و مستقل بودن یا نبودن قاضی ندارد. منظور از استقلال قاضی، چیزی نیست جز حاکمیت اصلی تغییر ناپذیری قاضی که بر قضات دادگستری حاکم نیست، مضافاً بر این که دخالت رئیس کل دادگستری به جای دادستان و به عنوان یک طرف قضیه در مسائلی حاصل مزید بر علت گردیده است. منتقدینی همچون آقایان محمدی و نعمت احمدی، درد را احساس کرده اند، اما راه درمان را نمی دانند. این است که در گفته ها و نوشته های خود تنها به بیان وضع موجود می پردازند و کلی گویی می کنند.

همه در برابر قانون برابر هستند

## تنها برخی بیشتر برابر هستند

آرش صادقیان

و هفتم، رهبر در برابر قوانین باسایر افراد کشور مساوی نیست؟ پس هر کس بخواهد فرضاً وارد انتخابات مجلس شود باید همان مقرراتی شامل او بشود که دیگران مشمول آن مقررات قرار می گیرند. در نتیجه رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، از حیث تئوری و عملی نباید بالاتر از دیگران و بالاتر از رئیس جمهور شناخته شود؟

۵- لذا وظیفه حقوقدانان شورای نگهبان (اصل ۹۱ قانون اساسی) و به روایتی، تکلیف اکثر اعضای این شورا (اصل ۹۶ همان قانون، یعنی حتی شش نفر فقیه به اتفاق یک حقوقدان) است که مقابل این مصوبه که آشکاراً با اصول گوناگون قانون اساسی در تضاد است، ایستادگی کنند. اما دیدنی تر زمانی است که در فرض اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان، این مصوبه روانه مجمع



۱۳۵۴: زاین، اکبر هاشمی رفسنجانی

تشخیص مصلحت شود و بر فرض محال که کلیه اعضای مجمع رای منفی بدهند، رئیس مجمع - با اقتباس از شیوه مرحوم مدرس - به نفع خویش رای مثبت دهد و یا آن که در فرض واقع بینانه، اکثر اعضای مجمع به نفع رئیس خود، رای موافق دهند.

افزون براین:

الف) معافیت از استعفا، بیش از آنکه در شکل تئوری و قانون نویسی، مطلق روسای مجمع تشخیص مصلحت را در برگیرد، رئیس فعلی مجمع را شامل می شود. بهتر بود جانشین دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی تلاش نکند که بنماید هاشمی تمایل به حضور در مجلس ششم ندارد. پیشنهاد سخنگوی جامعه روحانیت مبارز به زعم عده ای، بسیار زیبا و بجا و خدابسنده (۱) و غایت مطلوب است ولی غیر منطقی و ساده لوحی است که اقدام آقای سید رضا تقوی رافی البدهه، تلقی و تصور کنیم.

ب) رئیس فعلی مجمع در هنگامه ریاست جمهوری خود، چند بار در مصاحبه ها ادعا کرد که ایران دموکراتیک ترین و آزادترین کشور دنیاست. ولی پشتیبانان قانون مذکور نیک بداند که با چنین اعمالی تبعیض آمیز و تحریک کننده افکار عمومی، ایران نزد جهانیان به حکومت هایی از قبیل

پادشاهی سعودی و شیوخ عرب حاشیه خلیج فارس ( رژیم اختلاط قوا) نظیر می شود و نه به کشور های دموکراتیک و دارای رژیم همکاری قوا. کلام آخر این که، ظاهر قانون گرای آن است که به هر قانونی که لازم الاجرا شود احترام گذاریم و آن را اجرا کنیم. ولی نه تنها به این معنا نیست که باب نقد و گفت و گو درباره آن بسته می شود. بلکه به این معاست که افکار عمومی جامعه به طریق اولی حق دارند که نظر خود را بیان کنند و مانع از آن شوند که هر موضوعی، تبعیذاً در قبال ماده قانونی در آید خاصه مصوبه ای که هنوز قانون نشده است و چنان سابق، به صورت انتزاعی از سایر متون قانونی علی الخصوص قانون اساسی که مبتیاق ملی مردم و حکومت و فی الواقع «بنیان مروض» است، نگریده می شود و به تصویب می رسد.

در دورانی که آقای اکبر هاشمی هم رئیس جمهوری و هم رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام بود، وی ظاهراً در صدد بود که نقش مجمع مزبور در حد داور بین مجلس و شورای نگهبان (ولو به حرف و در ظاهر) باقی بماند و مافوق رئیس جمهور نایستد. اما زمانی که اصلاح اصل ۱۱۴ قانون اساسی برای رفسنجانی کارساز نشد- تا جایی که خود نیز مخالفت کرد- و توافق شد که وی برمسند ریاست مجمع تشخیص مصلحت تکیه زند و رئیس جمهوری منتخب مردم صرفاً عضوی از مجمع باشد و این نکته در هاله ای از ابهام باقیی بماند که آیا مجمع مافوق رئیس جمهوری است یا خیر؟

باری، حامیان تمرکز قدرت و مقام در فرد واحد بنا بر پیشنهاد مورخ ۲۵ مردادماه رئیس



# پزشکزاد، عید، سعدی و طنزآوران امروز ایران

در روزنامه نشاط مورخ ۲۵ مرداد ماه در بخش پایانی گفت وگویی شما با آقای احمدرضا احمدی، پرستی دربارۀ کتاب «دایی جان ناپلئون» شده بود و ایشان در پاسخ خود به چند نکته اشاره کرده بودند:

۱- اصلاً طنز پزشکزاد بر پایه شوخی های غریزه‌ای بود... برای مردمی که محرومیت کشیده بودند.

۲- شما و طنزنویسان حاضر هیچ عنصر گول زنده‌ای در کارتان ندارید و از محرومیت های مردم استفاده نمی کنید.

۳- او زمانی، شعر شاعران مدرن را تبدیل به سناریو می کرد.

۴- اصلاً آثارش ساختمان ندارد و اصلاً موفقیت «دایی جان ناپلئون» به خاطر بهره گیری تقوایی از چند هنرپیشه خوب است.

۵- در جوانی هر چیزی را می خواندم. اما توانستم یک فصل از این کتاب را بخوانم.

با توجه به این که می دانم آقای پزشکزاد در ایران نیست تا از این گفت و گو آگاه شود و در صدد دفاع و پاسخ گویی برآید، لازم می دانم، به اقتضای وظیفه دوستی و بر خلاف شرط احتیاط ... به دفاع از ایشان برخیزم (آیا انعکاسی خواهد یافت؟). زیرا اعتبار اظهارنظرهای متین و منطقی و کارشناسانه آقای احمدرضا احمدی بویژه در زمینه های شعر و شاعری که تخصص ایشان است ممکن است برای خوانندگان جوان این توهم را پیش آورد که داورِی های قاطع ایشان در باره پزشکزاد نیز، حکمی معتبر است.

# نسل نوآمده قدرشناس است

آقای نبوی!

راستش را بخواهید حتی فکر نامه نوشتن به پایتخت نشینان (آن هم از نوع مطبوعاتی آنان) دل آدم را آب می کند.

آخر شهرستانی باشی – گریم شاعر – آن وقت جرأت کنی که جوابی با مقالۀ ای بنویسی بر مصاحبه شاعری چون احمدرضا احمدی؟ از همه مهم تر مسئول صفحه هم همان سید معروف باشد که می گویند اگر بهانه ای دستش بدهی، مردم تمام عالم تا خود آخر الزمان به ریش تو می خندند.

سید عزیز!

درباره نسل گذشته و ادبیات از شعر پرسیدید و جواب گرفتید. بگذارید نسل ما هم حرف خود را بزند. شاید بفهمیم که چرا شعر این قدر بیچاره شده است.

آقای احمدی!

من همیشه شما را دوست داشته ام و از آن ستور و بارانی که جابه جاد در شعرهایشان می آید و هر بار آدم را شگفت زده تر می کند بسیار لذت می برم. عجیب مرا کیف می دهد. البته من کور نیستم، می بینم که این شعر با تداعی آزاد و رویکرد سوررئالیستی پیش می رود، دچار اختلال زبان است و اصلاً تن به قاعده و شکل نمی دهد، ولی شاید

به آن شوری هم نباشد که دوستی می گفت: «شعر احمدی یک چیز دارد و هزار چیز ندارد و آنچه دار فقط تخیلی قوی است». آیا این بی توجهی به تئوری ادبی (که به گمان من نتیجه معرفت گزینی شاعر از میان انبوه تفکرات فلسفی می تواند باشد و در شعر رخ نمودی بی شائبه دارد) باعث نمی شود که کسی چون شما که زمانی بر موج نو سفته می راندید، حالا با کمال صداقت بگویید که اشتباه کرده‌اید؟ این پراکندگی عجیب در مصاحبه شما (نشاط ۲۵ مرداد ۷۸) آیا نتیجه نبود تئوری ادبی و همان پراکندگی شعرهای شما نیست، که

کاردستان داده است؟

شاعر بزرگوار!

این گفتار شما مرا مغمکین کرد و حسرتی که لایه لای کلمات بود مرا ترساند. درست یا نادرست کسانی شعر مرا در طیفی از شعر شما (یا دنباله منطقی آن) قلمداد کرده اند و همین مرا به فکر می انداز که جست وجو کنم و بفهمم که چه چیز این شعر برای من جذاب و دوست داشتنی است. در یک تقسیم بندی کلی، فروغ و سهراب هم به نوعی هم بسته نگاهی هستند که بر جریان شعر معاصر تا چند دهه تسلط داشت و چرا نگویم که هنوز هم به نوعی دارد. آن غریبه گردانی عناصر روزمره،

آن برخورد کودکانه با جهان (که باز می گردد به این که شاعر در روز اول آفرینش خود با همه چیز روبه روست) و آن فرم گریزی نسبی (موفق یا ناموفق) که ریشه در سرخوردگی از جهان ساختاری و ماشینیم (یا توهم آن) دارد، همه و همه توجیه شعر شما فروغ و سهراب است؛ گریز از شعر فروغ اندکی نکوتر. به شعر کشاندن تمام زندگی (حتی مستراح های آن) و چشم پوشی کو دکانه از بیب های گنده که در جهان می ترکد، وجه بارزتر شعر شما و سهراب است که سائتی ماتانیسم خود را در مقابل شعر سیاسی دوران علم می کند و هرچه جامعه سیاسی تر می شود شما را بیشتر به

در حالی که چنین نیست و در واقع قضاوت های ایشان در این باره منصفانه نبوده است:

۱- ممکن است به اعتبار سلیقه شخصی از این که پزشکزاد در طنزهای خود از اشاره های مربوط به غرایز استفاده می کند انتقاد کرد. اما طنز او را اصلاً بر پایه چنان شوخی هایی دانستن و حکم بر بی اعتباری او دادن، شرط انصاف نیست. استفاده از اشارات غریزه ای در طنز کاربرد دارد! به عید زاکانی مراجعه کنید. سعدی را ببینید. خودتان آقای نبوی، آیا از ماجراهای مونیکا یا کار واجبی استفاده نکرده اید؟

۲- این اشاره که «شما طنزنویسان حاضر هیچ عنصر گول زنده ای در کارتان ندارید و از محرومیت های مردم استفاده نمی کنید»، پزشکزاد را به گول زدن مردم و سودجویی از محرومیت های آنان متهم می کند. احتمالاً ایشان از او شناخت کافی ندارند. پزشکزاد نویسنده ای با استعداد و فرهیخته بوده و هست. هرگز با هیچ منبع قدرتی که امید نان باشد بیعت نکرد و پیمان بوده اند در حد امکانات و توانایی یک روشنفکر و حتی «پیش از کوبین» سرسپردگی نداشته است. در دورانی که بسیاری از مدعیان کنونی ساکت

بوده اند در حد امکانات و توانایی یک روشنفکر و حتی «پیش از کوبین» خود رسالت خود را انجام داده است. همواره همدل نهضت ملی ایران و ارادتمند سردار پیر آن بود و به همین دلیل در مشاغل اداری خود

اشاره

چاپ گفت وگویی سیدابراهیم نبوی

با احمدرضا احمدی، مانند هر نظری که

در قالب گفت وگو یا مقاله منتشر می شود،

نظرات مخالف و موافقی را برانگیخت. در

شماره امروز باز تاب نظرات احمدرضا

احمدی از سوی سه تن از خوانندگان

نشاط که خود دست به قلم دارند را

می خوانید.

گروه گفت وگو



باشد تا برایش مرثیه بخوانیم؟ آن چشمی که شما را موج سوار شعر پیشرو دوران کرد، کجا جا گذاشته اید که حرکت های تازه را نمی بینید؟ راستی تا به حال چند کتاب از شاعران جوان این دهه خوانده اید؟ اگرچه شما و نسل شما فکر می کنید که هرچه در شعر امروز بوده در تجربه های شما مصرف شده و به پایان رسیده است و بایدی قطعی گرا، در آینده را هم بسته اید، ولی نسل تو آمده قدر شما را شاخه است. شعر امروز را در جای خود می شناسد. چون این نسل، انسان معاصر را در دروازه قرن بیست و یکم شناخته است و با پایلی از عمر در بزرنگاهی از تاریخ جهان ایستاده که موقعیت آن در جوانی برای شما پیش نیامد. این نه شکست است و نه پیروزی، زندگی است، که شعر هم از همین زندگی عصاره می شود.

می گویند نیمایی دیگر باید و کسی که شعر تو را نوتر کند. حرفی نیست، اما این خلیبر را نه قهرمانی بی مثال – که عمر این قهرمانان به سر آمده – بلکه

روز پنجشنبه ۱۴ مرداد۷۸روزنامه نشاط مصاحبه ای را با شاعر معاصر آقای احمدرضا احمدی صورت داد که به عقیده من با توجه به مخاطبان و خوانندگان بسیار روزنامه نشاط شایسته بود که شاعر محترم پاسخ هایی در خور و بایسته تری می داد و جوان این دهه خوانده اید؟ اگرچه شما و نسل شما فکر می کنید که هرچه در شعر امروز بوده در تجربه های شما مصرف شده و به پایان رسیده است و بایدی قطعی گرا، در آینده را هم بسته اید، ولی نسل تو آمده قدر شما را شاخه است. شعر امروز را در جای خود می شناسد. چون این نسل، انسان معاصر را در دروازه قرن بیست و یکم شناخته است و با پایلی از عمر در بزرنگاهی از تاریخ جهان ایستاده که موقعیت آن در جوانی برای شما پیش نیامد. این نه شکست است و نه پیروزی، زندگی است، که شعر هم از همین زندگی عصاره می شود.

ایشان در همان ابتدای مصاحبه فرمودند که کودتای ۲۸ مرداد را که بسیاری از آن بد می گویند، از نظر من بزرگترین خدمت را به حوزه ادبیات کرده است. فکر می کنم که این سخن نیازی به پاسخ نداشته باشد. اما عجیب است که چگونه وی ندانسته است که بد گفتن و بدبین بودن به کودتای منفر ۲۸ مرداد دلایلی دارد که آن به قول ایشان خدمت کردن را هیچ صاحب



عقل سلیمی که به ویرانی های آن فاجعه وقوف داشته باشد نمی تواند به عنوان پاسخ به بدبینی مطرح کند. مگر آن که احمدرضا احمدی باشد.

استاد در فراز عالمانه دیگر به بحث ماندگاری اثر ادبی پرداخته و فرموده اند که آثار ما روزمره است و ماندگاری ندارد و

نسل جوان امروز آنها را نمی فهمند و عجیب تر آن که ایشان می گویند که ما اصلاً شاعر هستیم و دلیل بر این سخن در این ابواز نظر من پرسشهای بسیاری را نهفته می بینم که متأسفانه مصاحبه گر محترم از آنها غفلت ورزیده اند و یا شاید وضعیت روحی و مزاجی آقای احمدی در آن لحظات مساند بر سینههای بیشتر و عمیق تر نبوده است. اول این که اساساً

با محدودیت روبه رو بود. اتهام «استفاده از عناصر گول زنده و محرومیت های مردم» در حد دشنامی است که برآزنده و در خور او نیست، ۳- شاید این انتقاد به پزشکزاد حافظ شناس وارد باشد که درباره شعر کلاسیک ایران متعصب و نسبت به نوپردازان منتقد است. اگر شعر شاعران مدرن را در چهل سال پیش به سناریو تبدیل می کرده است باید به جو آن روزگار و مقاومتی که در برابر نوآوری وجود داشت نیز توجه شود. مضافاً این که بسیاری از اشعار سفید و آزاد آن روز (و تا به امروز) در خور سناریو شدن هم بوده است. حال اگر شعری خوب از شاعری خوب، یا از خود ایشان هم مشمول این تعصب شده باشد، متصفانه آن است که در بحثی در همان مقوله و در همان مورد، انتقاد و عقده گشایی شود، نه این که از آن به عنوان بهانه ای برای خطخطه شخص و کل آثار او استفاده شود. آقای نبوی نیز در طنزهای خود به آن گونه اشعار استناد کرده و حتی سروده اند!

۴- درباره این که «اصلاً آثارش ساختمان ندارد و اصلاً موفقیت دایی جان ناپلئون به خاطر بهره گیری تقوایی از چند هنرپیشه خوب است»، باز هم رعایت انصاف را نکرده اند. درست است که در یک ملت کتاب خوان و

به استاد آمار آن زمان نیمه بیسواد، موفقیت آن کتاب، اگر قلمب نمی شد، در حد شمار خوانندگان آن محدود می ماند، اما صحیح این است که در کار

مفهوم ماندگاری در ادبیات چیست؟ این

که آثاری را مردم نسلی پس از نسل دیگر

بخوانند و در هر دوره هم تفسیرها و

تأویل های و بررسیهای تازه ای از آن ارائه

دهند؟ اگر چنین باشد صحت نظر شاعر

محترم در باب ماندگاری آثار ادبی منتفی

است چه بسیار آثاری که از لایه لای

گذشته ها و قرون تا امروز تازه گی و

بحث برانگیزی و حتی جنبه آموزشی

فرازمانی خویش را همچنان حفظ

نموده اند.

دوم این که آقای احمدی چگونه ندانسته اند که ادبیات کلاسیک پایه ادبیات امروز است و ما بدون سبایی و حافظ و

نظامی و سعدی و بیهقی و سایر بزرگان ادبیات کلاسیک شاید نمیا و فریدون

مشیری و فروغ و سپهری را نداشتیم و این

رمز اعلا ی ماندگاری ادبیات است.

به عقیده من در این مصاحبه

کلی گویی و تناقض موج می زند و البته

آقای نبوی هم در یادداشت کوتاه خود

اشاره ای از سر مهر به این نکته داشتند.

ایشان از سویی می گویند که در ادبیات

اصلاً (توجه به همین کلمه مبین بسیار

لکته هاست) ماندگاری نداریم و سپس

شعر حافظ و سعدی و چون فلزی ثوی

می داند که حضرت ایشان رمز ماندگاری

آثار سعدی و حافظ به واسطه غنای نهفته

در اثر است یا چون اشخاصی به نام سعدی

حافظ ویراننده آنها هستند؟ این که ایشان

می گویند که من فرزند ۱۷ ساله ام و

نمی فهمم واقعاً ریشه در کجا دارد؟ آیا اگر

آییندین آغداشلو کامپیوتر را همچون زبان

باشد. اما عجیب است که چگونه وی

چینی نمی فهمد می تواند بیانگر چیزی

باشد؟ من نمی دانم کجای این حرف

آغداشلو خوب است؟

ایشان در همان ابتدای مصاحبه فرمودند که کودتای ۲۸ مرداد را که بسیاری از آن بد می گویند، از نظر من بزرگترین خدمت را به حوزه ادبیات کرده است. فکر می کنم که این سخن نیازی به پاسخ نداشته باشد. اما عجیب است که چگونه وی ندانسته است که بد گفتن و بدبین بودن به کودتای منفر ۲۸ مرداد دلایلی دارد که آن به قول ایشان خدمت کردن را هیچ صاحب

عقل سلیمی که به ویرانی های آن فاجعه وقوف داشته باشد نمی تواند به عنوان پاسخ به بدبینی مطرح کند. مگر آن که احمدرضا احمدی باشد.

استاد در فراز عالمانه دیگر به بحث ماندگاری اثر ادبی پرداخته و فرموده اند که آثار ما روزمره است و ماندگاری ندارد و

نسل جوان امروز آنها را نمی فهمند و عجیب تر آن که ایشان می گویند که ما اصلاً شاعر هستیم و دلیل بر این سخن در این ابواز نظر من پرسشهای بسیاری را

نهفته می بینم که متأسفانه مصاحبه گر محترم از آنها غفلت ورزیده اند و یا شاید

وضعیت روحی و مزاجی آقای احمدی در آن

لحظات مساند بر سینههای بیشتر و

عمیق تر نبوده است. اول این که اساساً

مجموعه ای از آدم های معمولی شکل

خواهند داد. این آدم های معمولی به

قول یکی دیگر از همین نسل،

شعر بیشتر سر شعر خرج می شود.

بنابراین چیزی به اسم شعر و ادبیات

تخصصی وجود ندارد؟ ما این همه شاعر

در جامعه داریم تا آن همه شعر خوان را

سیراب کنند، حالا این که کی، کجا،

ایستاده، می ماند با نقد ادبی که به نظر من

چندان هم با خواست جامعه شعر خوان هم

صدایی ندارد.

شاعر «هزار پله به دریا مانده

است...!»

مگر از عمر این قفلک – شعر نو –

چندتر می گذرد که حالا وقت آن رسیده

بهبزاد خواجات



#### سیاست داخلی



سثوالی که تا مدت ها بر ذهن میلیون ها ایرانی سنگینی خواهد کرد آن است که سعید امامی به راستی که بود؟

آیا آن طور که مسئولان در مقطعی ادعا کردند او عامل نفوذی بیگانگان از جمله موساد بود؟ آیا آن طور که گفته شده او قصد داشت نظام را با بحران داخلی و بین المللی روبه رو ساخته و نهایتاً آن را متلاشی نماید؟ آیا می خواست یا قتل نویسندگان و روشنفکران به غربی ها نشان دهد که با آمدن خاتمی وضع نه تنها بهتر نشده بلکه خرابتر هم شده است؟ آیا می خواست دولت خاتمی را با بحران مواجه و آن را فلج سازد؟ آیا او واقعاً از چنان قدرت و کارایی برخوردار بود که یک تنه می توانست با سر به نیست کردن شخصیت های مختلف از هر دو جناح یک مملکت شصت میلیون را به ورطه یک جنگ داخلی بيفکند؟ او واقعاً که بود؟ از کجا آمده بود؟ کی وارد سیستم شده بود؟ قبلاً چه کاره بوده؟ چه افکار و عقایدی داشته؟ چند سالش بوده؟ چه رشته ای خوانده بوده؟ کجا درس خوانده بود و ...

اگر مجموعه اطلاعات شکسته و بسته ای را که در مسئولان پیرامون سعید امامی یا به روایت دوستان و همفکرانش «حاج سعید» داده اند همچون قطعات یک «بازل» کنار هم قرار دهیم، چه تصویری به دست می آید؟ حقیقت آن است که مطلب خاصی بیرون نمی آید. شاید اگر به جای شرح مفصلی که مسئولان در خصوص جزئیات خودکشی وی با داروی نظافت داده بودند که دیگر شک و تردیدی باقی نماند، اندکی از گذشته و جنبه های فردی وی ارائه داده بودند، در آن صورت شخصیتی را که بیش از یک دهه سکان امنیتی ایران را در دست داشت، بهتر می شد

#### نقدی بر طرح اصلاح قانون مطبوعات

## وقتی قانون به کمک سانسور می آید

محمداظهر کنعانی\*

#### حقوق سیاسی

از طرح اصلاح قانون مطبوعات که کلیات آن در تیرماه سال جاری به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، می توان به عنوان جنبشالی ترین طرح سال مجلس شورای اسلامی یاد کرد که واکنش های شدید مطبوعات و دانشگاهیان و سایر اقشار جامعه را به دنبال داشت در این نوشتار مواد مطرح شده طرح مذکور از نظر واکنش های موازین حقوقی و نظام حقوقی حاکم بر کشورمان بود تحلیل و تشریح می شود.

۱- تبصره ۶ ذیل ماده ۵ طرح اصلاحی به محکومان دادگاههای انقلاب را به طور نامحدود با همه میزان محکومیت و برای همیشه از فعالیت مطبوعاتی محروم کرده است و این قید به هیچ وجه با اصول و موازین حقوقی سازگار نیست زیرا اولاً؛ معلوم نیست چه نوع جرائمی و تاجیه میزان مجازاتی موجب این محرومیت شدید از حقوق اجتماعی می گردد ثانیاً؛ مدت زمان آن هم ظاهراً نامحدود است و این نوع مجازات تبعی قابل توجیه نیست و در سایر قوانین موضوعه از جمله ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۷ حداکثر مدت محرومیت از حقوق اجتماعی ازجمله انتخاب شدن در مجلس شورای اسلامی را برای قطع الطریق و رازخان هفت سال ذکر کرده، حال جای سؤال این است که آیا فعالیت مطبوعاتی حتی خبر نگار و عکاس شدن در

شاخص است. اما ترجیح دادند مردم او را نشناسند (زیرا خارجی ها و دشمنان که حسب ادعای مقامات، او را می شناختند چون از خودشان بوده است).

تصویری که من از چیدن قطعات شکسته بسته پازل سعید امامی به دست آورده ام او را یک موجود خارق العاده، پیچیده و کم نظیر ارائه نمی دهم. فی الواقع در تصویر من نه در خود سعید امامی

و نه در عملکرد و انگیزه هایش ابهام و پیچیدگی به چشم نمی خورد. من سعید امامی را نه جاسوس و نه نفوذی، نه مزدور، نه عامل سیا، نه مأمور موساد و نه مرتبط با بیگانگان می بینم. نه معتمد او می توانست نظام اسلامی را با تضاد داخلی و بحران بین المللی روبه رو سازد و نه اساساً در پی آن بود که نظام را ساقط نماید. اتفاقاً معتمد او به نظام

علاقه مند هم بود. من برخلاف سایر هوطنانم که نه سعید امامی را دیده بودند و نه کوچکترین شناختی از وی داشتند (به استثنای خانواده، دوستان و همکارانش) «سعید امامی» و «سعید امامی» ها را هزاران بار دیده ام. یکی از سعید امامی ها که می شناسم و ماه ها با او هم سلول بودم نامش مسعود رجوی است که اکنون در پادگان اشرف در شمال بغداد روزگار می گذراند. سعید امامی دیگری که می شناسم خود را صدام حسین می نامد و چندین کیلومتر پایین تر از مسعود رجوی در بغداد پادشاهی می کند. سعید امامی دیگری

می شناسم که نامش پول پوت بود. او میلیون ها انسان را در شالیزارهای کامبوج نابود کرد تا بر روی جنازه آنان کامبوج جدید را بسازد. سعید امامی دیگری می شناسم که نامش باقراف بود. معتقد بود اگر نمی از جمعیت دنیا هم برای بقای کمونیزم از بین رود، مشکلی نیست، سعید امامی دیگری می شناسم که نامش آدولف هیتلر بود. او نیز برای آن که نژاد پاک و آریایی ژرمن آلوده به

و توانایی های فکری و اجرایی فوق العاده ای بود. به جای همه اینها تندروی و افراط در عقیده سیاسی و دینی داشت و هر کس را که مثل او و در خط او نمی اندیشید عملاً مضر و تهدیدی برای نظام می پنداشت و لذا از میان برداشتنش از نظر وی منعی نداشته و ای بسا در مواردی واجب بود. مشکل در سعید امامی نبود، این دنیا پر از سعید امامی است. نکته تأمل انگیز آن است که چگونه یک



زشتی ها و کژی های اخلاقی نژاد سامی نشود، شش میلیون یهودی را روانه کوره های آدم سوزی نمود. سعید امامی می شناسم که نامش آغامحمدخان قاجار بود و چون مردم کرمان علیه قشون مقاومت کرده و تلفات زیاد داده بود دستور داد سپاهیان ش تا می توانستند چشم مردم کرمان را از کاسه درآورند. و سعید امامی می شناسم که نامش سعید امامی بود.

تاریخ جامع و انسان ها مملو از سعید امامی هاست. انسان های دگم، تندرو، بی رحم، قسی القلب و شقی که رحم و شفقت و گذشت در قاموسشان معنا و مفهومی ندارد. در قاموسهایی که خود و نظرشان را حقیقت مطلق و مطلق حقیقت می پندارند. انسان هایی که برای رسیدن به آرمان و عقیده شان هر چیز و همه چیز را مشروع می دانند. انسان هایی که هر وسیله ای را برای نیل به هدف مجاز می دانند. سعید امامی ما هم یکی از همین سعید امامی ها بود. نه باغیه بود، نه مغز پیچیده ای داشت و نه دارای استعداد

# معمای سعید امامی

#### سعید امامی ها همواره در طول تاریخ وجود دارند تنها نباید تیغ به دست آنها بیفتد

صادق زیباکلام\*

و توانایی های فکری و اجرایی فوق العاده ای بود. به جای همه اینها تندروی و افراط در عقیده سیاسی و دینی داشت و هر کس را که مثل او و در خط او نمی اندیشید عملاً مضر و تهدیدی برای نظام می پنداشت و لذا از میان برداشتنش از نظر وی منعی نداشته و ای بسا در مواردی واجب بود. مشکل در سعید امامی نبود، این دنیا پر از سعید امامی است. نکته تأمل انگیز آن است که چگونه یک

این که چرا و چگونه است که یک جوان کم سن و سال تندرو و یک سونگر که تا قبل از آن تجربه اداری – اجرایی گرداندن یک بخشداری یا مهدکودک را هم نداشته عهده دار حساس ترین تست امنیتی کشور می شود قابل تأمل است. در ممالک دیگر معمولاً سمت های ارشد اطلاعاتی و امنیتی به اشخاصی سپرده می شود که سن و بیالی از آنان گذشته و تجربه،



بخشگی و سعهصدر دارند و تجربیات اجرایی و مدیریتی موفق کشور را در دست خودش بگیرد؟ در پیش از سن وسال و فقدان تجربه درخصوص سعید امامی کسانی که هر فکر، نظر، اندیشه و اقدام را که با آنان همسو نیست به عنوان تضعیف اسلام، انقلاب، نظام، ولایت و... تقیح می کنند، آیا کسانی که هر کس را که غیر از آنان می اندیشد «غیرخودی» و بیگانه اعلام می کنند، باعث تشویق امور امنیتی کشور تکیه زده بود، مجلس محترم شورای اسلامی چندبار به وظایف قانونی خود عمل کرد و خواهان رسیدگی و نظارت بر عملکرد وزارت اطلاعات شد؟ ریاست محترم جمهوری و هیأت دولت چه میزان از سیاست های کلی و اجرایی وزارت اطلاعات مطلع بودند؟

اگر سعید امامی زنده می ماند و به پای میز محاکمه می رفت، آی واقعاً در دست بود که او در جایگاه، متمهم ردیف اول قرار می گرفت و همه مسئولیتی او متوجه وی شد؟

آیا جریانات و کسانی که زمینه ساز آن شدند تا یک جوان تندرو و افراطی که همچون همه تندروها و افراطی های دیگر خود را عقل کل می دانست به آن جایگاه رفیع اجرایی دست یابد مقصر نیستند؟ آیا کسانی که اجازه می دهند افرادی که همچون استالین معتقدند «هر که با ما نیست دشمن ماست» به چنین مناصب بالایی برسند هیچ تقصیری متوجه آنان نیست؟ آیا کسانی که

مبلغ خشونت هستند و آن را تقدیس می کنند، آیا کسانی که همچون خوارخ هر کس را که مثل آنان نمی اندیشد، از دایره شریعت خارج و خونش را مباح می دانند، آیا کسانی که هر فکر، نظر، اندیشه و اقدام را که با آنان همسو نیست به عنوان تضعیف اسلام، انقلاب، نظام، ولایت و... تقیح می کنند، آیا کسانی که هر کس را که غیر از آنان می اندیشد «غیرخودی» و بیگانه اعلام می کنند، باعث تشویق امور امنیتی کشور تکیه زده بود، مجلس محترم شورای اسلامی چندبار به وظایف قانونی خود عمل کرد و خواهان رسیدگی و نظارت بر عملکرد وزارت اطلاعات شد؟ ریاست محترم جمهوری و هیأت دولت چه میزان از سیاست های کلی و اجرایی وزارت اطلاعات مطلع بودند؟

سعید امامی ها همواره در طول تاریخ حضور داشته اند نه می شود جلوی ظهور آنان را گرفت و نه می شود آنان را به جرم سعید امامی بودن از حقوق مدنی محروم ساخت. اما آیا نمی شود جلوی افکادن تیغ به دشمنان را گرفت؟

✽استاد دانشگاه تهران

مقام رهبری مستقیماً پاسخگو نیستند و مسئولیت سیاسی ندارند یک اقدام غیراصولی است. توزیع یارانه یک فعالیت اقتصادی است که با فعالیت نظارتی منافات دارد و متأسفانه برای قانون نویسان مملکت ما هنوز تفاوت بین نظارت و اجرای امور مشخص نشده است و از این جهت نیز تنظیم ماده ۴۴ طرح اصلاحی مواجهه با اشکال جدی است.

در مجموع مطالب فوق می توان چنین اظهار نظر کرد، که در طرح قانونی مذکور کیفیت تشدید مجازات ها و افزایش موارد لغو پروانه و توسعه صلاحیت دادگاه های انقلاب و فعالیت های امنیتی و نمودن فعالیت فرهنگی و مطبوعاتی و تغییر ترکیب هیأت نظارت و هیأت منصفه، به گونه ای است که از طرح مذکور چنین برداشت می شود که قانونگذار فعالیت مطبوعاتی را به عنوان یک عمل ناهنجار تلقی کرده و در این طرح اصلاحی به مقابله با پرونده های دیگر گستره ارمغانی غیر از افزایش سانسور و تهدید و قطع رایانه و لغو پروانه برای روزنامه نگاران ندارد. مضافاً این که در طرح اصلاحی مذکور هیچ راهکاری برای رفع معضلات فعلی قانون مطبوعات مقرر نشده است، به عنوان مثال اقدام رئیس محترم شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران در برکناری اعضای هیأت منصفه سبب شد که رسیدگی به پرونده های مطبوعاتی با تأخیر طولانی مواجه شود و جای آن داشت که در طرح مذکور برای حل مشکل در چنین مواردی نیز مقررات وضع شود و بهترین راه حل نیز تشکیل یک دادگاه تخصصی مطبوعات است که فقط به پرونده های مطبوعاتی رسیدگی کند.

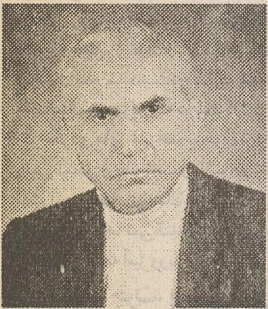
می کنند، لیکن نظام اسلامی ما ب پشتوانه ملی و ثبات و امنیتی موجود که نظیر آن حداقل در منطقه خاورمیانه دیده نمی شود، جزائی کم کردن مجازات ها و جلوگیری از سنگین کردن مجازات در مجموعه های قوانین است و به نظر می رسد که مجازات لغو پروانه در طرح پیشنهادی، تقریباً تمامی جرائم مطبوعاتی را شامل می شود و این در حالی است که مردم انتظار دارند که قانونگذار، نویسندگان و قلم به دستان از تشویق به نوشتن و اعتلای فرهنگ جامعه نمایند نه این که با لغو بی درپی پروانه مطبوعات و تعطیلی روزنامه ها فرهنگ و تمدن و اندیشه و آموزش عمومی است و همگانی را متوقف یا مخدوش کند.

۴- توسعه صلاحیت دادگاههای انقلاب که در تبصره ۲ ماده ۱۲ طرح پیشنهادی آمده، مخالف اصول ای دادرسی کیفری و اطلاق اصل ۱۶۸ قانون اساسی است زیرا اولاً؛ همیشه دانشمندان حقوق را نظر بر این است که تا حد امکان دامنه صلاحیت دادگاه های اختصاصی را محدود کنند و مردم در دادگاه های عمومی و تحت حمایت ابرازهای قانونی بتوانند از اتهامات خود دفاع کنند. ثانیاً؛ جرائم مطبوعاتی مطابق اصل ۱۶۸ قانون اساسی باید در دادگاههای دادگستری مورد رسیدگی قرار گیرد و اطلاق دادگاههای کیفری دادگستری تصریح به رسیدگی جرائم دادگاه های عمومی دارد و به هر حال معلوم نیست چرا پیشنهاد کنندگان طرح این چنین به مسائل مطبوعاتی و فرهنگی از دیدگاه امنیتی نگریسته اند؟ و چه لزومی دارد که تا این اندازه مسائل امنیتی را گسترش دهیم؟ معمولاً در دنیا، نظام های مسائل امنیتی را گسترش می دهند که احساس ناامنی و عدم استقرار از بی ثباتی

#### دانشگاه

## باور نمی کردم روزی خوابگاه را بر سر دانشجویان خراب کنند...

فرهاد بهبهانی



اولین تماس و تجربه من با دانشجویان در ایران، در سال تحصیلی ۴۹- ۱۳۴۸ بود. آن زمان من به تازگی – به عنوان محصل فارغ التحصیل شرکت ملی نفت – از انگلستان به وطن بازگشته و در مرکز پژوهش آن شرکت مشغول کار بودم، همان زمان بود که برای تدریس شیمی آلی در پلی تکنیک تهران (دانشگاه امیرکبیر فعلی) دعوت شدم. رئیس بخش مهندسی

شیمی فردلسوز و علاقه مندی به نام «امیر جعفری» بود که یادش به خیر او پیش از انقلاب به اتفاق همسر سوتدی و فرزندانش جلالی و وطن کردو و به سوند بازگشت. رئیس پلی تکنیک «جدبایی» نام داشت که می گفتند «مأمور دستگاه» است. ولی من از او جز کار مداوم و تلاش برای اصلاح امور، چیزی ندیدم و یکی دو بار هم که دانشجویان در محوطه پلی تکنیک دست به تظاهرات زدند، خود شاهد بودم که باکمال شجاعت در برابر مأموران ضربت ساواک ایستاد و از ورود آنان به محوطه دانشگاه جلوگیری کرد.

زندگی مشترک من با دانشجویان در فراز و نشیب بود. آنان با راه و روش هایی خو داشتند که با پیشینه دانشجویی من متفاوت بود. من سعی داشتم که آنان را در چهار چوب شناخته شده خود از دانشگاه های انگلستان قرار دهم و در پاره ای از موارد آن چار چوب برای دانشجویان ما قابل جذب و درک نبود. مثلاً در روش تحصیلی دوران من در انگلستان (از اوضاع فعلی خبر ندارم) سئوال های «تست» معمول نبود. از دانشجوی انتظار می رفت که پس از فهم سئوالات، پاسخ آن ها را – با استفاده از معلوماتی که باید یافته باشد – با دلایل و مستندات کافی مشروح بنویسد و تجزیه و تحلیل مطالب و درست نویسی و بالاخره بیان مقصود روی کاغذ، به طوری که خواننده بتواند به آسانی مقاصد را درک کند، بخشی از تعلیم تحصیلی بود. من در امتحاناتی که از دانشجویان می گرفتم، به همین سبک عمل می کردم و می خواستم آنان را متوجه اهمیت این موضوع کنم که باید به عنوان فارغ التحصیل دانشگاه در صحنه اجتماع، قابلیت بیان مقصود روی کاغذ و دفاع از نظرهای خود را داشته باشند و این تلاش من عکس العمل های گوناگون آفرید: عده ای سخن را پذیرفتند و در عین حال به حق می گفتند که آن چه تو می گویی مغطبی است که باید پایه های آن در دوران دبستان و دبیرستان گذاشته شود. وقتی هیچ کس در آن دوران به ما فارسی یاد نداده و همواره به جای درست نویسی زبان مادری تشبیحات ادبی و شعر و شاعری آموخته ایم، چگونه می توانیم حالا تغییر رویه دهیم؟

برخی دیگر که شیفتگی سئوال های «تست» و راحتی علامت گذاری به جای جمله نویسی به عنوان پاسخ، سخت آنان را تحت تأثیر قرار داده بود، خرم می گرفتند که فلانی استاد شیمی است، یا مروج فارسی را پاس بداییم؟ عده اخیر سرانجام شکایت نزد «جد بابایی» بردند که ما فکر می کردیم باید این جا شیمی و درس مهندسی رایاد بگیریم و حالا فلان کس از ما هم شیمی می خواهد، هم آشنائوسی و هم تمرین خط، این چه وضعی است؟! جدبایی بلافاصله پاسخ داده بود که ما به او فقط برای تدریس شیمی حقوق می دهیم و حالا که وی علاوه بر آن، انشا و خط فارسی هم به شما یاد می دهد، حق این است که شما به جای گله، متشکر باشید و با این موضع گیری صریح رئیس دانشگاه، مثاله خانمه یافت و من و دانشجویان رفته رفته باهم رفیق شدیم. هر چه می گذشت من بهتر آنان و موقعیت و مشکلاتشان را درک می کردم و آنان نیز رفته رفته می افتند که اگر چه ممکن است من راهم را در دست انتخاب نکرده باشم، ولی قصد و هدف خیر بوده است و در نتیجه شروع به همکاری کردند. خیلی وقت ها یکدیگر را در جلسات سخنرانی دکتر شرعی در حسینیه ارشاد می دیدیم و بعضی اوقات من می فرستادم از قنای نزدیک پلی تکنیک – که چندان تعریفی هم نداشت – نام خانم ای و بستی می آورند و در کلاس به صحبت می نشنیم. از همه جا صحبت می شد، از درست فکر کردن، درست نوشتن، خط واضح و – و نه لزوماً زیبا – که همه بتوانند بخوانند و بفهمند و آیین گزارش نویسی و بالاخره بحث های دکتر شرعیتی و فلسفه زندگی و عاقبت عمر و جوان ایران و جوان انگلستان و از هر دری که می توانست گفت وگو شود و سخی به میان آید.

از جنبه های بارزی که من در دوران تحصیل خود در انگلستان دیده بودم، بحث راجع به مسائل در قالب مناظره یا به قول خودشان «Debate» بود. مناظره، به نظر من، اساس و پایه هایی است که دموکراسی و خصلت بحث آزاد در انگلستان بر آن بنا شده است. خاطرم هست که در مناظره های عده ای که با شرکت مناظره کنندگان زبردست در محل اتحادیه دانشگاه، به دعوت انجمن «بحث و مناظره» تشکیل می شد، حضور می یافتم. معمولاً موضوع مناظره به صورت نفی و اثبات طرح می شد، از قبیل آن که «از نظر این جمع خدا نیست» یا «مذهب کاتولیک جایی در دنیای امروز ندارد»، «رفتن انسان به کره ماه اتلاف وقت بود» و بالاخره «انسان تنها موجودی نیست که شرم می کند». حضور در این مناظره ها که معمولاً حدود ۸ شب شروع می شد و تا حوالی صبح روز بعد ادامه می یافت، هنوز در خاطرم هست. ما به یاد داریم که با چه حرارت و بی هیچ احساس قید و سانسور، بچه ها در این بحث ها شرکت می کردند و در پایان نیز رای می گرفتند که کدام نظر – با توجه به بیانات موافق و مخالف – جاذبه و حمایت بیشتری داشته است.

من چنین محیطی را برای دانشجویان پلی تکنیک آرزو داشتم. وقتی از خیابان های داخلی آن می می گذشتم، به یاد می آوردم که من در موقعیت مشابه، در چه شرایط متفاوتی بودم و دلم می خواست که دانشجویان پلی تکنیک را هم به مانند همدمرو ای های خودم ببینم که چگونه فارغ از یاس و گرفتاری ها، بر چرخ ها نشسته اند، از هر دری گفت وگو می کردند و غریو شغف و شادی آنان به آسمان می رسید. از نظر من هیچ دلیلی نبود که دانشجویان ما «بهترین» را نداشته باشند، کتابخانه مجهز، سالن ها و زمین ها و تسهیلات وسیع ورزشی، انجمن های مختلف هنری و فعالیت های اجتماعی و بالاخره خوابگاهی که حداقل – به مانند خوابگاه دانشجویان دانشگاه های لندن – با هتل های متوسط برابری کند و تصورش را هم نمی کردم که روزی همان خردۀ خوابگاه را هم بر سرشان کنند و از جانب کسانی که باید حافظان جان و مال و تأمین کننده محیطی متناسب با روحیه و جوانی های آنان باشند، مورد ضرب و شتم قرار گیرند و در نیمه های شب و در حالی که در خواب بوده اند، مهاجمان بر سرشان یززد و با چوب و باتوم و چاقو و اسلحه گرم چنان به جان آنان افتند که متعاقباً دوستان و والدین شان سراغ آنان را از بیمارستان ها گیرند و از ابزار و دفتر شان را به آتش کنند و دگر کارها و تخریب ها که مگو و مرس!

تاکنون هیچ نتیجه ای از رسیدگی به عوامل و علل بروز حمله به کوی دانشگاه اعلام نشده و بر خلاف قول صریح به دانشجویان در مورد جبران خسارات مادی و معنوی آن ها و ترمیم خرابی ها (اطلاعیه شورای عالی امنیت ملی در خصوص وقایع دانشگاه – روزنامه خرداد ۲۰ تیرماه) و دلجویی های مقام رهبری (مطبوعات ۶ و ۱۱ مرداد ۱۳۷۸)، ظاهراً هیچ خبری از این گونه اقدامات نیست و در عوض طبل سرکوبی عوامل شورش و اغتشاش و مطالبی در زمینه ارتباط عناصر دستگیر شده با بیگانگان، هر چه سائر ناوخته می شود! (اطلاعیه وزارت اطلاعات درباره وقایع کوی دانشگاه – صبح امروز ۵ مرداد ماه) و بنا به اخبار رسیده دستگیری های بی رویه دانشجویان در برخی دانشگاه ها به مانند اصفهان (نشاط هفتم مرداد ماه – نامه سرگشاده فضل الله صلواتی به رئیس جمهوری) همچنان ادامه دارد!



# ویراستار قلم‌های بزرگ ایران در مقام مؤلف

محمد قائد



در محل سکونت شاملو و دفتر کتاب جمعه در چهارراه قصر. احتمالاً اواخر سال ۱۳۵۸

**شاملو در روزنامه نگاری نوعی مؤلف ذوفنون است**

**به عنوان روزنامه نگار مؤلف تقریباً به همه مباحث (شاید جز ورزش) علاقه داشت و دلش می‌خواست خوانندهٔ جدید هم با او همراهی کند**

**شاملو حتی اگر می‌خواست به کار صرفاً فرهنگی بپردازد نمی‌توانست یکسره از بازتاب تحولات سیاسی روز بر کنار بماند**

و گوهر فعالیت یک مبارز سیاسی یا یک انقلابی چیز دیگر. و بزرگ‌ترین آموزگاران انقلابی در تاریخ بشر نیز پیش از هر چیز، خود از کار گزاران فرهنگی بوده‌اند. و باز در جایی دیگر در همان شماره «به مجلس خبرگان پرداختن کار کتاب جمعه نیست» با این همه، در پاسخ به خواست خوانندگان، نخستین مطلب شماره ۱۵ (۲۳ آبان ۵۸) مقاله‌ای بود از محمد مختاری باعنوان «شوراهای شهر: استقبال یا عدم استقبال؟» در تحلیل نظر وزیر کشور که گفته بود از انتخابات شوراهای شهر استقبال نشده است (از دیگر مطالب محمد مختاری در کتاب جمعه، مقاله‌ای دو قسمتی درباره «بررسی شعارهای دوران قیام» بود).

اما کتاب جمعه، حتی اگر می‌خواست به کار صرفاً فرهنگی بپردازد، نمی‌توانست یکسره از بازتاب تحولات سیاسی روز بر کنار بماند. در شماره ۱۶ نخستین مطلب از یک رشته پیاپی به حرارت علیه گروه پنج‌فره وابسته به حزب توده در کانون نویسندگان، همراه با خبر تعلیق عضویت آن‌ها، چاپ شد. این نبرد خشم‌آگین قلمی با آن گروه در بیست شماره بعدی کتاب جمعه ادامه یافت و شاملو در هر فرصتی حزب توده را تحقیر و تحقظه می‌کرد.

گرفتاری دیگرش سرکوله زدن با نوه شعرها و شعرپردازان بود. سردبیران جراید به تجربه می‌دانند که چاپ کردن شعرو همراه است با استقبال از نشریه در میان افرادی که احساس می‌کنند استعداد کار دیگری ندارند. اما باز کردن این در، سبیلی از نامه‌حوری قطعات ادبی عمودی، که عمده‌ا برای همان نشریات تولید می‌شود، در پی می‌آورد. سردبیران معمولاً موضوع را به این ترتیب فیصله می‌دهند که شخصی پرحوصله را برای رسیدگی به این کار می‌گمارند و فرض را بر این می‌گذارند که کسی اینها را نمی‌خواند جز همانهایی که شعر می‌فرستند. شاملو شخصاً به همه نامه‌ها، از جمله شعرها، رسیدگی می‌کرد و با آنکه انتظار نداشت با چیز جالبی در انبوه شعرهای رسیده روبه‌رو شود، دلش رضا نمی‌داد این کار وقت تلف کن را به کسی بسپارد. حتی می‌توان گفت از صحبت کردن با خواننده‌ها و گاه زدن نش کردنشان درباره شعرهایی که می‌فرستادند لذت می‌برد. در ستون پاسخ به نامه‌ها چیزهایی از این قبیل دیده می‌شد: «حقیقت این است که ما در زیر آوری آن مقاله و قصه و شعر دفن شده ایم و به راستی فرصتی برای خواندن همه آن‌ها به دست نمی‌آید.» گاهی‌تیه دودل به نظر می‌رسید که با دل‌مشغولیهایی گوناگون جامعه چه باید کرد. در شماره ۱۸: «پرداختن به اخبار سیاسی کار یک نشریه مرجع نمی‌تواند باشد»، اما در شماره ۲۷ در پاسخ به خواننده‌ای که شعری سوزناک فرستاده است: «ما یقین داریم که خوانندگان مجله‌به «شعر» کاملاً بی‌موقعی که شما سروده‌اید هیچ توجهی نخواهند کرد. ... و حق با آن‌هاست؛ همگی حواسشان پی این است که آقای رئیس جمهوری از آرزای هنرِ موردِ اعطایش چه خواهد کرد.» و در همان شماره: «از پائین بودن سطح قصه در کتاب جمعه گلایه می‌کنند اما خود آستین بالا نمی‌زنند و قصه‌ی نمی‌فرستند که چاپ آن لاف‌های دروغ‌آمیز را به فشار گلایه‌ها را کم کند. عجیب‌ا که دوستان شاعر ... شعری نمی‌فرستند که چاپ آن اسباب سربلندی‌ما شود. ... اما همه از این بابت خود را طلکار می‌دانند!»

علاقه شخصی‌اش را فراموش نمی‌کرد (مثلاًچاپ کردن ترجمه‌ای تازه از شازده

در ذوفنون بودن لذتی است که در تک‌محصولی بودن نیست. احمد شاملو در روزنامه‌نگاری نوعی مؤلف ذوفنون است؛ به تمام جنبه‌های کار توجه می‌کند و درباره همه آن‌ها نظر دارد. بشکل کار، سبک بیان، روش تولید و طرز عمل، تأثیر بصری محصول روی خواننده و البته پیام آن. چیزی که به این سرکردنش توی همه سوراخ‌ها اعتبار می‌بخشد و او را از حد یک آماتور مفتن بالاتر می‌برد این است که نمونه‌های درجه‌اول چیزی را که می‌خواهد ایجاد کند دیده‌است و با مطبوعات

درچه یک غربی آشناست. با شاملو در اسفند ۱۳۷۵ که هر دو به ایران برگشته بودیم دیداری دست داد. در مرداد ۵۸ هفته‌نامه کتاب جمعه را راه انداخت. در همان ماه روزنامه آیندگان تعطیل شد و چند ماهی در دسترس نبودم. در آیندگان سرفاله‌ها و «مقاله‌ها» ی پنجشنبه‌را می‌نوشتیم. پیشنهاد کرد که همان کار را در کتاب جمعه ادامه بدهم. در آن زمان گرفتار تردید-بحرانی فلسفی-عاطفی بودم. تعطیل شدن روزنامه، گرچه زودتر از انتظار اتفاق افتاد، قابل پیش‌بینی بود. آنچه بر ذهنم سنگینی می‌کرد تأثیر شدیدی بود که یک روزنامه بر فکر خوانده دارد. در آن شش ماه مستقیماً تأجربه کردم که خواننده وقتی به نویسنده اعتماد دارد، فکر او را فکر خودش می‌کند. در چنین موقعیتی، نویسنده حتی اگر اشتباه کند و به اشتباه خویش اقرار کند، خواننده باز هم دست از پیروی از او بر نمی‌دارد و این خطا و اعتراف را به حساب روندی فکری می‌گذارد. رومن رولان در توصیف یکی از شخصیت‌های جان شیفته نوشت: «او همان روزنامه‌ای را می‌خواند که پدرش در زمان خود می‌خواند. عقاید روزنامه

چندین بار عوض شده، اما او تغییر نکرده» همان عقیده روزنامه خویش است.» در پاسخ به پیشنهاد شاملو، گفتم ما دست کم در دو مورد نه تنها در پیش‌بینی خطا کردیم، بلکه تلاش‌مان با اساساً ناپویا بود؛ اعمالمان نتیجه عکس داد: در اعتصاب نامجدود روزنامه نگاران در زمستان سال ۱۳۵۷، و در مخالفت با همه‌پرسی برای پیش نویس قانون اساسی و فشار برای تشکیل مجلس موسسان در اردیبهشت ۱۳۵۸، گفتم نوشتن درباره چیزی یعنی دخالت کردن در آن و دستکاری در فکر دیگران؛ و خواننده‌های مطالب سیاسی چیزی می‌خواهند که وجود ندارد؛ پیشگویی اینکه در آینده نزدیک در عرصه سیاست چه خواهد شد؛ البته، چه نزدیک و چه دور، قابل پیش‌بینی نیست. تا چه رسد به پیشگویی؛ و در وجه تاریخی و کلان، چیزی که قابل پیش‌بینی باشد اسمش آینده نیست. گفتم نوشتن درباره مسائل سیاسی روز برای روزنامه‌ای مجله خبری مناسب است و برای کتاب جمعه باید قالبی تازه و امروزی پیدا کرد.

با این همه، توانست مر قانع کند که توجه به تحولات جاری نیاز برمی‌آید و مقاله‌هایی با هر شکلی که می‌خواهم بنویسم. در ابتدای شماره ۱۸ در آذرماه بخشی باز کرد با حالت سرفقاله و با سرفصل «آخرین صفحه تاریخ» اما پس از یک شماره آن را به «آخرین صفحه» تقویم؛ تغییر داد. محتوای آن مقاله‌ها هم مروج بود؛ در تحولات سیاسی کشور، جمع بندی سخنان بازگيران صحنه سیاست و نیز نوشته‌های جراید، همراه با نقد (و نظر) در پاسخ به خواننده‌ای نوشت: «کتاب جمعه تنها به مسائل بنیادی می‌پردازد و جز در «آخرین صفحه» تقویم» به حوادث روز نظر نمی‌کند. امروز مطالبه تطبیقی و مقایسه‌ای جراید در مطبوعات رایج شده است، اما بیست سال پیش بسیار بدیع بود. کسانی از آن نوشته‌ها با عنوان «هنر سیاسی» یاد می‌کنند. با این‌نظر هیچ موافق نیستیم و آن را سوءتفاهم می‌دانم، اما اعتراض و توضیح را لازم نمی‌بینم. هنوز با کسانی آشنا می‌شوم که می‌گویند آن ارتکاب‌را خوب بداند دارند.

شاملو در کتاب جمعه کاری را که هیچ‌سالی پیش از آن در کتاب هفته بنیاد گذاشته شده بود دنبال کرد. وقتی کتاب هفته در آمد کلاس ششم دبستان بودم و آن را می‌خریدم و بالذت از سر تا ته می‌خواندم. «دوره» هیچ نشریه‌ای را حفظ نگذردم، اما کتاب هفته هنوز جزو چیزهایی است که نگهشان داشتم‌ام. کتاب هفته ادامهٔ تکامل یافته سخن بود. سخن بیشتر‌ها نشریهٔ وزنی بود که در روزگار به عرصه رسیدن ما آمیخته‌قدمی به نظر می‌رسید و بوی نا می‌داد و بیشتر متبری شده بود برای ارائهٔ معلومات نویسندگانش تا گسترش آن سر تا ته می‌خواندم. «دوره» هیچ شماره مراتب سرگرم‌کننده‌تر و نوتر بود. پس از نزدیک به چهار دهه، شماره‌های آن هنوز هم خواندنی است.

شاملو به عنوان روزنامه نگار مؤلف که تقریباً به همه مباحث (شاید جز ورزش)

علاقه داشت، دلش می‌خواست خواننده جدید هم با او همراهی کند. اما چیزهایی عوض

شده بود. نسل جوانی که به هف خوانندگان مغالط جلدی پیوسته بود چیزهای تازه‌ای

می‌خواست که هم بسیار سیاسی و بسیار احساسی باشد، هم پریش به آسانی و به سرعت قابل هضم باشد، و هم به اوضاع جاری مربوط باشد. مجموع این خواستها کار نشریه‌ای مانند کتاب جمعه را که می‌خواست به فرهنگ و ادبیات انسانگرا، اما غیر خبری، بپردازد دشوار می‌کرد. در ابتدای شماره سوم نوشت: «خوانندگان کتاب جمعه خوانان آنند که در شرایط موجود جامعه، گروه نویسندگان ما چابک‌تر حرکت کنند و مسائل حاد سیاسی و اجتماعی را با صراحت لهجه و منطقی قاطع بشکافند و تاریکی‌ها را روشن کنند» و وعده داد که نشریه با «مسائل هفته کم و بیش پایه‌با حرکت خواهد کرد.» در شماره بعدی، سه صفحه از ابتدای مجله سفید بود. در شماره پنج در پاسخ به خواننده‌ای توضیح داد: «سفیدماندن آن صفحات ناشی از اشتباه چاپخانه نبود. گاهی سکوت می‌تواند بیش از هر سخنی گویا باشد. آن سه صفحه جای خالی یادداشتی بود که شورای نویسندگان مجله در آخرین لحظه به خودداری از چاپ آن رای دادو حفظ مجله‌ا از آن‌یادداشت لازم‌تر

شعوره شد.» پیداست که زیاده از حد صراحت لهجه به خرج داده بود.

اما فشار خوانندگان از همه سو ادامه داشت. در سرفقاله‌ای در شماره ۱۴ نوشت:

«جمعی ما را چپ گرا می‌دانند و می‌گویند کارمان رنگ و بوی مارکسیستی دارد. در حالی که همه یک میهن‌مانی، فقط این وظیفه

می‌کردم، چرا باید تعجب کنم؟

برعهده‌ات گذاشته شود که زبانه‌ها را جنع

کنی و کیسه آن را سر کوچه بگذاری.

برای یک ناظر بیگانه، سخت است

ارتباط برقرار کردن میان این بخش از کارنامه

احمدشاملو، با شعر بزرگ‌ش «که

تردگی ست، و با آن کتاب عظیم کوچه و با آن

ترجمه‌هایش که در واقع بازآفرینی خلاقه

است. اما سال‌هاست که عادت کرده‌ام از هیچ

چیز تعجب نکنم و به این نتیجه رسیده‌ام که

بشر پدیده پیچیده‌ای است و برخی از انبای

بشر، پیچیده‌ترند (عجب گشایی!) و وقتی

شاملو در پاسخ به ایرادها و خواسته نوشت: «کتاب جمعه برای ما تمرینی است

در حرکت به سوی آزادی ... ما بر این باوریم که گوهر کار روشنفکری یک چیز است

## کارنامه سینمایی احمد شاملو سرجدتان اسمشان را نگذارید فیلم!

هوشنگ گلמکاني

سخت است نوشتن درباره بخش تاریک و غیر قابل دفاع کارنامه کسی که از قله‌های شعر و ادبیات معاصر ماست. انگار از همه یک میهن‌مانی، فقط این وظیفه برعهده‌ات گذاشته شود که زبانه‌ها را جاعن کنی و کیسه آن را سر کوچه بگذاری. برای یک ناظر بیگانه، سخت است ارتباط برقرار کردن میان این بخش از کارنامه احمدشاملو، با شعر بزرگ‌ش «که زندگی ست، و با آن کتاب عظیم کوچه و با آن ترجمه‌هایش که در واقع بازآفرینی خلاقه است. اما سال‌هاست که عادت کرده‌ام از هیچ چیز تعجب نکنم و به این نتیجه رسیده‌ام که بشر پدیده پیچیده‌ای است و برخی از انبای بشر، پیچیده‌ترند (عجب گشایی!) و وقتی

### گرافیک: گرافيست ها و شاملو



موتضی ممیز:

شاملو معمولاً نظری نمی‌داد، بلکه با افکار نو جوانه همکاران خود همراهی می‌کرد و اجازه می‌داد آنان با چشم اندازه‌های جدیدی که در این زمینه داشتند، فضای مجله را هر چه بیشتر آوانگارد و پیشرو کنند. او همیشه به شدت از کارهای من دفاع می‌کرد و اصل رفاقت و همکاری ما به خاطر همین چشم اندازه‌های جدیدی بود که در کارهای من وجود داشت. مسلماً اگر غیر از این بود همکاری ما امکان

شاملو در زمینه طراحی، همیشه مشوق من بود و این تشویق‌ها به من جرأت می‌داد که نوبت‌های بعد آزادتر کار کنم. در مورد طراحی‌های «گیل گمش» هم باید بگویم که فضایی که خود متن داشت موجب شد که من آن تصاویر را بسازم. درونمایه قدیمی و شرایط بسیار بسیار مذهبی و افسانه‌ای قضیه را از فضای ترجمه شاملو خیلی راحت گرفتم، شیوه ترجمه و کار او این حس را ایده را به من داد. باز هم تکرار می‌کنم که شاملو همیشه یک مشوق بود و همین موضوع به من توان و روحیه‌ای می‌داد که بتوانم هر بار کار تازه‌تری بکنم. به همین دلیل تصاویر «کتاب هفته» هر شماره، تازه‌تر بود و هماهنگی بیشتری با شیوه کار نویسنده به وجود می‌آوردم.

علی‌رضا اسپهبد:

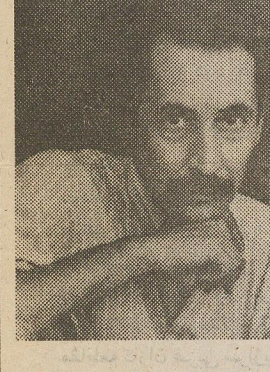


در کتاب «جمعه» که با آقای احمد شاملو، شاعر بزرگ معاصر ایران همکاری داشتم، ایشان را طور که یک شخص غیر حرفه‌ای اظهار نظر می‌کند، نظری نمی‌دادند. آقای شاملو آدم را آزاد می‌گذاشتند و در انتها یک نظر زیبایی‌شناسی می‌دادند. من خیلی چیزها از او یاد گرفتم، بویژه در طراحی روی جلد که خیلی مهم است.

در روزگاری که کتاب «جمعه» منتشر می‌شد. شرایط اجتماعی –

سیاسی خاصی وجود داشت و لذا سعی می‌کردیم در کارمان خیلی دقت کنیم. با به اتفاق طر‌حی را از کارهای بزرگ دنیا انتخاب می‌کردیم و یا ایشان درباره طر‌حی که من می‌دادم، نظر نهایی را می‌دادند. نظر آقای شاملو در گرافیک همیشه درست و راه گشا بود، چون تجربه‌های فراوانی در کار مطبوعات داشت و چم و خم کار را خیلی خوب می‌دانست. چه برای Layout چه برای پتر بندنی، آقای شاملو همیشه صاحب نظر بودند. همین حالا هم وقتی کاری می‌کنم، اگر فرصتی باشد، حتماً به ایشان نشان می‌دهم و نظر شان را می‌خواهم.

ابراهیم حقیقی:



شاملو در جایگاه یک سردبیر، همیشه سعی می‌کرد با کسانی کار کند که معیور به اعمال سلیقه‌های خیلی دست و پاگیر نباشد. این تجربه شخصی من است. دوران اول کتاب جمعه هم که با اسپهبد کار می‌کرد، شکل و شمایل کار طوری بود که معلوم بود یک گرافيست روی آن کار کرده‌است. از دوران کتاب هفته هم که نشریه خیلی خوبی بود و با ممیز کار می‌کرد، آثار ماندگاری به جامانده است.

در تجربه‌ای که من با او داشتم، شاملو به عنوان یک سردبیر اگر لازم می‌دانست، اصلاحاتی انجام بگيرد، صرفاً در جهت خواسته‌های مطبوعاتی بود، نه اعمال سلیقه. برای این که فلان مقاله یا فلان نوشته از دیدگاه مطبوعاتی جا بیفتد توصیه‌ای می‌کرد و به‌طور کلی با اعتمادی که به طراح و گرافيست خود داشت، همه چیز را به دست او می‌سپرد. شاملو همیشه توج‌و‌جو بود. کتاب جمعه، نشریه پرضمعه‌ای بود که باید در عرض یک هفته بسته می‌شد و من فقط دو روز وقت داشتم – به جز قصه‌ها که یک هفته وقت‌داشت – بعد از این دو روز که کار تمام می‌شد و برای دیدن نهایی نزد او می‌ردم، خیلی در خاطر ندارم که تغییرات اساسی در آن داده باشد و اگر تغییری هم بود، بیشتر برای بهتر رساندن پیام مطبوعاتی بود که با محدودیت زمانی و محدود بودن امکانات، بتوانیم کاری بکنیم که دلنشین‌البتنه من از لحاظ شکل و فرم می‌گویم و کاری به محتوای ندارم. همیشه سعی بر این بوده که لاف‌ل شکل کار نو باشد. «نوه بودن یکی از خواست‌های همیشگی او بود.

دو طرح از شاملو:

سمت راست موسیقی سمت چپ هنرل



شده؛ همچنان که می‌گوید گفتار متن تعداد زیادی از مستندهای وزارت فرهنگ و هنر را هم نوشته است. اما بخش ادنکی قابل دفاع کارنامه سینمایی شاملو، مستندهای گمنام و کمتر دیده شده و اغلب بایگانی شده و به نمایش درنیامده او برای تلویزیون درباره فرهنگ عامیانه و آداب و رسوم و باورها و آیین‌ها و رقص‌ها و آوازهای محلی است که همه آن‌ها را در همان دهه ۱۳۴۰ ساخت. یکی از آن‌ها «شهری از سنگ در دل تپه‌های سبز» بود در باره درویش‌های قادری که «نزارهای صدای سرخ‌صندوگی کار موثراً شده و نگاتیوهاش همه از تلویزیون غیب شده ...» باچه زمختی گرفته بودم. دیگری به نام «آتافلیچ داماد» بوده درباره مریم بهر عروسی ترکان. «ساز (۱۳۴۳)، و در فراف از حقیقت، یکایک کوتاه یک وکیل را بازی می‌کند؛ «هنرپیشه نایمده بود، گفتم من بازی می‌کنم. شاملو یک فیلمنامه برای فیلم کوتاه هم دارد که تنها فیلمنامه چاپ شده است و اتفاقاً دو بار هم چاپ شده با عنوان حلول ابرای زنده‌ها و فیلمی تلویزیونی هم بر اساس آن ساخته شده است. آن گونه که خود گفته، «نظرمی‌رسد تعداد فیلم‌هایی که برای آن‌ها «سناریو یا گفت‌وگو نوشته باید بیش از این تولیداتی باشد که در کتاب‌های مرجع ثبت

کروچولو با متن فکاهی نمایشنامه مانند جیجک علی‌شاه اثر نبیح بهروز) اما تغییرهای مهمی در فکر‌ها و تلفیات پیدا شده بود که کتاب جمعه تکلیفش با آن‌ها روشن نبود. در دهه ۱۳۵۰، و حتی بسیار پیش از آن، شطرنج در ردیف سرگرمیهایی عتیقه و فنتزی قرار گرفته بود و دیگر ورزش فکری نخیکان جوان به حساب نمی‌آمد. شاملو علاقه داشت که مجله‌اش صفحه شطرنج هم داشته باشد، اما شطرنج برای خوانندگان جوان جاذبه چندانی نداشت.

از خوانندگان نظر خواهی کرد و نامه‌هایی در این باره می‌رسید. سردبیر که پیدا بود گرایشی قلبی به تداوم صفحه شطرنج دارد، در شماره ۳۴ در پاسخ به خواننده‌ای نوشت: «شطرنج را، چنان‌که ملاحظه کرده‌اید ادامه می‌دهیم؛ بی‌این‌که واقعاً هیچ‌یک از خود همکاران مجله فرصتی برای پرداختن به آن داشته باشند!» و انکار که حوصله‌اش از این همه چروبحث آدمهای بی‌اطلاع سرفرته باشد، به خواننده دیگری اخم کرد: «در مورد شطرنج، استدعای ما از خوانندگان این است که موضوع را دیگر خاتمه‌یافته تلقی کنند.» یعنی هم دموکراسی و هم دستور کفایت مذاکرات.

شماره اول کتاب جمعه مطلبی داشت با عنوان «برنامه جمهوری اسلامی آقای بنی‌صدر»، اما در شماره ۳۱، خود شاملو در گفتگویی با دانشجویان دانشکده علوم ارتباطات که از او پرسیدند «کتاب جمعه برای طبقه خصوصی یا به‌هنگ خصوصی نوشته می‌شود و عدله نمی‌گویند شما از توده مردم کناره گرفته‌اید»، گفت: «اگر بگویم مسائل سیاسی ما در شرایط کنونی بسیار درهم، و شبه‌های مختلف آن چنان در هم پیچیده است که به سادگی قابل بررسی نیست و زمان می‌خواهد، لابد «آن عده» حمل به محافظه‌کاری خواهند کرد. ولی همین است که گفتم. بسیاری از مسائل و مشکلات را باید گذاشت زمان در هم ادغام کند تا بتوان سرنخ‌ها را پیدا کرد.»

گرایش شخص او به جانب ادبیات و هنر متعهد و جهان‌پیش‌آهنگ‌را اما

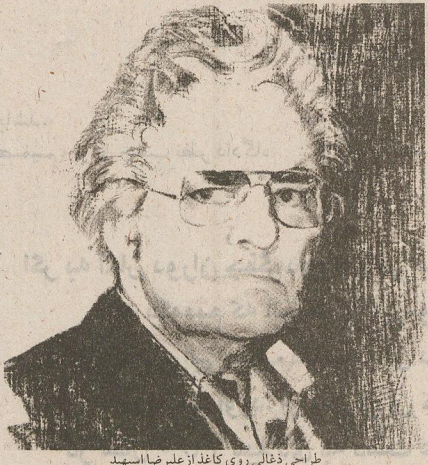
چندجانبه و مفرح بود (کاریکاتورهایی صرفاً فکاهی چاپ می‌کرد و از این کار بسیار لذت می‌برد).

پخته شدن چنین نشریه‌ای و جالفتادنش در ترکیبی قوام‌یافته به‌مجال و آرامشی نیاز داشت که دست نداد.

در ابتدای دهه ۱۳۴۰، بیشتر کتاب‌های خواننده‌های کوتاه و عالی تشکیل می‌داد که در فراغت آن سالها برای خوانندگانشان یک هفته وقت بود. در سالهای پرهیجان انتهای دهه ۱۳۵۰، هر چیزی باید مصرف فوری می‌داشت تا خوانده شود. به همین سبب بود که کتاب جمعه احساس فوریت نمی‌داد و بیشتر خریده و کمتر خوانده می‌شد؛ عارضه‌ای که کل صنعت نشر ایران در دهه ۱۳۶۰ گرفتار آن شد و هنوز هم گرفتار است؛ مردم حتی وقتی هم کتاب می‌خرند فکر می‌کنند برای خواندنش تا بلد وقت هست، غریب است که چنین روحیه پهل انگارانه‌ای در شتاب اجتماعی همان سالها شکل گرفت. ادبیات مقاومت، ادبیات رمنی شد و تشخیص ادبیات مترقی از تبلیغات رمنی همیشه و برای همه آسان نبود. نمی‌دانم آخرین کتابی که در تهران به جانبدارانی از مبارزه فلسطینیه چاپ شد و خوب فروش کردی و کدام بود. اما می‌توان گفت که با رفع موضوعیت از حرف زدن درباره چریک فلسطینی و امپریالیسم و غیره، جاذبه پاره‌ای چیزها با وجود نداشت و حالا باید درباره موضوع‌های تازه‌ای می‌نوشتند که در جاهایی ممنوع بود، در مواردی تجربه نوشتن درباره آن‌ها وجود نداشت، و در جاهایی خواننده نداشت (در شوروی و اروپای شرقی هم کتابهایی که بیست سال مخفیانه و مثل ورق زر دست به دست چرخیده بود وقتی از زیر پوشخان به روی آن‌ها مباد کرد، یعنی حتی ارزش ادبی آن‌ها زیر سؤال رفت). تمجیح ندارد که کتاب جمعه و وقتی در دفاع از آرمان فلسطین و علیه امپریالیسم جهان‌خوار مطالب بنیادی» چاپ می‌کند، خواننده برای سالهای بازنتستی‌اش در طاقچه بگذارد و خواسار مطالبی درباره مباحث جاری کشور شود. با این همه، فروش کتاب جمعه خوب بود. در ماههای آخر در ده‌ه‌از نسخه چاپ می‌شد (در ۱۶۰۰ صفحه ۲۱×۱۴ به ده تومان) که تیراژی اطمینان‌بخش بود. یکی از روشهای مورد علاقه شاملو جواب دادن به تک‌تک خواننده‌ها بود (کسانی روشی خاص کردن عین نامه خواننده بدون پاسخ انفرادی و مستقیم را می‌پسندند). چنین سبکی، بخصوص با سردبیری صاحب‌نظر در امور شعر و شعر و خواننده‌های بسیاری جاذبه دارد. ندرتاً از دست خواننده‌ای عصبانی می‌شدم و معمولاً دوست داشت با آن‌ها صمیمانه دردول کند، برایشان حرف بزند و، از جمله، با تأیید اذعان کند که بعضی خوانندگان جوان توان مالی خرید مجله را ندارند (در اشتراک مجله به دانشجویان و دانش آموزان تخفیف داده می‌شد).

در خرداد سال ۱۳۵۹ نسخه‌های شماره ۳۶ کتاب جمعه را که برای بخش در شهرهای دیگر می‌رفت در ایستگاه راه‌آهن تهران از قیف گرفتند-و فاتحه، این پایان فصلی دیگر بود هم، هم برای او و هم برای خوانندگانش (مرقالبه شماره یک را با این جمله شروع کرده بود: «روزهای سیاهی در پیش است»). همه هشت سال پیش در سقری به آمریکا به او پیشنهاد کردند در آن‌جا بماند و نشریه‌ای فرهنگی برای ایرانیان مهاجری که از بگرمگو و دسته بندی خسته شده‌اند راه بیندازد، اما این پیشنهاد را رد کرد (در بازگشت به ایران پیشنهاد را به من داد؛ من هم نتوانستم بروم).

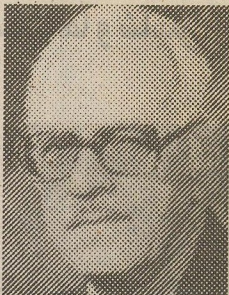
به رغم مشکلات چندان متصفانه‌ای که درباره مهارت شاملو برای هم‌زمان راه‌انداختن و تعطیل کردن هر نشریه‌ای ساخته‌اند، کتاب جمعه، از نظر داشتن ناشری حرفه‌ای (مهرداد کاظمی زاده، انتشارات مازیار) که به او اختیار تام و فرصت کار کردن به میل خودش می‌داد؛ «روزهای سیاهی در پیش است»، «مرقالبه شماره یک را با این جمله تا به انتشار نشریه‌ای تداوم ببخشند و بار دیگر ثابت کند که در روزنامه‌نگاری هم آدمی تک‌رو و ثقت‌ا با بسیار با پشتکار و دارای قابلیت‌های حرفه‌ای است (گاهی می‌دیدم که تمام روز تا سپیده فردا مطلب راست و ریس می‌کند بی‌آنکه غلابی بخورد). پایان کار کتاب جمعه را باید به تئوری قهری بیرون از اراده فرد نسبت داد، نه به نتیجه مستقیم کار او و بازار عرضه و تقاضا. درهرحال، انگار خاک میهن آریایی-اسلامی می‌باید بیش از این کمتر کاری مناسب است و نباید بخت مطبوعات آن‌ها همین حد بلند باشد که در روزنامه عصر تهران نشریات پایدار و ابدی‌اش باقی بمانند.



طراحی روی کاغذ از علیرضا اسپهبد

دیدن فیلمی که بازار گرمی پیدا کرده بود و آن موقع در ساری نمایش داده می‌شد، روانه آن شهر کرد که براساس آن برایش سناریویی بنویسم. نه آن داستان ساخته ذهن من بوده، نه می‌نوشتم. این که اسب من هم آن پایباید، نه درست بود به نام جوانانه و به اصولی ... تقریباً گفتم و گویا تمام فیلم‌هایی را که محمدارباب می‌ساخت من نوشتم و سناریوی همه این فیلم‌ها تقلیدی از داستان فیلم‌های دیگر بود. حتی یکبار مرا همراه شخصی برای اسم گنجای این کار را می‌شود گذاشت





در اواخر مرداد ۱۹۹۱ هنگامی که عراق زیر بمباران های ویرانگر ۲۵ کشوری که زیر پرچم «بوش» رئیس جمهوری آمریکا جمع شده بودند، پرچم تسلیم بلاشرط را برافراشت. در حالی که قوای عراقی تا آخرین نفر خاک کویت را ترک کرده بودند، باز هم هواپیماهای آمریکا و انگلیس به بمباران چاه های نفت باقیمانده کویت ادامه می دادند. خبرنگار «رویتر» که در یک هواپیمای بمب افکن انگلیسی صحنه عملیات را از بالا تماشا می کرد، از خلبان پرسید: «حالا که عراقی ها بکلی از کویت بیرون رفته اند و حکومت بغداد تسلیم شده است چرا به بمباران چاه های نفت کویت ادامه می دهید؟» پاسخ خلبان کوتاه، مختصر، مفید و بسیار بامعنی بود. وی گفت: «برای نوسازی!»

نوسازی عراق ۲۰۰ میلیارد دلار و کویت ۱۰۰ میلیارد برآورد شده بود و بلافاصله با پایان جنگ، کمپانی های مقاطعه کار آمریکایی، انگلیسی، سوئدی، ژاپنی، آلمانی و دیگر کشورهای شرکت کننده در جنگ عراق «کلاهی از این نمذ» نصیب آنان شد. ولی برنده عمده مناقصه ها شرکت های آمریکایی – انگلیسی بودند. عراق و کویت هنوز هم که، ۸ سال از آن جنگ می گذرد، کناره «نوسازی» را به طور کامل پس نداده اند و با بمبیاران های شیانہ روزی هواپیماهای آمریکایی – انگلیسی در مناطق ممنوع، دامنه نوسازی در آینده گسترش بیشتری به خود می گیرد. ناتو، گرداننده اصلی جنگ عراق از چنین تجربه ای در ماجرای یوگسلاوی جداکشر بهره برداری را کرد. طی ۷۷ روز بمباران ۱۹ کشور عضو ناتو، سرزمین خرم یوگسلاوی که از جاذبه های معروف توریستی اروپا بود، به کشوری تا «عصر قبل از صنعتی شدن» اروپا تنزل کرده است «نوسازی» آن کشور و کوزوو، حداقل ده سال طول می کشد و حدود ۵۰ میلیارد دلار را به جیب مقاطعه کاران غربی سرازیر خواهد کرد. در حالی که روس ها از همان هفته های اول تهاجم یوگسلاوی «چرمویردین» را به عنوان فرستاده خاص خود به بالکان فرستاده بودند. نمایندگان غربی چه در «بن» و چه در هلسینکی، پایتخت فنلاند، آن قدر سنگ جلو پای او انداختند و مذاکرات را طولانی کردند و از این شهر او را به شهر دیگری فرستادند که ویرانگری یوگسلاوی به مرحله «کمال» خود پرسد.

##### هدف های غرب

غرب در تهاجم بی پروای خود، آن هم بدون مجوز شورای امنیت علیه یوگسلاوی هدف های متعددی را جست و جو می کرد که سرآمد آن منافع تجارتي، ایجاد بازار

# یوگسلاوی؛ عراق بالکان

حسام الدین امامی



مشترک در پالکان، کشانیدن کشورهای آن شبه جزیره – مستقیم و غیرمستقیم – زیر چتر ناتو، پاشیدن تخم نفاق قومی، نژادی، مذهبی، قبیله ای میان کشورهای مربوطه تا سال های بعد، زمینه سازی برای دخالت های همیشگی و پدید آوردن الگوی کوزوو در آینده، و سرآمد همه محاصره روسیه بود.

غرب با اینکه در سال ۱۹۸۹ مقدمات فروپاشی شوروی را با تمهیدات مختلف فراهم کرد و آن سرزمین را به صورت کشور «درجه دومی» تنزل داد، هنوز هم از مردم روسیه و استعدادهای بالقوه مرزهای امنیتی روسیه، کشور یوگسلاوی بود. تیتو با شکست آلمان نازی در جنگ پارتیزانی خود به چنان مقام اسطوره ای دست یافت که توانست ایالات مختلف المسلک اطراف صربستان را متحد کند و کشور نیرومندی به نام یوگسلاوی را در صحنه سیاسی بالکان پدید آورد. یک یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، کرواسی، مقدونیه، یکی پس از دیگری از آن جدا شدند. در هر کدام زمینه های جداسازی یا ریشه های قومی یا مذهبی وجود داشت، ولی غرب چنان آن ها را دامن زد که در حال حاضر و نزدیک به ۲ میلیون آواره

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، کرواسی، مقدونیه، یکی پس از دیگری از آن جدا شدند. در هر کدام زمینه های جداسازی یا ریشه های قومی یا مذهبی وجود داشت، ولی غرب چنان آن ها را دامن زد که در حال حاضر و نزدیک به ۲ میلیون آواره

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

کشورهای مزبور در اروپا یا بین همان کشورها سرگردان هستند و پس از آوارگان افغانی، آمریکایی

کرواسی هیچ کدام استعداد لازم را به اندازه مجارستان برای عضویت ناتو ندارند. هر چند چهار کشور بلغارستان، آلبانی، مجارستان و رومانی از اعضای سابق پیمان ورشو و اردوگاه شوروی سابق هستند، ولی در تهاجم به یوگسلاوی راه کمک های مسکو به بلگراد را سد کردند. از این رو تنها مانع اصلی غرب برای محصور کردن روسیه و

رخنه گری به سوی مرزهای امنیتی روسیه، کشور یوگسلاوی بود. تیتو با شکست آلمان نازی در جنگ پارتیزانی خود به چنان مقام اسطوره ای دست یافت که توانست ایالات مختلف المسلک اطراف صربستان را متحد کند و کشور نیرومندی به نام یوگسلاوی را در صحنه سیاسی بالکان پدید آورد. یک

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، کرواسی، مقدونیه، یکی پس از دیگری از آن جدا شدند. در هر کدام زمینه های جداسازی یا ریشه های قومی یا مذهبی وجود داشت، ولی غرب چنان آن ها را دامن زد که در حال حاضر و نزدیک به ۲ میلیون آواره

مرکزی و آفریقا، مقام اول را در جهان احراز کرده اند. آخرین ضربه غرب به وحدت یوگسلاوی جدا کردن ایالت «کوزوو» بود. غرب که از دخالت های بعدی خود در عراق، بمباران مناطق شمال و جنوب و تجاوز آشکار ترکیه به شمال آن کشور و عملیات جاسوسی «آتسکام» زیر چشم شورای امنیت جسارت و بی پروایی بیکرانی یافته بود، چنان درسی را در یوگسلاوی اجرا کرد.

در عراق تجاوز به تمامیت یک کشور همسایه (کویت) دستاویز تهاجم بود، ولی در یوگسلاوی ستمکاری اکثریت صرب به اقلیت، آن هم در قسمتی از تمامیت ارضی خود، دستاویز قرار گرفت.

به قول روزنامه فرانسوی «لویوئن»: «خطر تهاجم ناتو، به یوگسلاوی تنها به حال و برای ناتو، و پرچمداران آمریکاست که بدون مجوز شورای امنیت بتواند هر وقت که مایل باشد حاکمیت و تمامیت هر کشوری را مورد تجاوز قرار دهد» آمریکا قبلاً چنین اقدامی را در «پاناما» انجام داده و «نوریه گا» رهبران کشور را دستگیر کرده و به آمریکا برده برد و سال گذشته هم با بمباران کارخانه «شنا» در خرطوم، نیز بمباران افغانستان به بهانه دستگیری «بن لادن» تمامیت دو کشور را نقض کرد.

لویوئن اضافه می کند که: «به این ترتیب مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر، امری عادی شده و اصل احترام به مرزهای بین المللی لگدمال گشته است.» اکثریت – اقلیت آمریکا که با دستگاه های تبلیغاتی وسیع خود در سال گذشته گروهی به نام KLA – ارتش

آزادی بخش کوزوو – را علم کرد، و از جنایات اکثریت صرب علیه اقلیت آلبانی تبار گوش دنیا را کر کرد، اکنون چشم خود را بر جنایات KLA بسته است. از روزی که سربازان «ناتو» مستقر در کوزوو، بنام KFOR آن جا مستقر شده اند، قتل و کشتار اقلیت صرب به دست عوامل KLA ادامه داشته است.

یکی از مواد قرارداد آتش پس جنگ یوگسلاوی خلع سلاح KLA و تضمین امنیت اقلیت صرب ساکن آن ایالت بود. اما هیچ یک از دو مورد یاد شده تاکنون به مرحله اجرا در نیامده است و قتل و کشتار صرب ها کار را به جایی رسانده که جمعیت ۲۰۰ هزار نفری صرب در کوزوو، ۸۰ هزار نفر تقلیل یافته است و این جنایات زیر چشم KFOR و نمایندگان سازمان ملل اتفاق می افتد. دلیل تساهل و اغماض سربازان حافظ صلح ناتو، روشن است: منظور این است که کوزوو، طوری از اقلیت صرب تخلیه شود که فقط آلبانی تبارها در آن باقی بمانند و دستاویز لازم برای جدایی و تجزیه آن ایالت از خاک اصلی یوگسلاوی فراهم شود!

شاید با توجه به چنین نقض آشکار مواد قرارداد است که روسیه تهدید به بیرون بردن سربازان خود کرده و گفته است فلسفه وجودی KFOR اجرای او مورد یاد شده بود ولی تاکنون ایفا نشده است. ظاهراً طراحان تجزیه یوگسلاوی به این هم قانع نیستند و محو کامل واحدی جغرافیایی به نام یوگسلاوی در شبه جزیره بالکان هدف اصلی و نهایی آنان است. زیرا با حمایت آشکار و پنهانی از مخالفان دولت مرکزی یوگسلاوی و بزرگ کردن و مطرح

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

یوگسلاوی متحد، پیوسته خاری در چشم غرب بود. از این رو با مرگ تیتو، بازی های نظامی و سیاسی برای تجزیه آن واحد جغرافیایی بی سابقه آغاز شد. بوسنی، هرزگوین، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین و

#### احزاب و ساختار سیاسی کشورها – ۳

## سوسیال دموکراسی

ترجمه و تنظیم: مجید نوریان

سوسیال دموکراسی نوعی ایدئولوژی سیاسی است که طرفدار انتقال انقلابی و یا مسالمت آمیز جامعه از سرمایه داری به سوسیالیسم با استفاده از روش های متعارف سیاسی است. سوسیال دموکراسی بر پایه سوسیالیسم و آموزه های کارل مارکس و انگلس، با کمونیسم ریشه های عقیدتی مشترکی دارد اما از نظامی گری و تمامیت خواهی آن خود را پرهیز می دهد. سوسیال دموکراسی ابتدا به عنوان رویزیونیسم (بازنگری) شناخته می شد زیرا معرف یک تغییر در تعلیم اساسی مارکسیسم بود.

جنبش سوسیال دموکراسی از تلاشهای «آگوست بیل» بوجود آمد. وی در سال ۱۸۶۹ «حزب کارگران سوسیال دموکرات آلمان» را تأسیس کرد و بر روی اتحاد این حزب با «اتحادیه عمومی کارگران آلمان» در سال ۱۸۷۵ تأثیر گذاشت. از اتحاد این دو حزب، «حزب سوسیال دموکرات آلمان» بوجود آمد. بیل، سوسیال دموکراسی را با این هدف ادغام کرد که سوسیالیسم باید از طریق ابزارهای قانونی اجرا شود نه از طریق اعمال زور. بعد از انتخاب دو نفر از حزب سوسیال دموکرات در رایشتاگ به سال ۱۸۷۱، این حزب قدرت سیاسی خود را افزایش داد تا اینکه در سال ۱۹۱۲ بزرگترین حزب شد و از ۳۹۷ کرسی رایشتاگ، تعداد ۱۱۰ کرسی را به دست آورد. پیروزی حزب سوسیال دموکرات در آلمان، اشاعه آن را در سایر کشورهای اروپا تشویق کرد.

رشد سوسیال دموکراسی آلمان خود را بیشتر مدیون نظریه پرداز سیاسی آلمان یعنی «ادوارد برنشتاین» می داند. او در کتاب خود با نام «پیش شرط سوسیالیسم و وظایف سوسیال دموکراسی» این عقیده مارکسیستی را که سرمایه داری به پایان راه خود رسیده، به مبارزه خواند و اظهار داشت که سرمایه داری دارد بر بسیاری از نقاط ضعف خود مثل بی کاری، مازاد تولید و توزیع نابرابر ثروت غلبه می کند و مالکیت صنعت دارد روز به روز گسترده تر می شود، نه اینکه در دستان عده اندکی بماند. درحالی که مارکس اعلام کرده بود پیروزی طبقه کارگر به طور حتم انقلاب سوسیالیستی را به پایان می رساند، برنشتاین استدلال می کرد که موفقیت سوسیالیسم، نه بر تداوم و بدتر کردن بدبختی طبقه کارگر، بلکه به حذف آن بدبختی بستگی دارد. او همچنین اشاره کرد که اوضاع اجتماعی رو به بهبود هستند و طبقه کارگر می تواند با انتخاب نمایندگان سوسیالیسم از طریق حق رأی عمومی، سوسیالیسم را ایجاد کند. خشونت انقلاب ۱۹۱۷ روسیه و وقایع بعد از آن، انشعاب نهایی میان احزاب سوسیال دموکرات و کمونیست را تسریع کرد.

بعد از جنگ جهانی دوم، احزاب سوسیال دموکرات در چندین کشور اروپا مثل آلمان غربی، سوئد و بریتانیای کبیر (حزب کارگر) به قدرت رسیدند و پایه برنامه های اجتماعی و رفاهی اروپای مدرن را بنا نهادند. سوسیال دموکراسی با صعود خود بتدریج و به خصوص در آلمان غربی تغییر کرد. این تغییرات نشان دهنده تعدیل تعالیم قرن نوزدهمی مبنی بر ملی سازی تمام عیار صنعت و تجاری بودن. باوجودی که اصول احزاب متعدد سوسیال دموکرات تا حدودی از هم متشعب شدند، اصول بنیادین و معینی با همدیگر ادغام شدند. علاوه بر ترک خشونت و انقلاب به عنوان ابزاری برای تغییرات اجتماعی، سوسیال دموکراسی در مخالفت با تمامیت خواهی جایگاه ویژه ای پیدا کرد. دیدگاه مارکسیستی نسبت به دموکراسی به عنوان «یک صورت ظاهری بورژوازی برای ایده طبقه حاکم» کنار گذاشته شد و اعلام گردید که دموکراسی برای ایده الهای سوسیالیستی جنبه حیاتی دارد. سوسیال دموکراسی به طور روزافزون، هدف تعدیل و تنظیم تجارت و صنعت را به عنوان ابزاری برای رشد اقتصادی و درآمد مساوی از سوی دولت ضروری می داند اما مخالف مالکیت دولت در امور تجاری و صنعتی است.

نشان نمی دادند، اولاً بین خودشان اختلاف دارند و دیگر این که از زمینه مناسب مردمی برخوردار نیستند. اگر جز این بود، تهاجمی همگانی را موجب می شدند و شاید با اطمینان به همین واقعیت است که پلیس نه تنها مانع آن ها نشده، بلکه از هجوم مخالفان هم به صفوف آن ها معانعت کرده است.

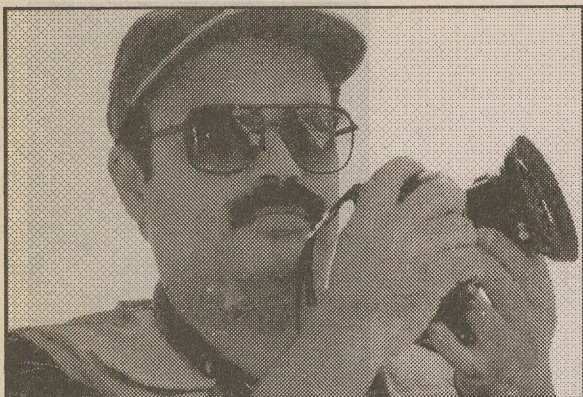
غرب می خواهد همان برنامه «معارضین عراقی» را در یوگسلاوی پیاده کند ولی معلوم نیست که این معارضین، هنری بیش از معارضین عراقی داشته باشند و دستاورد نهایی آن ها چیزی بیش از همپایان عراقی آنان باشد.



به آن آسان است دست پیدا کنند واین امر کسانی را که درآن تاریخ فجایعی به بار آوردند ولی آن راتمام شده فرض می کردند، می ترساند، و به تفکرات ضد اسرائیلی دامن می زند. یعنی ما دوباره به چهل سال پیش برمی گردیم. او همچنین ادعای می دارد، اسرائیل که سایر کشورهارا ترغیب به افشای اسناد کوره های آدم سوزی نازی های کند خود نمی تواند مانع دسترسی سایرین به این اسناد شود. وی بر این تصور است که حاشیه نوشتن به این اسناد، نشان دهنده حساسیت مبالغه آمیزی است که مشابه آن در جو عمومی دیده نمی شود.

یوگسلاوی متحد، پیوسته خ





عکاس: جمشید بایرامی

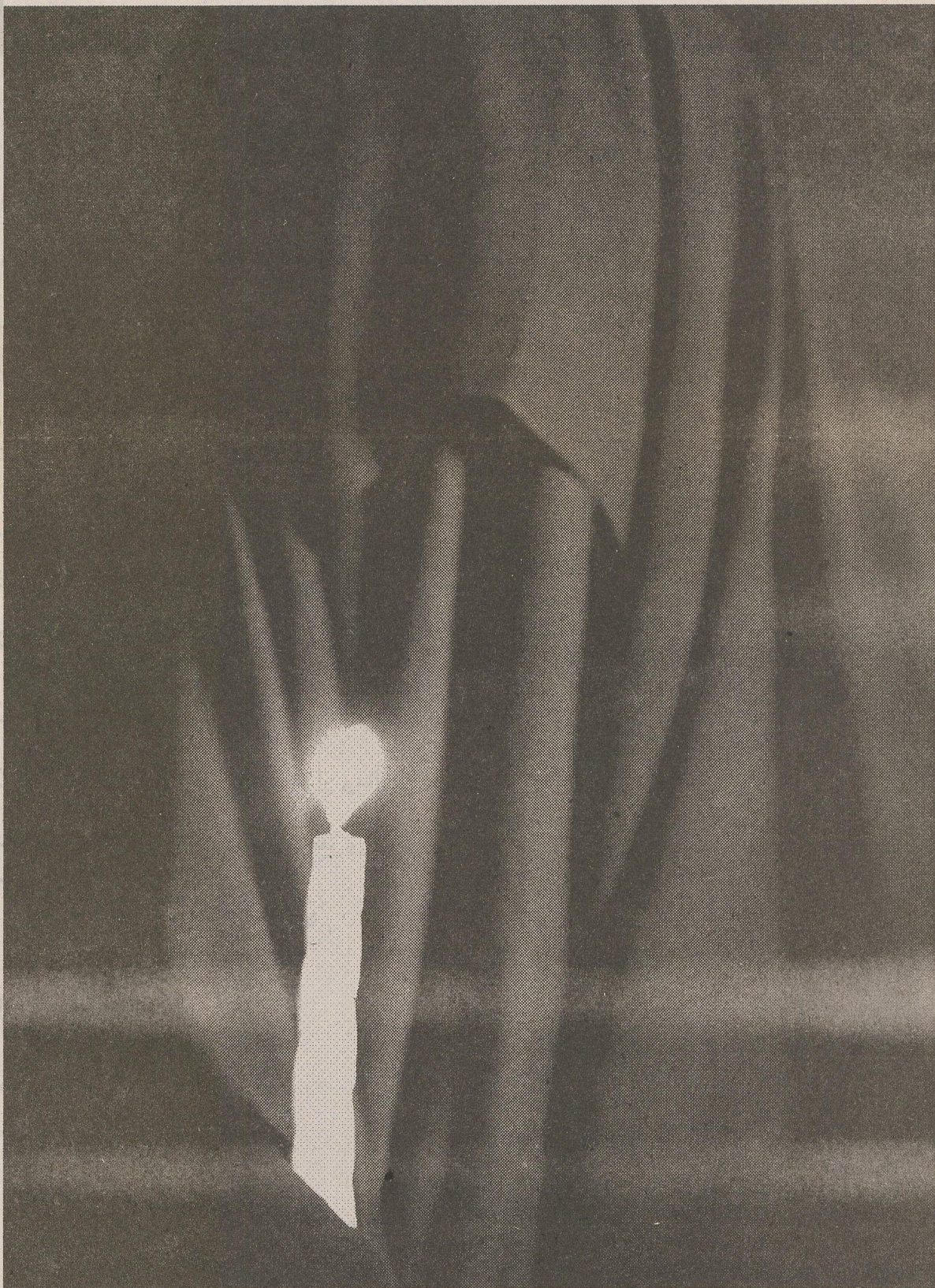
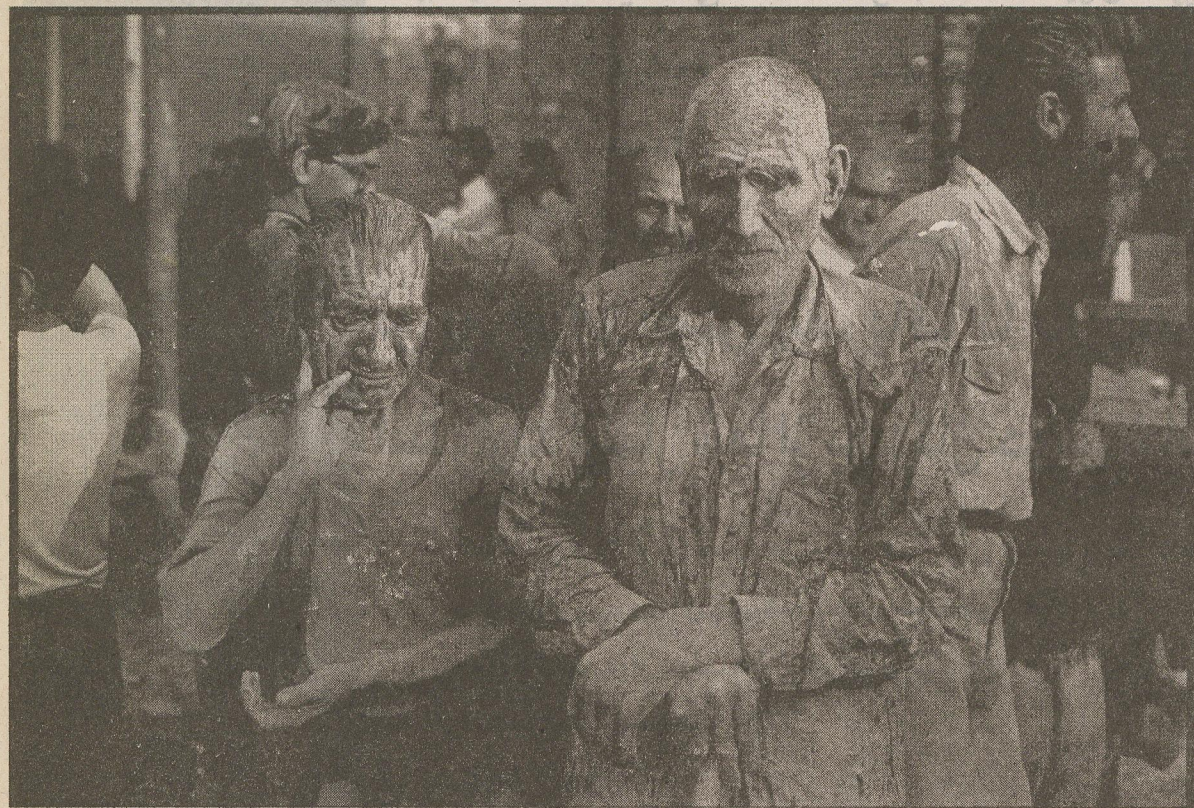
وجود احساس می کنند، گریه می خورد؛ کسی را که به خاطرش سیاه پوشیده اند، به نام می خوانند تا حرف های دل خود را به گوش آسمان برسانند. زنانی شمع به دست چهره می پوشانند و پای برهنه برای گرفتن حاجت به ۴۰ هیات عزاداری می روند و مردان سر و صورت خود را گل مالیده و در هیات های مختلف در مرکز شهر جمع می شود. جمشید بایرامی در سال ۱۳۴۰ در شهر تهران به دنیا آمد و عکاسی را از صحنه های جنگ ایران و عراق آغاز کرد وی برنده مدال طلای جشنواره پاکستان، سیمرغ بلورین جشنواره چهاردهم برای فیلم سلام سینما، دیپلم افتخار برای فیلم یک داستان واقعی، دبیر عکس روزنامه جامعه، توس و نشاط، و در حال حاضر به عکاسی مستند اجتماعی به صورت آزاد مشغول است. عکس برگزیده مجله لایف ۹۷ و عکس منتخب ماه می، ژوئن خبرگزاری فرانسه و برپایی نمایشگاه عکس ایران شناسی در دانشگاه آکسفورد و به زودی دو جلد کتاب عکس به نام از دریا تا دریا منتشر خواهد نمود.

روزگار، در غزای دختر پیامبر و همسر مولای مقتیان اشک می ریزد. حزن و اندوه و عزا و سوگ و ماتم، آیین های رایج ایام فاطمیه است. یادمان شهادت مظلومانه صدیقه طاهره هر سال در فاطمیه تجدید می شود با فرصتی برای عرض ارادت به والاترین زن عالم هستی، فاطمه مسند نشین عرش اعلا و سر سلسله معصومان و پاکان در چنین روزهایی به ملکوت پر کشید. مردم ما با این آیین ها همواره زیسته اند. انگار روح این مردم با آیین های ایرانی و اسلامی عین شده است. سرور و شادی، غم و اندوه خواهش و نیاز هریک به گونه ای در سنت ها جلوه می کنند و نهاد آدمی را به نمایش می گذارد. در روایت تصویری این هفته به دعوت حجت الهه سپهوند، یکی از عکاسان نشاط در ماه محرم سال ۷۸ به خرم آباد سفر کردم تا تصویرگر آیین های مذهبی مردم استان لرستان باشم. آیین سوگواری این مردم در ایام محرم گاهی با نیازها و خواشه های که در ژرفای



## آیین های سوگ معصومان

تهیه و تنظیم: گروه عکس نشاط





- موثر
- خوشبو
- قابل استفاده در انواع دستگاههای برقی



# پیف پاف

آرامش در خواب با قرص حشره کش پیف پاف

... باز هم خبرهای خوب شرکت شیمی قهرمان برای شما!  
و اینک دومین گروه از اسامی برندگان جوایز شرکت شیمی قهرمان



| نام         | نام خانوادگی | فرزند | نشانی                         | نوع جایزه          |
|-------------|--------------|-------|-------------------------------|--------------------|
| ۱. مهرانگیز | رضوانی       | صفر   | قم : خیابان ۱۹ دی             | ۱۰ عدد اسپری       |
| ۲. نادر     | ایزدخواه     | باقر  | قم : خیابان ۱۹ دی             | فرهنگ عمید         |
| ۳. منصور    | خلج          | جواد  | رشت : بازار ماهی              | سکه نیم بهار آزادی |
| ۴. مهشید    | محیط         | محسن  | کرج : خیابان طالقانی          | سکه بهار آزادی     |
| ۵. صغرا     | همدانی       | رسول  | کرج : سرآسیاب                 | هفتاد هزار ریال    |
| ۶. هوشنگ    | احمدی        | رستم  | تبریز : خیابان ارتش           | اطوی برقی          |
| ۷. رضا      | محسن زاده    | جلال  | تهران : ستارخان               | یخچال ۱۴ فوت       |
| ۸. جعفر     | ایلخانی      | رضا   | تهران : شریعتی                | موتور سیکلت        |
| ۹. سیروس    | فرخنده       | سهراب | تهران : خیابان جشنواره        | سرویس چای خوری     |
| ۱۰. محمد    | صادقی        | جمشید | تهران : خیابان خالد اسلامبولی | هفتاد هزار ریال    |
| ۱۱. حسن     | سهامی        | حسین  | قزوین : کوی دادگستری          | پتکه رومیزی        |

توزیع جوایز نفیس پیف پاف تا پانزدهم آبانماه ادامه دارد

امیدواریم اینبار شما از برندگان خوش شانس ما باشید

بهنگام خارج کردن قرص حشره کش پیف پاف از لایه آلومینیوم دقت کنید ممکن است نام یکی از جوایز زیر روی آن چاپ شده باشد و شما مصرف کننده محترم و با شخصیت یک یا چند یادگاری از شرکت شیمی قهرمان دریافت کنید .

• وجه نقد ( حداقل پنجاه هزار ریال )

• سکه بهار آزادی

• سری کتابهای ارزنده

• یکی از لوازم آشپزخانه پارس خزر

• یک محصول ارزنده از صا ایران

• یک محصول از شرکت سپهرالکترونیک

• یک سری از تولیدات کارخانه چینی حمید

• سری های مختلف از محصولات کارخانه تفلون ظرف ایران

• چند سری کامل از تولیدات شیمی قهرمان

• واکسن یادیسک من سونی

• ماشین لباسشویی

... و ده ها جایزه دیگر که بتدریج اعلان میشود .

قرص حاوی مشخصات جایزه را همراه با فتوکپی کارت شناسایی با نشانی دقیق خود و ذکر کد پستی

به یکی از دفاتر نمایندگی بهپخش در تهران و یا شهرستانها و یا مستقیما به نشانی دفتر تهران

شرکت شیمی قهرمان پست کنید .

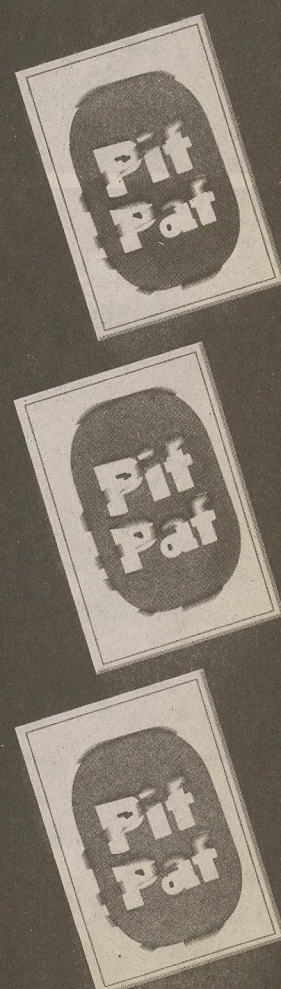
جایزه شما بلافاصله ارسال خواهد شد .

دستگاه برقی قرص پیف پاف

جدید



توزیع توسط شرکت بهپخش : ۷-۸۸۰۰۸۹۳ ۴-۸۸۹۷۳۵۱ دورنگار : ۸۸۰۴۷۸۶  
دفتر مرکزی : تهران ، میدان ونک ، خیابان برزیل ، خیابان نیلو ، نبش کوی ۸ ، شماره ۱  
شیمی قهرمان : ۸۷۷۸۰۵۵ دورنگار : ۸۷۸۱۹۴۴





# زهر ا شجاعی: از اندیشه بانوان در برنامه سوم استفاده شد

در برنامه سوم توسعه برخلاف برنامه‌های پیشین، کمیته‌های مختلف از اندیشه بانوان و کارشناسان امور زنان استفاده کردند.

زهر ا شجاعی گفت: در برخی از کمیته‌ها، مرکز امور مشارکت زنان به عنوان عضو اصلی و در برخی دیگر به عنوان کارشناس امور زنان عضویت دارند و حضور زنان در این کمیته‌ها موجب ارائه ۴۱ پیشنهاد و رهنمود کلی شد. رئیس مرکز مشارکت زنان نهاد ریاست جمهوری گفت: در برنامه اول هیچ‌گونه رهنمود خاصی در زمینه زنان وجود نداشت و این برنامه

## شهاب الدین صدر: داروسازان مسئول کمبود دارو نیستند

داروسازان مسئول کمبود دارو دانستن نهایت بی انصافی است اما داروسازان شریف جامعه ما به خاطر آنکه در ارتباط مستقیم با مردم و بیماران هستند از ناحیه این سوءتفاهم روزانه مشکلات جدی و ناراحت کننده‌ای را تحمل می کنند بدون آنکه در به وجود آوردن آن کوچکترین نقشی داشته باشند.

شهاب الدین صدر با بیان این مطلب در بیانیه‌ای به مناسبت روز داروسازی اضافه کرد: وقتی جامعه و بیماران با مشکل کمبود دارو مواجه می شوند فشار ناشی از این کمبود در اولین مرحله به قشر حتمکش داروساز منتقل می شود و چه بسا داروسازان را مسئول این کمبود قلمداد می کنند. رئیس سازمان نظام پزشکی افزود: امیدواریم با تمهیدات مسئولان اقتصادی، ارزی، سیاستگذاری، تولید و توزیع دارو هر چه زودتر این مشکل را برطرف کنیم تا هم مشکل مردم حل شود و هم خستگی از تن داروسازان شریف به درآید.

پنج شهریور سالروز تولد حکیم محمدن ذکریا ریازی به عنوان روز داروساز نام گذاری شده است.

# خانه «حاج قربان» کاشان به ثبت آثار ملی رسید

خانه تاریخی «حاج قربان» کاشان، مربوط به دوره قاجار که از چهار سال پیش به مرکز فرهنگی تبدیل شده است، در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید. این بنا در محله پشت مشهد شهرستان کاشان و در کناره بافت تاریخی دوره صفوی شکل گرفته و با مصالح ساده‌ای همچون خشت خام ساخته شده است. بدنه ایوان‌ها و زیرزمین‌ها شمشه گچ و اندود

کاھگل است. به گزارش روابط عمومی سازمان میراث فرهنگی کشور، ساختمان‌های اصلی این عمارت در بخش‌های جنوب و شرق محوطه ساخته شده و بخش شمال و غرب فاقد ساختمان بوده و فقط دورنماهای این

## انجمن بانوان حامی محیط زیست در لرستان تشکیل شد

انجمن بانوان حامی محیط زیست، دیروز در استان لرستان تشکیل شد.

مدیرکل محیط زیست استان لرستان هدف از تشکیل این انجمن را تلاش در جهت جلب مشارکت مردمی در حفظ و احیای محیط زیست و استفاده از توان عظیم و بالقوه نیروهای مردمی عنوان کرد. مرتضی فرید گفت: کمک بانوان در حفظ محیط زیست بسیار مؤثر است و بانوان علاقه مندان لرستانی با عضویت در این انجمن می توانند به حفظ محیط زیست این استان کمک شایانی کنند.

## متخلفان اقتصادی ۲۷۳ میلیارد ریال جریمه پرداخت کرده‌اند

از سال ۷۳ که سازمان تعزیرات حکومتی تأسیس شده است تاکنون ۲۷۳ میلیارد ریال جریمه از متخلفان اقتصادی وصول شده است. معاون طرح و برنامه سازمان تعزیرات حکومتی با اعلام این خبر افزود: از بدو فعالیت این سازمان تاکنون ۹۸ درصد از پرونده‌های وارده به این تشکیلات مورد رسیدگی قرار گرفته و مختومه شده است. «مجید بهزادپور» هدف سازمان تعزیرات حکومتی را تثبیت اوضاع اقتصادی ذکر کرد و گفت: ۵۴۴ شعبه سازمان در ۲۸ استان کشور وجود دارد. وی گفت: به لحاظ کیفیت بالای رسیدگی‌ها ۷۰ درصد آرا در مرحله تجدیدنظر مورد تأیید قرار گرفته است.

بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های جنسیتی تهیه شد.

شجاعی اظهار داشت: همچنین حدود یک هزار زن در مرکز تربیت معلم) انتصاب و ابقا سطوح مختلف مدیریتی طی ۲ سال اخیر (به استثنای مدیران مدارس و مرکز تربیت معلم) انتصاب و ابقا شدند. در همین حال حدود یک هزار و ۱۲۰ زن به عنوان اعضای اصلی و علی‌البدل در شوراهای اسلامی سراسر کشور انتخاب شدند که این آمار نشانگر حضور سازنده زنان در مشارکت‌های اجتماعی است.

وی که به مناسبت هفته دولت سخن می گفت، انتصاب سه زن به عنوان مشاور رئیس جمهوری، ۱۶

زن به عنوان مشاور وزیر، ۱۰۵ زن به عنوان مدیرکل یا معاون مدیرکل در دو سوم وزارتخانه‌ها، یک زن به سمت معاون حقوقی و مجلس زنان در ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کلان کشور ذکر کرد.

شجاعی گفت: اصلاح قانون حضانت از فرزندان، تصویب طرح محاسبه مهریه به نرخ روز، تشکیل کمیته ملی امحای خشونت علیه زنان و تدوین طرح ملی اقدام پیرامون رفع خشونت خانگی نسبت به زنان در مرکز امور مشارکت زنان، تأسیس مجتمع قضایی خانواده و تشکیل ۳۳۴ شعبه دادگاه خاص خانواده در کشور از اقدام‌هایی است که در جهت تحکیم بنیان خانواده انجام شده است.

## همکاری دانشگاه‌های تهران و توهوکوی ژاپن

رئیس دانشگاه توهوکوی ژاپن در دیدار با رئیس دانشگاه تهران خواهان ارتباط تنگاتنگ علمی دانشگاه‌های ایران و ژاپن شد. به گزارش روابط عمومی

دانشگاه تهران، هیرویوکی آبه، رئیس دانشگاه توهوکوی ژاپن هدف از دیدار دانشگاه تهران را انعقاد قراردادهایی در زمینه‌های تبادل استاد و دانشجو و نیز مطالعات و تحقیقات مشترک ذکر کرد.

اقلیت‌های دینی ایران روز ششم همراه برای تجلیل از رهبر قیدانقلاب در حرم مطهر ایشان گردهم می آیند.

به گزارش ایرنا، پس از نامگذاری ششمین روز از جشن‌های دهه میلاد امام خمینی به عنوان روز پیروان ادیان الهی،» رهبران اقلیت‌های دینی برپایی همایشی را به ستاد برگزاری یکصدمین سال میلاد پیشنهاد کرده‌اند.

## طرح «خانواده درمانی»، از ماه آینده اجرا می شود

طرح «خانواده درمانی» از وایل همراه در سطح ۱۰ استان کشور اجرا می شود.

معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور گفت: هدف از اجرای این طرح کاهش میزان طلاق است.

محمدعلی طالبی اضافه کرد: هم اکنون در استان‌های همدان، ایلام، خراسان، آذربایجان شرقی و خوزستان میزان طلاق بالا است.

وی همچنین نوید اجرای دو طرح دیگر را نیز داد و گفت: طرح آسیب‌های اجتماعی کودکان خیابانی در ۱۸ استان و طرح تکنیکهای مداخله در بحران‌های اجتماعی نیز امسال در ۹ استان کشور اجرا می شود.

بلوچستان کشف شد.

به گفته فرمانده ناحیه انتظامی سیستان و بلوچستان در چند عملیات جداگانه، علاوه بر کشف ۲۲ قبضه اسلحه در ۱۸ دستگاه خودروی سرقت شده دو نفر از اشرار به هلاکت رسیده‌اند و ۲۹ نفر از سارقان محور خاش – ایرانشهر نیز دستگیر شده‌اند.

کرج – باند جنوبی آزاد راه قزوین – کرج حد فاصل کارخانه آسفالت آبیگ تا پل ملارد، از روز هفتم تا دهم شهریور به مدت چهار روز از ساعت شش تا ۱۷ بسته است. به گزارش ایرنا، در این مدت رانندگان وسایط نقلیه می‌تواند از جاده قدیم کرج – قزوین تردد کنند. کشف بیش از ۶ تن مواد مخدر ایران‌شهر – ۶۳۵۰ کیلوگرم موادمخدر در یازده روز گذشته از قاچاقچیان استان سیستان و

## هو الباقی

همکار گرمی جناب آقای بهنام امینیان ما را نیز در غم خود شریک بدانید روزنامه نشاط

### اجتماعی



دبیر شورای عالی جوانان:

## هدف دولت اشتغال زایی برای جوانان است

بسیاری از مشکلات جوانان متولی خاصی ندارد و مرکز ملی جوانان می‌تواند با انجام اقدام‌های مناسب راه را برای مشارکت دستگاه‌های دولتی و غیردولتی در این زمینه بگشاید.

محمّد باقریان، دبیر شورای عالی جوانان با اعلام این مطلب افزود: «سازمان‌ها و دستگاه‌های مختلف باید در رفع مشکلات جوانان سهمی داشته باشند و ما از هر تلاشی برای رفع مشکلات جوانان استقبال می‌کنیم. مشکلات جوانان مسئله‌ای نیست که تنها بر عهده مرکز ملی جوانان

## همکاری دانشگاه‌های تهران و توهوکوی ژاپن

ایران داشت. وی همچنین در پاسخ به سئوالی مبنی بر نظر وی در مورد حادثه کوی دانشگاه گفت: «ما هم در دانشگاه‌ها مان از این نوع حرکت‌ها و برخوردها فراوان داریم و جریانات دانشجویی ما نیز همواره سیاسی است که در طول ایام وجود دارد و من از ریشه جریانات دانشجویان ایرانی آگاهی ندارم.»

در سال امام برگزیدگان کتاب کودک معرفی می شوند بهترین کتابهای شعر و داستان ویژه کودکان و نوجوانان که در بیست سال گذشته با موضوع انقلاب اسلامی و امام خمینی معرفی می شوند.

به گزارش روابط عمومی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، مراسم انتخاب بهترین کتابهای شعر و داستان با موضوع «انقلاب اسلامی» و «امام خمینی» به مناسبت صدمین سالگرد میلاد بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و همزمان با برگزاری هشتمین جشنواره کتاب کودک و نوجوان این کانون برپا می شود.

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از نویسندگان، شعرا و ناشرانی که در بیست سال گذشته «تا پایان سال ۷۷» کتابهایی با موضوع «انقلاب اسلامی» و زندگی امام خمینی برای کودکان و نوجوانان منتشر کرده‌اند، دعوت کرد دو نسخه از آثار خود را تا پایان شهریورماه برای شرکت در مراسم انتخاب کتاب به دفتر جشنواره کتاب کودک و نوجوان واقع در ساختمان مرکزی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ارسال کنند.

# جامعه علمی از خدمات علی شریعتمداری تجلیل کرد

دکتر علی شریعتمداری، اولین وزیر فرهنگ و آموزش عالی کشور در مراسم ویژه‌ای از سوی جامعه علمی و دانشگاهی کشور مورد تقدیر قرار گرفت.

در مراسمی که به مناسبت تقدیر از خدمات ۵۰ ساله شریعتمداری برگزار شد، وی در حضور روسای دانشگاه‌های کشور و روسای فرهنگستان‌های علوم اظهار داشت: من خود را به نظام و مملکت بدهکار می‌دانم و بزرگترین افتخار من خدمت به جامعه‌ای است که با نهضت مقدسی به رهبری امام‌ره بنیان گذاشته شد.

عضو شورای انقلاب فرهنگی افزود: کشور نیازمند خدمتگزاران جامعه علمی است و همه باید صادقانه سلیقه‌های شخصی را کنار گذاشته و مصلحت نظام را در نظر بگیریم.

در این مراسم با تقدیم لوح تقدیر و هدایایی از سوی جامعه علمی کشور از خدمات دکتر شریعتمداری تجلیل به عمل آمد.

## معین: برگزاری هفته دولت نشانه تجلیل از خدمت به مردم است

وزیر فرهنگ و آموزش عالی در نخستین روز از هفته دولت در دیدار اعضای شورای اجرایی خانه کارگر گفت: «هفته دولت تجلیل از خدمت به مردم و ایثارگری است.» دکتر مصطفی معین با گرامیداشت یاد دولتمردان شهید رجایی و بهائهر اظهار داشت: فلسفه اصلی بزرگداشت هفته دولت تجلیل از خدمت به مردم و جامعه تا سرحد ایثار و شهادت است که اصلی‌ترین شاخص ارزشگذاری در مکتب پیامبران الهی است.

وزیر فرهنگ و آموزش عالی و گسستگی‌های نگرشی و رفتاری میان دولت و ملت در جامعه از جمله نتایج بزرگداشت هفته دولت است. وزیر فرهنگ و آموزش عالی در دیدار اعضای خانه کارگر، وجه مشترک کارگران، دانشجویان و دانشگاهیان را خاستگاه اجتماعی، محوریت فکری و تولیدی، عدالت طلبی، آزادگی و منزلت معنوی دانست و نقش آنان را در دفاع از ارزشهای دینی و انقلابی منحصر به فرد برشمرد.

معاون پرورشی آموزش و پرورش: خشونت نتیجه نا آشنایی با حقوق جامعه است

معاون پرورشی وزارت آموزش و پرورش گفت: «آشنا نبودن جامعه به حق و حقوق خود، زمینه‌ساز به وجود آمدن روحیه خشونت و قهر است» رحیم عبادی دیروز در مراسم هشتمین دوره آموزش مدرسان واحد پرورشی دوره متوسط با اشاره به گسترش روحیه خودمحموری و تملق در جامعه افزود: «جایگزینی فرهنگ مصونیت به جای فرهنگ محدودیت و احیای بسیاری از اصول و ارزش‌های اخلاقی در بستر نظام آموزش و پرورش تحقق پیدا می‌کند.»

وی هدف از ایجاد واحد پرورشی در دوره متوسطه را تأکید بر پرورش اجتماعی و بهبود کیفیت پرورش اعلام کرد. به گفته عبادی، واحد پرورش پس از نیازسنجی ادبیات حاکم بر آموزش و پرورش و توجه به خلأها و نیازهای نظام متوسطه ایجاد شده است.

مالکین محترم تهران و شهرستانها:

لطفاً برای فروش یا اجاره ملک خود تا ۱۴ شب با تلفن ۸۷۹ ۴۲ ۷۰ تماس حاصل فرمائید.

۲۰۳۳

اجاره آپارتمان

شریعتی سهیل

۱۴۵ متر ۳ خوابه  
با تمام امکانات رفاهی  
۸۷۴ ۷۴ ۷۴ حسین زاده

پارک ملت

۲۵۰ متر ۴ خوابه  
نوساز هال اختصاصی  
آشپزخانه فورمات استخر  
سونا جکوزی  
۸۷۷ ۲۲ ۱۱ وحید

سید خندان

خواجه عبدا...  
۲۲۰ متر ۳ خوابه  
تکواحدی طبقه ۳ بدون  
مالک پارکینگ انباری  
۸۷۴ ۷۴ ۷۴ آرمان

فرشته

۲۲۰ متر ۳ خوابه  
کف پارکت تکواحدی  
۸۷۷ ۲۲ ۱۱ شیرازی

ونک

۳۷۰ متر ۴ خوابه  
کف سنگ آشپزخانه نف  
در ۲ طبقه بنا  
۸۷۷ ۲۲ ۱۱ اکبری

فرشته

۱۰۰ متر ۲ خوابه  
نوساز بدون مالک  
رهن کامل  
۸۷۴ ۷۴ ۷۴ سیادت

اکازیون نوساز

عباس آباد

۷۰ متر ۱ خوابه  
کف سرامیک  
۸۷۷ ۲۲ ۱۱ سوری

دروس

اکازیون واقعی

۱۲۷ متر ۲ خوابه  
در ۲ واحد  
۸۷۴ ۷۴ ۷۴ منافی

فروش آپارتمان

سعادت آباد

اکازیون  
۱۲۵ متر ۳ خوابه  
تخلیه آماده محضر  
۸۷۴ ۷۴ ۷۴ ازغندی

منطقه داودیه

۱ واحد از ۲ واحد  
۲۷۰ متر ۳ خوابه  
در ۶۰۰ متر زمین آماده  
فروش  
۸۷۴ ۷۴ ۷۴ معاوی

یوسف آباد

۱۸۰ متر ۳ طبقه تکواحدی  
تلفن پارکینگ انباری  
فوری فروشی متری ۲۰۰  
هزار  
۸۷۷ ۲۲ ۱۱ شریفی

اکازیون واقعی

ولیعصر

روبروی پارک سعای  
۱۲۵ متر ۳ خوابه  
۸۷۷ ۲۲ ۱۱ دستگیر

شهروردی شمالی

آبادانا بسیار لوکس

۲۳۰ متر ۴ خوابه  
با امکانات ۵۶ میلیون  
۸۷۴ ۷۴ ۷۴ رضانی

عباس آباد

در بهترین منطقه عباس  
آباد اندیشه ۲ غربی  
آپارتمانی ۵ طبقه ۲ واحدی  
حدود ۱۰۰ متر در طبقه ۲ با  
کلیه امکانات رفاهی بعثت  
مسافرت فوری فروشی  
۸۴۲ ۵۲ ۷۸

میرداماد

۱۶۵ متر ۳ خوابه نوساز  
تلفن پارکینگ انباری  
۲ آسانسور  
۸۷۷ ۲۲ ۱۱ کیارستمی

نگینی بر فراز

فرمانیه

۴۵۰ متر ۴ خوابه  
۴ سرویس ۴ آسانسور  
استخر سونا جکوزی ۲۰٪  
زیر قیمت منطقه  
۸۷۷ ۲۲ ۱۱ کیارستمی

پونک

۱۳۰ متر ۳ خوابه در ۶۴۰  
متر زمین با کلیه امکانات  
رفاهی زیرقیمت فوری به  
فروش می رسد  
۸۰۱ ۰۱ ۰۱ باقری

فروش دفتر کار

مطهری

۷۰ متر ۱ اتاق  
بازسازی اساسی و ۱۰۰٪  
فوری فروشی  
۸۷۴ ۷۴ ۷۴ عینی

آرژانتین

نگین تهران

مناسب مدارس و  
مؤسسه  
۷۰۰ متر زمین ۲/۵ طبقه  
۱۰ اتاق سالن و تراس  
بزرگ و سرویس با دید  
کامل میدان فقط به قیمت  
زمین فوری فروشی  
۸۷۷ ۲۲ ۱۱ روزبه

در بهترین نقطه

ستارخان

۶۰ متر ۱ اتاق به قیمت  
رسیده فوری فروشی  
۸۰۱ ۰۱ ۰۱ رامین

هفت تیر

۶۴ و ۶۰ متر ۱ اتاق نوساز  
با امکانات متریال عالی  
۸۷۴ ۷۴ ۷۴ عینی

فروش منزل

اکازیون ستارخان

۱۹۰ متر زمین ۲۵۰ متر بنا  
دو بر با امکانات رفاهی  
۳۸ میلیون  
۸۰۱ ۰۱ ۰۱ باطنی

پاسداران

یکی از بهترین فرعیها  
۷۲۰ متر زمین بر ۱۸  
۲/۵ طبقه  
بنا حدود ۹۰۰ متر  
۸۷۴ ۷۴ ۷۴ عبدالعلی

شهرستانها

اکازیون

ساحل دریای خزر

زیر قیمت

ویلای ساحلی

طرح اسپانیاش

بین پالوس و تنکابن  
منطقه عباس آباد  
۳۷۵۰ متر زمین  
۴۰۰متر بنا دوبلکس ۴ خوابه  
با سالن و ناهارخوری  
شوینده شوفاژ کف  
سرامیک دور تا دور بالکن  
دارای سه سرویس  
ایرانی و فنرئو آب برق  
چاه با موحط سازی کامل  
و زیبا بانضمام ۱۰۰ متر  
ساختمان سراینداری  
۸۷۹ ۴۲ ۷۰ نوید

اصفهان

منزل ویلانی واقع در  
خیابان امام خمینی با  
امکانات کامل ۲۲۰ متر  
زمین و ۲۴۰ متر بنا فوری  
فروشی یا معاوضه با  
آپارتمان تهران  
قیمت مقطوع ۱۹/۵ میلیون  
تهران بعداظهر  
۵۸ ۰۷ ۲۵۴

ورسک

آتهایی که به

آرامش فکر میکنند

۶۰۰ متر زمین ۲۰۷ متر بنا  
۳ خوابه ۲ حمام شوفاژ  
با قیمت اکازیون  
۲۷۰۹۲ - ۰۱۱  
۱۹۲ ۷۹۱ تهران

مالکین محترم

مورد نیاز اجاره

ویلا و آپارتمان شما را  
برای اجاره به  
مستاجرین مناسب  
ایرانی و خارجی  
نیازمندیم.  
۸۷۹ ۴۲ ۷۰ خانم مصطفوی

مورد نیاز فروش

مالکین مناطق

عباس آباد، آفریقا

میرداماد، پاسداران

زعفرانی، نیاوران

فرمانیه

اگر قصد فروش ملک  
خود اعم از آپارتمان، ویلا  
و ... را دارید، از  
شبکه گسترده خدمات  
استفاده فرمائید.  
بانکهای اطلاعات املاک

۸۵۰ و ۲۲۴

۸۷۹ ۴۲ ۷۰ خانم مصطفوی



# شرکت توانیر ۱۴۰ میلیارد تومان از بخش‌های خصوصی و دولتی طلبکار است

گروه اقتصادی - حدود ۱۴۰ میلیارد تومان مطالبات معوقه شرکت توانیر است که از این میزان بیش از ۷۰ میلیارد تومان آن به بخش دولتی اختصاص دارد.

به گزارش خبرنگار ما محمد ملاکی معاون وزیر نیرو و مدیر عامل شرکت توانیر دیروز در جمع خبرنگاران با بیان این مطلب افزود: در ایام هفته دولت بیش از هزار طرح صنعت برق در سراسر کشور افتتاح و بهره برداری از آنها آغاز می شود.

وی گفت: در این هفته (هفته دولت) ۷۶۹ روستا در اقصی نقاط کشور و جمعاً حدود ۲۰ هزار

## ۲۵۰ میلیارد ریال تسهیلات بانکی به مقاوم سازی مسکن روستایی اختصاص یافت

گروه اقتصادی - سالانه به منظور مقاوم سازی واحدهای مسکونی روستایی در سطح کشور ۲۵۰ میلیارد ریال تسهیلات بانکی در اختیار روستائیان قرار می گیرد. احمد پاکزاد مدیر روابط عمومی بنیاد مسکن به ستاد خبری هفته دولت گفت: در سال گذشته ۴۰۰ میلیارد ریال تسهیلات بانکی در بخش مسکن، کشاورزی، معیشت و تهیه ماشین الاتی که بر اثر سوانح آسیب دیده بودند، اختصاص یافت.

وی افزود: از رقم مذکور ۲۸۰ میلیارد ریال تسهیلات بانکی جهت بازسازی ۳۵ هزار واحد مسکونی در کشور که بر اثر سیل، زلزله و سایر سوانح طبیعی آسیب دیدند، صرف شد. وی گفت: این نهاد در ۶۰ درصد از مساحت کل کشور مربوط به عرصه های روستایی و عشایری کشور، فعال است.

پاکزاد افزود: بنیاد مسکن در نمودار سازمانی دولت قرار ندارد، اما در کنار دولت و همراه با آن در خدمت آحاد جامعه است. وی در زمینه فعالیت های بنیاد مسکن در سطح کشور گفت: در قالب مسکن شهری (طرح تأمین مسکن از حساب ۱۰۰

## ظرفیت تولیدات غذایی و بهداشتی دو برابر نیاز کشور است

گروه اقتصادی - با ظرفیت سازی های انجام شده در کشور در حال حاضر ظرفیت تمامی تولیدات غذایی، بهداشتی تا دو برابر نیاز کشور است. و در این تولیدات مزاد و جود دارد.

محمد مهدی پارساپور مدیر کل صنایع غذایی و دارویی وزارت صنایع در گفت و گو با خبرنگار ستاد خبری هفته دولت گفت: با وجود کاهش سهمیه ارز تخصیصی به این اداره در حد ۱۵ درصد در سال گذشته به دلیل کاهش قیمت نفت با تهییدات انجام شده در نحوه خرید مواد اولیه، تولید محصولات این بخش با افزایش روبه رو شد.

وی افزود: سال گذشته تولید روغن نباتی با ۲۳/۵ درصد رشد نسبت به سال ۷۶ به یک میلیون تن رسید که یک رکورد تولید این محصول در کشور محسوب می شود و تولید انواع پودر شوینده، نیز با ۲۰ درصد رشد نسبت به سال ۷۶ به حدود ۲۹۰ هزارتن رسید.

در گفت و گو بهر چند تغییر نرخ ارز تخصیصی به واحدهای تولیدی از شاور به واریزنامه ای و ضرورت استفاده آنها از ارز واریزنامه ای برای تأمین مواد اولیه باعث کمبود نقدینگی برای تولیدکنندگان محصولات غذایی و بهداشتی شد، اما ایجاد سیاست های تشویقی و انگیزه های تولید مانع از کاهش تولید در عموم محصولات شد و سال گذشته با هیچ کمبودی در این بخش مواجه نبودیم.

پارساپور با اشاره به اینکه محدودیت منابع، تأمین برخی از مواد اولیه محصولاتی نظیر روغن، شکر و شوینده ها به صورت سهمیه ای اختصاص می یابد، افزود: سیاست های وزارت صنایع، فضایی را ایجاد کرد که در آن مواد اولیه به راحتی و به هر میزانی که واجد ها نیاز دارند در اختیار آنها قرار گیرد.

وی در همین ارتباط از حذف سیستم سهمیه بندی نام برد و گفت: در این ارتباط با واردات ۲۰۰ هزارتن شکر توسط وزارت بازرگانی، نیاز صنوف صنعتی به این محصول به طور کامل تأمین و برای تأمین و تدارک بقیه اقلام سهمیه بندی به میزانی که واجد ها نیاز دارند، بر نامه ریزی لازم با سایر ارگان های مربوطه انجام شده است.

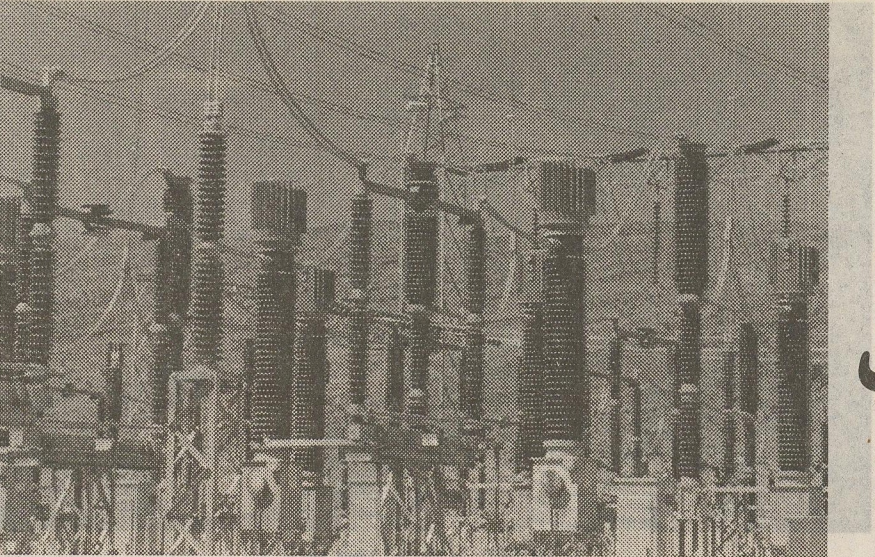
وی تصریح کرد: با موافقت شورای اقتصاد و تصویب کمیسیون های مربوطه در مجلس شورای اسلامی سال گذشته با واردات ۵۰۰ هزارتن شکر خام به جای شکر سفید و همچنین ۲۵۰ هزارتن دانه روغنی به جای روغن خام و کنجاله موافقت شد که این اقدام علاوه بر فعال ساختن کارخانه های قند و صرفه جویی ارزی، سبب ایجاد اشتغال در طول سال برای این صنعت بزرگ و قدیمی کشور شد.

وی گفت: از محل تولید مواد اولیه مورد نیاز و همچنین افزایش تولید صنایع غذایی و دارویی کشور سال گذشته ۲۳۸ میلیون دلار صرفه جویی ارزی عاید کشور شد.

وی اضافه کرد: همچنین با اتخاذ سیاست خرید انبوه و رقابتی برای این دسته از مواد اولیه وارداتی، حدود ۱۴ میلیون دلار ارز در خرید مواد اولیه صرفه جویی ارزی عاید کشور شد.

وی گفت: امسال نیز اجازه واردات ۵۰۰ هزارتن شکر خام و ۴۰۰ هزارتن دانه روغنی به تولیدکنندگان داخلی داده شده است.

وی گفت: برای تأمین مواد اولیه روغن نباتی، پودر شوینده و شکر امسال حدود ۱۸۰ میلیون دلار ارز شاور به این اداره کل اختصاص یافته است که با توجه به هماهنگی های انجام شده و براساس برنامه زمان بندی اسناد، به تدریج به بانک مرکزی ارسال خواهد شد تا به موقع نسبت به صدور فیش اقدام شود و خللی در تولید بروز نکند.



اردبیل، مازندران، هرمزگان، همدان، تهران و مرکزی خوانند و تعداد ۷۰۱ روستا به وسیله وزارت نیرو و ۶۸ روستا به وسیله جهادسازندگی برق رسانی می شود.

وی اضافه کرد: هزینه طرح های انجام شده به وسیله وزارت نیرو ۱۵۰ میلیارد ریال است که با بهره برداری از این طرح ها مجموع روستاهایی که طی دو سال اخیر برق دار شده به سه هزار و ۷۹۶ روستا رسیده است. وی از دیگر طرح های اجرایی در هفته دولت را بهره برداری از ۹ پست ۲۳۰ کیلوولت در استان های

## ۲۵ درصد از زمان آغاز اجرای طرح بهسازی مسکن روستایی در سال ۷۴ تا پایان سال گذشته نزدیک به ۹۲ هزار خانوار روستایی به بانک معرفی شدند که عملیات ساختمانی بیش از ۵۵ هزار واحد مسکونی به اتمام رسیده است.

وی گفت: از زمان آغاز اجرای طرح بهسازی مسکن روستایی در سال ۷۴ تا پایان سال گذشته نزدیک به ۹۲ هزار خانوار روستایی به بانک معرفی شدند که عملیات ساختمانی بیش از ۵۵ هزار واحد مسکونی به اتمام رسیده است.

ملاکی در پاسخ به سئوال

## مدیرکل نساجی و پوشاک وزارت صنایع ۲۵ درصد از واحدهای نساجی احتیاج به بازسازی دارند

گروه اقتصادی - مدیرکل نساجی و پوشاک وزارت صنایع گفت: ۱۲۰ میلیارد ریال اعتبار امسال برای بازسازی و نوسازی صنایع نساجی کشور اختصاص یافت.

گلنار نصراللهی روز چهارشنبه افزود: حدود ۲۵ درصد واحدهای نساجی کشور نیاز به

## شیوه‌های برخورد با تخلفات در حمل و نقل بین‌المللی مسافر اعلام‌شد

گروه اقتصادی - دستورالعمل اجرایی نحوه برخورد با تخلفات احتمالی شرکت‌ها و مؤسسات مسافربری بین‌المللی جاده‌ای در سازمان حمل و نقل و پانه‌های کشور تصویب شد.

به گزارش روابط عمومی سازمان حمل و نقل و پانه‌های کشور، تخلفات مفاداین نامه تأسیس و فعالیت شرکت‌ها و مؤسسات مسافربری بین‌المللی جاده‌ای، حسب دفعات و مراتب تخلف موجب محرومیت شرکت حمل و نقل، رانندگان و خدمه سفر از سهمیه‌های تخصیصی وزارت راه و ترابری می‌شود. این دستورالعمل با مشارکت اعضای صنف حمل و نقل بین‌المللی و در اجرای ماده ۲۳ و فصل پنجم این نامه تأسیس و فعالیت شرکت‌ها و مؤسسات مسافربری بین‌المللی جاده‌ای تدوین شده است. دستورالعمل یاد شده که اجرای آن از

رایانگان فردا

حسابداری

یار نرم افزاری حسابداری

برای بازرگانان موفق و مدیران فردا

فقدان تخصص = مظلومیت / آرزو ناپز = آسایش

تحت Dos , 95 - Windows

آموزش رایگان و گارانتی یکساله

حسابداری دویل ریالی و ارزی

خرید و فروش

کنترل چک - مغایرت بانکی

انبار و تولید و قیمت تمام شده

پروژه ها و مراکز هزینه

صور فاکتور و مشتریان

فیلم آموزشی

زیر نظر :

Microsoft Certified Professional

2014

محصول رایانگان فردا با ۱۵ سال سابقه

تلفن : ۸۷۴۶۲۹۴

گروه اقتصادی - در برنامه سوم توسعه ایجاد سه میلیون و ۷۰۰ هزار شغل پیش بینی شده است که از این میزان یک میلیون و ۴۸۰ هزار شغل (۴۰ درصد) باید در مناطق روستایی ایجاد شود.

به گزارش خبرنگار ما، علی روح الامین معاون عمران و صنایع روستایی وزارت جهاد سازندگی دیروز در جمع خبرنگاران با بیان مطلب بالا گفت: سال گذشته در زمینه شغل و صنایع دستی ۱۴ هزار و ۴۴۷ نفر در صنایع روستایی هفت هزار و ۲۶۸ فرصت شغلی ایجاد شد و امسال بیش بینی می شود با تکمیل و بهره برداری از ۸۵۰ طرح نیمه تمام صنایع

ملاکی در پاسخ به سئوال

معاون امور برق وزارت نیرو اعلام کرد: ظرفیت نصب شده نیروگاه های ایران از ابتدای شهریور ۷۶ تاکنون حدود ۱۵۰۰ مگاوات افزایش یافته و به بیش از ۲۳ هزار مگاوات رسیده است.

ملاکی وضعیت صنعت برق را در سال ۷۹ مانند امسال پیش بینی کرد و افزود: با به مدار آمدن واحد اول نیروگاه های برق آبی کرخه، مسجدسلیمان و طرح توسعه شهید عباسپور در سال ۱۳۸۰، وضعیت صنعت برق کشور بهبود می یابد.

معاون امور برق وزارت نیرو میزان سرمایه گذاری در صنعت برق کشور را در سال جاری ۷ تریلیون ریال پیش بینی کرد.

ملاکی در پاسخ به سئوال

۶۰۰ واحد در کشور در زمینه پوشاک و نساجی با ۵۰۰ هزار نفر فعالیت می کنند. وی اضافه کرد: طی بیست سال گذشته در صنعت نساجی کشور بیش از دومیلیارد دلار سرمایه گذاری شده است. مهندس «نصراللهی» میزان تولید واحدهای نساجی را ۸۵۰

به رانندگان اصلی و کمکی و خدمه سفر، قاجاق ادوات نظامی، خارج کردن غیرمجاز افراد و میراث فرهنگی از کشور، حضور در تصافت های رانندگی منجر به و شدت مجازات مرتبط با هر نوع تخلف را نیز تعیین کرده است. در این دستورالعمل در بخش مربوط

## جمهوری آذربایجان قرارداد احداث خط لوله گاز ترانس خزر را امضا نمی کند

گروه اقتصادی - جمهوری آذربایجان برای امضای قرارداد احداث خط لوله گاز ترانس خزر آمادگی ندارد. به گزارش خبرگزاری جمهوری آذربایجان، شرکت نفت دولتی این کشور «اسوکار» در هفته گذشته نسبت به امضای این قرارداد ابراز تردید کرده بود. الهام علی اف پسر رئیس جمهور آذربایجان و معاون اول سوکار اعلام کرد که ترکمنستان در طرح خط لوله گاز ترانس خزر باید با آذربایجان باکو در حال حاضر آمادگی امضای این قرارداد را ندارد.

وی گفت: تاکنون مشخص نشده که باکو در این طرح در چه سطحی مشارکت خواهد کرد و شروط انتقال گاز

## هیات مؤسس و دست اندرکاران محترم انجمن دفاع از آزادی مطبوعات توله یکی دیگر از نهادهای جامعه مدنی را تبریک میگویم و موفقیت شما در دفاع از آزادی مطبوعات از خداوند خواهیم انشالله به جناح گرائی نهادهای مشابه مبتلا نشوید .

حسین کاشانی - مدیر مسئول نشریه توقیف شده هویت خویش

۱۳۸۲

در برنامه سوم توسعه

## یک میلیون و ۴۸۰ هزار شغل در مناطق روستایی ایجاد می شود

روستایی برای ۱۰ هزار نفر اشتغال ایجاد شود. وی افزود: همچنین در سال جاری با صدور جواز برای هزار واحد جدید که طرح های زودبازده هستند برای ۲۰ هزار نفر فرصت شغلی ایجاد خواهد شد.

وی در خصوص اقدامات این معاونت گفت: در سال گذشته با اعتباری بالغ بر ۱۰۰ میلیارد تومان برق رسانی ۶۶۲ روستا، ۳۵۸ روستا، بهسازی ۴۳ روستا، احداث راه روستایی ۲۶۰۴ کیلومتر، آسفالت راه روستایی سه هزار و ۴۲۳ کیلومتر، ایجاد نواحی صنعتی ۱۳ ناحیه، آموزش قالیبافان ۵۷۷ نفر، تکمیل

روستایی برای ۱۰ هزار نفر اشتغال ایجاد شد. وی افزود: همچنین در سال جاری با صدور جواز برای هزار واحد جدید که طرح های زودبازده هستند برای ۲۰ هزار نفر فرصت شغلی ایجاد خواهد شد. وی برق دار کردن چاه های آب کشاورزی به تعداد سه هزار و ۳۰۰ حلقه چاه، تکمیل نیروگاه آبی کوچک و بنادی ۸ واحد، برق رسانی ۷۰۰ روستا، بهسازی ۳۸۰ روستا از اهداف امسال دانست.

ملاکی در پاسخ به سئوال

## قیمت انواع نفت خام صادراتی ایران ۵/۲۶ درصد افزایش یافت

غنیمی فرد درخصوص نفت ایران درخصوص تحقق بودجه سال جاری در بخش درآمدهای نفت تصریح کرد: «با وضعیت فعلی قیمت‌ها در بازار نفت که بالاترین قیمت در طول ۲ سال گذشته است، تحقق بودجه امکان پذیر است و امیدواریم با تصمیمات اتخاذ شده حتی رقمی بیش از بودجه پیش بینی شده در بخش فروش نفت به خزانه دولت واریز شو».

وی گفت: «افزایش درآمد نفت به رغم تولید کمتر از کاهش تواقف شده در اجلاس وزرای اوپک حاصل شده که در نتیجه آن ایران به منظور پایبندی به تعهدات خود از سقف صادرات خود کاسته است و در ماه های آتی نیز افزایش نخواهد داد».

## حال کشیش ربوده شده اسپانیایی رضایت بخش نیست

بقیه از صفحه اول- خبر داده بود که مسئولان امنیتی از سوی یک رابط، داروهای مورد نیاز وی را به گر و گانگیران تحویل داده بودند. اما خبرنگار نشاط از اسپانیا گزارش می دهد که خانواده فرناندز این خبر را تکذیب کرده اند. خواگین فرناندز که ۷۰ ساله و کشیش است، به همراه دو اسپانیایی و یک ایتالیایی برای رویت کسوف روز بیستم مردادماه به ایران سفر کرده بودند و پس از بازدید از اصفهان به کرمان رفته بودند که در آنجا از سوی یک گروه قاچاقچی ربوده شدند.

ربایندگان که از طایفه شه بخش هستند در قبال آزادی فرناندز و ۳ جهانگرد اروپایی دیگر تقاضای آزادی «قادر شه بخش» و «حسین خانی فرهانی» و تحویل اجساد پنج عضو گروه خود را کرده اند. این افراد در یک درگیری بین نیروهای امنیتی ایران و قاچاقچیان مواد مخدر کشته و دستگیر شده اند. ایراندخت صادقی وند خبرنگار نشاط از مادرید نیز گزارش می دهد که وزارت خارجه و رسانه های اسپانیا با بردباری، موضوع را پیگیری می کنند.

به گزارش خبرنگار نشاط مقامهای اسپانیایی تلاش دارند از بروز هرگونه تشنج و ایجاد التهاب در روابط دو کشور جلوگیری کنند. روزنامه «ال پایس» نیز در گزارشی نوشته است: «وزارت اطلاعات ایران کنترل و پیگیری ماجرای گروه گانگیری کرمان را در دست گرفته و این بدان جهت است که مسئولان این وزار ترخانه نفوذ زیادی در میان ریش سفیدان طایفه شه بخش دارند».

A.F.P نیز در گزارشی نوشت: «نیروهای دولتی ایران روز سه شنبه برای بازپس گیری گروه گان ها با یک عملیات ویژه و تشکیل ملث امنیتی، منطقه استقرار گروه گانگیران را محاصره کرده اند. A.F.P اضافه کرد: «مذاکرات وقتی به بن بست خورد که شه بخش ها فهرست جدیدی از خواسته های خود را تسلیم وزارت کشور کردند». A.F.P گزارش می دهد که کاردار اسپانیا در تهران به روزنامه های اروپایی در مادرید گفته است: «هنوز توافق کامل برای آزادی گروه گان ها به دست نیامده است».

وی همچنین گفته است: «ما هر چند در وضعیت بحرانی قرار داریم

اما نمی خواهیم راه های مذاکره را مسدود کنیم».

خبرنگار نشاط از اسپانیا گزارش می دهد که دفتر سیاسی وزارت خارجه اسپانیا روز گذشته در گفت و گویی با روزنامه «ال موندو» اعلام کرد که هیچ خبری از وضعیت گروه گان اسپانیایی دریافت نکرده اند. ویکتوریا توره، مسئول بخش بین الملل روزنامه ال موندو نیز در گفت و گو با خبرنگار نشاط گفت: «خانواده خواگین فرناندز خبر چاپ شده در روزنامه تهران تایمز مبنی بر ارسال دارو از اسپانیا برای فرناندز را تکذیب کرده اند».

۴ گروه گان دیگر که به همراه خواگین فرناندز ۷۰ ساله ربوده شده اند شامل پدرو گارسا ۳۷ ساله و مهندس کامپیوتر، کوزه پوتر ۵۷ ساله و کشیش، ماسیمو کاتابریکا مهندس ساختمان و ۳۷ ساله و یک راهنمای تور ایرانی به نام رحمت الله سلیمانی هستند.

سکه و طلا

(۳ شهریور)

یک سکه تمام بهار آزادی

۵۶۳۰۰۰

یک سکه نیم بهار آزادی

۳۱۵۰۰۰

یک سکه ربع بهار آزادی

۱۶۵۰۰۰

یک گرم طلای ۱۸ عیار

۵۶۸۰۰

یک مثقال طلای ۱۷ عیار

۲۵۰۰۰۰

به گزارش خبرنگار ما دیروز هر دلار آمریکا

در بازار غیررسمی برابر ۸۹۸۰ ریال معامله شد...

نشاط

اشتراک می پذیرد

۲۰۱۳۳۷۳



# فردا، باید بهترین چهره استقلال را دید



هیچ کس نمی داند یا نمی تواند بگوید که استقلال با کسب نایب قهرمانی باشگاه های آسیا در فصل گذشته با موفقیت به کار خود پایان داده بود و یا به لحاظ شکست در مقابل جوبیلو ایواتای زاین آن هم در تهران در رسیدن به هدف نهایی خود ناکام بوده است. با این حال استقلال تهران بار دیگر فرصت حضور در مسابقات آسیایی را پیدا کرده است و این بار به جنگ تیم های صاحب جام حذفی کشور های آسیایی می رود که به هیچ عنوان کم اهمیت تر از مسابقات قهرمانی باشگاه های آسیا نیست.

در فوتبال همیشه برداشتن محکم قدم اول مهمترین قسمت شرکت در یک مسابقه است و برای فوتبال ایران که قصد آقایی در فوتبال آسیا را دارد و اتفاقاً تنها کشور آسیایی است که از همه پارامترهای لازم و مهم این ورزش بهره می برد این نکته یعنی محکم برداشتن قدم اول از اهمیت بسیاری برخوردار است.

استقلال یکی از پرافتخارترین تیم ها در مسابقات آسیایی است و به همین دلیل به عنوان یکی از مدعیان قهرمانی شناخته می شود. مسئولان استقلال که خود بهتر از همه از اهمیت این مسابقات باخبرند باید این نکته را به سکوموروخوف نیز تفهیم کنند. برای مربی روسی زمان شناختن تیم و بازیکنان استقلال به پایان رسیده است و جمعه پنجم شهریور زمانی است که باید بهترین چهره استقلال در مقابل حریف لبنانی رو شود.

فردا شب

فردا شب منچستر یونایتد و لازیو بر سر سوپر جام اروپا می جنگند

## باز هم «بکهام» و «سیمونه» به جان هم می افتند!



نیز با فروختن وی به انتر میلان (در ازای ۵۰ میلیون دلار) از دست داد. با این همه مردان «سه ون گوران اریکسون» سوئدی که از دیدش

## محمد بزرگ: به خدا توکل کردم

محمد بزرگ در بانک ملی پرورش یافت، در فخر سپاسی شیراز ساخته و پرداخته شدو حالا در تیم بزرگ پرسپولیس است. شرایط کار در این تیم خیلی سخت تر از تیم های دیگر است. من هم از روزی که به جمع سرخ پوشان اضافه شدم با تمام توان تمرین کردم تا از عهده وظایف خردم در پرسپولیس برآیم. وقتی در این تیم بازی می کنی چشم های زیادی به دنبال توست روی همین اصل بازیکن صاحب انگیزه بیشتری می شود. من هم به خدا توکل کردم و از او کمک خواستم تا بتوانم رضایت طرفداران خونگرم تیمم را به دست آورم.

● کار آماده سازی تیم ملی را جاپطور می بینم. آیا در ژاپن می توانیم نتیجه مطلوبی

دیدارهای برگشت مرحله نهایی فوتبال جام اینترتوتو (انتخابی جام یوفا) دیروقت سه شنبه شب برپا شد و یووتوس (ایتلیا، مون پللی فرانسه و وستهام انگلستان با عبور از سد حریفان نشان به دور اول جام یوفا راه یافتند. که در میان این سه تیم فقط صعود یووتوس را می شد از قبل حدس زد و دو تیم دیگر برخلاف باورهای قبلی صاحب توفیق صعود شدند.

یووتوس قهرمان ۳ دوره از ۴ دوره گذشته لیگ ایتالیا که در هفته پیشتر در «الد الی» تورین رنه فرانسه را ۲-۰ برده بود، این بار در زمین حریف و در حضور ۱۱ هزار تماشاگر با این حریف ۲-۲ مساوی کرد تا در مجموع دو مسابقه ۲-۲ برنده شود.

در همین حال هامبورگ تیم فرانک پاگلزورف توانست از بازی در حضور ۵۱ هزار تن از طرفدارانش در ورزشگاه «فرلکسن پارک» شهر هامبورگ بهره گیرد و پس از تساوی ۱-۱ با مون پللیه فرانسه در پایان وقت های معمولی و اضافی و در ضربات

پنالتی به حریف باخت و حذف شد. پاگلزورف در این بازی مهدی منهوی کیارا را آغاز در پیشتون راست قرار داد و هامبورگ با ضربه

# پرسپولیس برای آتش کشیدن نفت آماده است

پرسپولیس موفق ترین تیم دو هفته گذشته امروز هم برای برداشتن گام سوم مقابل صنعت نفت آبادان قرار می گیرد. کسب دو پیروزی سرخ پوشان که حاصلش هشت گل زده و دو گل خورده بود هر چند برابر تیم های تازه وارد لیگ یعنی بهمن و ایسوتر به دست آمد اما این مساله چیزی از انگیزه و عزم راسخ پرسپولیس برای دوباره قهرمان شدن کم نمی کند.

پروین پرسپولیس را مطابق سلیقه خیل طرفدارانش ساخته و پرداخته کرده و این انتظار وجود دارد تا هر هفته تیم کاملتر و منسجم تری از پرسپولیس ببینیم.

آبادانی ها هم مردان تر سویی ندارند

روی خط فوتبال ایران

خوردین: پرسپولیس ها جمعه، استقلالی شوید

فردا، استقلال نماینده ایران است نه رقیب سنتی پرسپولیس! این حرف ها از زبان محمود خوردبین سرپرست تیم پرسپولیس در ابتدای مصاحبه کوتاه او با نشاط شنیده شد. خوردبین در ادامه گفت: ما می خواهیم هر دو نماینده ایران در مسابقات آسیایی با بهترین نتایج به قهرمانی این بازی ها برسند. به همین دلیل از طرفداران پرسپولیس می خوام که روز جمعه در ورزشگاه آزادی به تشویق تیم استقلال بپردازند و به اصطلاح استقلالی شوند. سرپرست تیم پرسپولیس در مورد وضعیت احمد مؤمن زاده مهاجم تیم سپاهان می گوید: رضایت نامه این

بازیکن طی مراحل قانونی به نام پرسپولیس صادر شده است. البته ما به هیچ وجه بازیکن زورکی نمی خواهیم. در مورد ایشان آقای عابدینی تصمیم نهایی را خواهند گرفت.

پورحیدری فقط به مهدوی کیا و دایی نظر دارد

تیم ملی فوتبال کشورمان چهاردهم شهریور به ژاپن می رود تا سه روز بعد دیداری دوستانه با تیم ملی کشور آقیاب تابان داشته باشد. مربیان تیم ملی برای استفاده از لژیونرهای کشورمان تاکنون تنها با مهدی مهدوی کیا بازیکن شاغل در تیم هامبورگ و علی دایی مهاجم برابرتین آلمان تماس گرفته اند و این طور که شنیدیم برای استفاده از دیگر لژیونرها هنوز نیازی احساس نمی کنند. تیم ملی از روز شنبه (پس فردا) اردوی شبانه روزی تشکیل می دهد و اگر در مدت یک هفته اردو، پورحیدری احساس کمبود در تیم خود کرد، با دیگر لژیونرها تماس می گیرد.

پروین: باغمیشه را می خواهیم

مدت ها است که صحبت از کنار گذاشتن چند بازیکن پرسپولیس از این تیم شنیده می شود. این خبرها بیشتر در مورد حسین عبدی، محمد فرشایف و علی باغمیشه شنیده می شود. علی پروین مدیرفنی تیم پرسپولیس در مورد این شایعات به صراحت می گوید: چه کسی این حرف ها را می زند؟ ما به همه بازیکنان خود احتیاج داریم. اتفاقاً باغمیشه از جوانهایی است که روی آنها حساب می کنم و شخصاً به او علاقه مند هستم. پروین ادامه می دهد: ما

امسال در سه جام آسیایی و داخلی بازی می کنیم و برای همه آنها به خصوص مسابقات آسیایی اهمیت قائل هستیم و با توجه به تعداد بازی ها و امکان آسیب دیدن بچه ها به همه آنها نیاز داریم.

مرفاوی بهترین بازیکن استقلال

استقلال فردا در دیداری حساس از مسابقات قهرمانی جام حذفی باشگاه های آسیا به مصاف تیم هانمنت من لبنان می رود. یکی از مشکلات تیم سکوموروخوف نداشتن یک مهاجم شش دانگ و سرزن است. مسئولان تیم استقلال که تا دیروز نتراشسته بودند رضایت باشگاه سپاهان در مورد احمد مؤمن زاده را به دست آوردند برای رفع این کمبود به سراغ صمد مرفاوی مهاجم قدیمی و محبوب خود رفتند. «صمد» نیز در چند جلسه ای که با استقلالی ها به تمرین پرداخت یکی از بهترین نفرات این تیم بود و نشان داد که با وجود سن بالا هنوز هم می تواند بازیکن مؤثر و مفید باشد.

عبداللهی: مجیدی تنها مهاجم استقلال نیست

استقلال تهران برای آدامگی هرچه بیشتر در اولین مسابقه خود با تیم هانمنت من لبنان که فردا در ورزشگاه آزادی برگزار خواهد شد از بعدازظهر امروز اردوی خود را در هتل آزادی برپا خواهد کرد.

نصرالله عبداللهی سرپرست جدید استقلال ضمن اظهار این مطلب، اضافه کرد: «تیم استقلال از هر جهت آماده بازی و کسب یک نتیجه خوب در مقابل حریف لبنانی است و خوشبختانه مشکلی نداریم.» سرپرست استقلال در مورد وضعیت تیم خود و اظهاراتی که این روزها در مورد شیوه بازی استقلال شنیده می شود به نشاط گفت: «فردا مجیدی در خط حمله استقلال خوب جواب داده است. اما این که می گویند مجیدی تنها مهاجم استقلال است به هیچ وجه درست نیست این فقط ظاهر قضیه است. در تاکتیک سکوموروخوف زمانی که تیم با صاحب توپ است سه یا چهار مهاجم باید در محوطه جریمه حریف حضور داشته باشند. جگ افتادن این شیوه فقط کمی زمان می خواهد.»

گاسپادین از داداش زاده بازی می گیرد

بهزاد داداش زاده هافبک پیشین تیم های ملی و پرسپولیس و بازیکن کارآمد فصل گذشته ذوب آهن، چند روزی است که به استقلال پیوسته و در کنار آبی پوشان تمرین می کند. استقلالی ها که در پی از دست دادن سیروس دین محمدی همواره در میانه میدان کمبود هافبکی بازی ساز را احساس می کرد حالا با استخدام داداش زاده به فکر برطرف کردن نقطه تاریک تیم خود است. داداش زاده چند روز گذشته خوب تمرین کرده و توانسته است نظر سکوموروخوف را به خود جلب کند و این طور که شنیدیم گاسپادین روز جمعه در اولین بازی استقلال در جام بردگان آسیا مقابل «هانمنت من» لبنان از داداش زاده بازی می گیرد.

مهاجمی دست بردارد و حداقل دو گلزن را در مقابل دروازه هانمنت من به بازی بگیرد.

برای سکوموروخوف و استقلال پیشنهاد دیگری هم داریم: در هر حال یک بار دیگر به این مجیدی را به خط میانی بازگردانید نکته اشاره می کنیم که فردا باید و از بازی سازی و قدرت حفظ توپ بهترین چهره استقلال را دید.

روی خط فوتبال جهان

زنگ های خطر برای آث. میلان

در یک دیدار دوستانه فوتبال که دیروقت سه شنبه شب در ورزشگاه سانتیاگو برنابو مادرید متعلق به تیم رئال مادرید برگزار شد، این باشگاه در برابر آث. میلان ایتالیا به برتری جالب ۴-۲ دست یافت و جام موسوم به سانتیاگو برنابو را از آن خویش ساخت.

در دیداری که طی آن نیکولاس انلکا مهاجم فرانسوی، تازه و ۳۵ میلیون دلاری رئال مادرید دو فرصت عالی را طی نیمه اول از دست داد، کلارنس سیدورف هافبک هلندی در آستانه جدایی، ساویو برزلی، مک مانامان انگلیسی و ایوان هلگرا اسپانیایی زندگان گل های رئال بودند و دو گل آث. میلان را ایوان گاتوسو و ماسیمو ارولاندینی به ثمر رساندند. درست است که آث. میلان شماری از مردان کلیدی اش چون مالددینی و یوآن را به دلیل آسیب دیدگی در خدمت نداشت، اما این ناکامی تازه پس از شکست در برابر یوونتوس در جامی موسوم به کاپ برلوسکنی و باخت در برابر پارما در سوپر جام ایتالیا، زنگ های خطر را برای آلبرتو زاکه رونی مربی آث. میلان به صدا درآورد.

«سیمن» و «آدامز» به مسابقات بعدی انگلستان می رسند

دیوید سیمن دروازه بان و تونی آدامز مدافع وسط ملی پوش و سرشناس تیم فوتبال آرسنال انگلستان با بهبود سریع تر از انتظار آسیب دیدگی شان، به دو مسابقه مهم تیم ملی انگشور در برابر لوکزامبورگ و لهستان در مرحله مقدماتی جام ملت های اروپا ۲۰۰۰ خواهند رسید. سیمن و آدامز از ۵ هفته پیش از صحنه دور بوده اند و پیش بینی می شد که به دو مسابقه مذکور نیز نرسند. اما به قدری سریع سالم شده اند که احتمال دارد آرسن ونگر (واژه) مربی فرانسوی آرسنال از آنها در دیدار مهم هفته بعد این تیم با لیورپول در کادر هفته ششم لیگ برتر انگلستان سود جوید. ونگر دیروز در این مورد گفت: «بازی کردن در هر دو مسابقه بعدی تیم ملی انگلستان برای آدامز قدری دشوار خواهد بود. اما باید صبر کرد و دید.»

یک بازیکن نورمبرگ آلمان به دوپینگ متهم شد

توماس زیرم بازیکن تیم فوتبال دسته دومی نورمبرگ آلمان براساس تستی که در آخرین بازی این تیم در فصل گذشته لیگ این کشور صورت پذیرفت، از داروهای غیرمجاز نیروزا استفاده کرده است. زیرم که اتهام دوپینگ را تکذیب کرده است، به همین سبب دوشنبه شب این هفته در بازی نورمبرگ با کیکرز اوفن باخ (نتیجه: ۱-۳ به نفع نورمبرگ) مورد استفاده قرار نگرفت. وی دیروز گفت: «من هزار درصد (۱) مطمئن که داروهای غیرمجاز مصرف نکرده ام و اصولاً هرگز در عرم به دوپینگ روی نیآورده ام. معمولاً تولید تستوسترون در بدن من در سطحی بالا است و احتمالاً مواد موجود در یک داروی دیگر مصرف شده توسط من، بانی این وضعیت شده است.»

شایان ذکر است که نورمبرگ در پایان فصل گذشته لیگ فوتبال آلمان از دسته اول به دسته دوم سقوط کرد.

«رانی یانسن» دی ماه باز می گردد

رانی یانسن مدافع سرسخت و نرژوی تیم فوتبال منچستریونایتد انگلستان که پس از مدتی صبر و تردید سرانجام سه شنبه در بیمارستانی در اسلو تحت عمل جراحی هر دو زانو قرار گرفت، دیروز گفت امیدوار است در اوایل سال جدید میلادی (از ۱۱ دی ماه به بعد) برای بازگشت به میدان آماده شود. یانسن ۳۰ ساله گفت: «ناید در ۱۴ روز اول هیچ فشاری به زانوهایم وارد شود، اما پس از آن می توانم فیزیوتراپی و کارهای درمانی ام را شروع کنم، تا ۴ ماه طول می کشد تا کاملاً سالم شوم و پس از آن در تمرینات عادی و گروهی تیم شرکت خواهم کرد.»

مربی آرژانتینی «مایورکا» و سرنوشتی نامعلوم

مطبوعات اسپانیا دیروز گزارش دادند آئینده ماریو گومز آرژانتینی به عنوان مربی تیم فوتبال مایورکا همچنان مهم است زیرا وی به دلیل نداشتن شرایط احراز این پست و وی بهره بردن از پیشینه کافی هنوز مورد اعتراض کمیته مربیان این کشور قرار دارد.

برطبق قوانین فوتبال اسپانیا، تنها مربیانی می توانند در لیگ دسته اول این کشور به کار بپردازند که حداقل سه سال سابقه کار در سایر تیم های برجسته را در سطح جهان داشته باشند. گومز از ۱۹۹۴ به این سو در تیم هایی چون فرو کاریل اوسته و التلیکو لائوس آرژانتین مربیگری کرده است، اما چقدر آن با پست سرمربیگری گذشته، مشخص نیست و درخواست ها و تلاش فدراسیون فوتبال اسپانیا برای مشخص ساختن این نکته هنوز نتیجه نداده است. مایورکا شنبه شب در هفته اول از فصل جدید لیگ اسپانیا با رهبری گومز با نتیجه ۱-۲ به رئال مادرید باخت، گومز در پایان فصل گذشته به جانشینی هوموش هکتور کوپر (که مربی والنسیا شده است) رهبری مایورکا را در دست گرفت.

## طسازمان گه ها

|                                     |                             |
|-------------------------------------|-----------------------------|
| <b>دفتر مرکزی:</b>                  | <b>۲۰۱۳۵۰۰ - ۲۰۱۳۰۰۷</b>    |
| <b>دفتر میدان محسنی:</b>            | ۲۲۲۳۹۷۶ - ۲۲۲۱۰۸۱           |
|                                     | ۲۲۲۱۱۰۳ - ۲۲۵۳۹۷۸           |
| <b>دفتر سعادت آباد (بد مدیریت):</b> | ۲۰۸۶۶۵۶                     |
| <b>دفتر انقلاب:</b>                 | ۶۴۶۰۱۸۷ - ۶۴۱۲۱۲۴ - ۶۴۱۷۱۱۵ |
| <b>دفتر بلوار شاورز:</b>            | ۶۵۰۳۴۲ - ۶۵۰۱۹۵۰            |
| <b>همدان:</b>                       | ۳۵۴۳۳ - ۵۳۳۰۰               |
| <b>روفس:</b>                        | ۸۷۸۶                        |
| <b>تنگابن:</b>                      | ۲۱۳۳۵                       |
| <b>یزد:</b>                         | ۲۱۷۷۳ - ۳۳۷۵۲               |



### چنین کنند بزرگان

عنوان ستون تازه پنج‌شنبه‌های صفحه ۱۲ نشاط و امدار کتابی است از نجف دریابندری. با این وام از این پس در پایان هر هفته از اهل ادب و هنر می‌خواهیم پرایمان بگویند که چه رویداد هنری، ادبی، فرهنگی آنان را اخیراً به تأمل واداشته است.

#### نجف دریابندری: چه تأملی که دیگران را هم به تأمل وا دارد؟

با انتخاب عنوان «چنین کنند بزرگان» به نوعی خود را مجبور ساختم به سراغ دریابندری برای افتتاح ستون برویم. او در جواب گفت:

«اولاً همه چیزهایی که من می‌خوانم - از جمله روزنامه نشاط - مرا به تأمل و می‌دارد و همچنین است همه چیزهایی که می‌بینم و یا می‌شنوم.

حالا من چگونه از این میان یک چیز یا چند چیز را جدا کنم که به درد این ستون شما بخورد و دیگران را - و لابد بعداً خود مرا هم - به تأمل وادارد؟

اما اگر منظور تان این است که بنده مطلبی برای روزنامه شما بنویسم، چشم!، اجازه بدهید یکی دوبار این ستون شما را بخوانم و درباره آن تأمل کنم، آن وقت ممکن است تأملاتم را به صرافت طبع روی کاغذ بیاورم و تقدیم کنم. در هر حال موفق باشید.

\*\*\*

#### پرویز کیمیای: بیضایی، بهترین اتفاق است

پرویز کیمیای را در دفتر کارش نجستم. گفتند رفته است سر لوکیشن. او را در لوکیشن خانه‌اش یافتیم. همانطور که غرض از مزاحمت با منی گفتم، پرید وسط حرفمان که «خبر خوش هم شام این ماجرا می‌شود؟» گفتم: «آری»، گفت: «پس بنویس خوش‌ترین خبر این هفته برای من آن بوده است که بهرام بیضایی سرانجام کار تولید فیلم جدیدش را آغاز کرده است و این بهترین اتفاق زندگی ام در هفته گذشته بوده است».

#### احمدرضا احمدی و سه اتفاق نادر

احمدرضا احمدی هم دیروز صبح زود از خواب برخاست تا بنویسد: - در این روزهای پایانی تابستان ذهن مرا دو سه موضوع مشغول کرده است. می‌گویم: نخست در آن هفته دیدن آخرین فیلم «مسعود کیمیایی» با نام «فریاده بود. به نظر من در این فیلم و فیلم قبلی او «مرسدس» یک اتفاق بزرگ رخ داده است. اول: دیگر قهرمانان او اهل جدل و عمل نیستند بیشتر حرف می‌زنند تا عمل کنند. سه برادر فیلم «قصر» در فیلم «فریاده آدم‌های حسابگر، اهل معامله هستند. اهل شوخی

و طنز، چهره‌های عبوس ندارند. در فیلم‌های تازه «کیمیایی» دو خط موازی - خط درد و غصه و خط طنز - به جلو می‌روند گاهی طنز پیشی می‌گیرد، گاهی درد و غصه. شاید مهمترین سخن فیلم «فریاده» آن است که دشمن مشترک باعث نزدیکی بیشتر دوستان می‌شود. هنگامی که قهرمانان فیلم فریاد با هم در حال جنگ و گریز هستند دشمن مشترک آنها «عراقی‌ها» آنها را به هم نزدیک می‌کند. من فیلم «فریاده» را دوست دارم و آن را یکی از بهترین آثار «مسعود کیمیایی» می‌دانم. بازی در خشان فروتن، عنایت بخشی، کیانوش گرامی، میترا حجار به یادماندنی است. در فیلم مرسدس و فریاد ماشین مدل به یک قهرمان از قهرمانان فیلم می‌شود. به یاد بیاوریم فصل پایان فیلم را که تولد است و تولدی دیگر برای مسعود کیمیایی.

دوم: در آن هفته با بازار آمدن کاست «هزار آوا» از خانم «ملیحه سعیدی» با همخوانی «پری زنگنه» - «اسفندیار قره‌باغی» و «مجید اخشابی» است. این کاست حاوی ترانه‌های محلی ایران است. شاید سه نسل آنها را شنیده است. خانم سعیدی ترانه‌های این کاست را در کمال سادگی و زیبایی تنظیم کرده‌اند. سازها محدود اما بسیار دلنشین انتخاب شده است. باید از پیشگامان تنظیم ترانه‌های محلی نام برد: از روییک گریگوریان، روح‌الله خالقی و حسین دهلوی و سپس از فریدون شهبازیان، کامیوز روشن‌روان، اردشیر روحانی، اسماعیل تهرانی، واروژان و از لطف‌الله مشیری که سال ۱۳۲۲ همت به جمع آوری آهنگ‌های محلی کرد و آنها را به نت درآورد تا از نابودی نجات یابد. و نسل بعد از او علیرضا درویشی، خانم فوزیه مجید و همچنین باید یاد کرد از ثمنین باغچه‌بان، فریدون ناصری، احمد پژمان و سیاوش بیضایی.

سومین و پایانی: در یکی از روزهای تابستان با پیشنهادی فریبنده به یک راننده تاکسی او مرا سوار کرد. «پیشنهاد فریبنده» به راننده تاکسی پیشنهادی است دلفریب یعنی تقریباً ده برابر قیمت واقعی که باید به راننده پرداخت شود تا شما را به مسیر دلخواهتان برود. در مقابل دو و سه شوخی که برای راننده گفتم، این داستان را تعریف کرد: با خانمم قرار داشتیم شب به یک عروسی برویم. در خیابان مولوی تهران اتومبیل اشکال فنی پیدا کرد، پس از ساعت‌ها کلنجار با اتومبیل ساعت را نگاه کردم دیدم فرصتی نیست که به سلمانی همیشگی بروم. در خیابان مولوی تهران یک سلمانی در کنار خیابان بود روی صندلی نشستم. لباس‌های من آفتذر روغنی و آلوده بود که سلمانی خیابان خیال کرد من کارگر هستم. شروع به کار کرد فقط یک تپه داشت که به درخت آویخته بود.

کار سلمانی که تمام‌ش می‌خواست مثل سلمانی‌های بالاشر رفتار کند تنها آنی‌ای که به من فرمود این بود که برای راننده گفتم، این داستان را تعریف کرد: با خانمم قرار داشتیم شب به یک عروسی برویم. در خیابان مولوی تهران اتومبیل اشکال فنی پیدا کرد، پس از ساعت‌ها کلنجار با اتومبیل ساعت را نگاه کردم دیدم فرصتی نیست که به سلمانی همیشگی بروم. در خیابان مولوی تهران یک سلمانی در کنار خیابان بود روی صندلی نشستم. لباس‌های من آفتذر روغنی و آلوده بود که سلمانی خیابان خیال کرد من کارگر هستم. شروع به کار کرد فقط یک تپه داشت که به درخت آویخته بود.

کار سلمانی که تمام‌ش می‌خواست مثل سلمانی‌های بالاشر رفتار کند تنها آنی‌ای که به

#### در مراسم بزرگداشت شاپور عنوان شد

## نبوی: شاپور طنز نویسی ناامید بود

گفت: در فراغ او مجبورم «برمرزار

لبخندم اشک بریزم». معمارزاده، مهربانی، رازداری و پرکاری شاپور را از جلوه‌های ممتاز زندگی او دانست.

سید ابراهیم نبوی که با تأخیر در جلسه حاضر شد، در میان تشوین حاضران در مورد پرویز شاپور گفت: دو بار او را دیده‌ام اما بارها شاپور را خوانده‌ام. او طنز نویسان را به دو دسته تقسیم کرد و از حافظ و نیچه به عنوان دو طنزپرداز و طنزسرای بزرگ تاریخ یاد کرد.

نبوی شاپور را از زمره طنز نویسان ناامید دانست، کسانی که رودروی کارمندان طنز نویسی قرار دارند. از میان چهره‌های حاضر در مراسم بزرگداشت پرویز شاپور

شاعران، نویسندگان و طراحان کشور نشانه احترام عمیق جامعه فرهنگی ایران به کوشش‌های ماندگار پرویز شاپور بود.

عمران صلاحی در این جلسه پرویز شاپور را استاد خود و فکر و اندیشه‌اش را همیشه تازه و پرجرات خواند. او درباره زندگی شاپور از آغاز تا انجام صحبت کرد و گفت کلمه + کاریکاتور را اولین بار احمد شاملو کاریکلماتور نامید و این کلمه با بار معنایی جدید خود وارد فرهنگ زبان فارسی شد. کامیار شاپور نقاش معاصر هم کار پدرش را تکرار کرد و فرهنگ عنوان کرد و او را نشانه انسانیت کامل و بنیانگذار شاپوربسم نامید. هوشنگ معمارزاده سردبیر گل آقا و از دوستان قدیمی شاپور

#### امروز، همیشه

### مک کالکین

#### Mack Culkin

حرفه: بازیگر

تاریخ تولد: ۲۶ اوت ۱۹۸۰ محل تولد: نیویورک، آمریکا نام اصلی: مکاولی کالکین تا امروز جوانترین کسی که ستون «امروز، همیشه» را به خود اختصاص داده، بن الفلک ۲۷ساله بازیگر فیلم

«شکسپیر عاشق» بود، امروز این رکورد شکسته شد و مک کالکین نوزده ساله نام خود را به عنوان کم سن و سالترین چهره ستون «امروز، همیشه» ثبت کرد. مک کالکین در کشور ما بسیار شناخته شده‌تر از بن الفلک نیز هست، چون اگر کسانی فیلم «شکسپیر عاشق» را ندیده باشند «تتها در خانه» را حتماً در تلویزیون دیده‌اند و کودک بازیگر آن را که «کون» نام داشت بی تردید به یاد دارند.

مک از سن چهار سالگی بازی در تئاتر را آغاز کرد و با فیلم «صخره جبل الطارق» بود که در سن هشت سالگی قدم به عرصه سینما گذاشت. او در این نخستین تجربه سینمایی خود با بازیگر مشهوری چون برت لنکستر همبازی بود.

بازی او در نقش‌های کودکانه در فیلمهایی چون «عمو باک» و «فردیان جاکوب» که در آن نقش پسر نیم را بینر را بازی کرد چنان جلب توجه کرد که راه را برای حضور او در نقش‌های اول فیلمهای کودکان گشود.

ده ساله بود که جان هیوز او را به عنوان قهرمان فیلم «تتها در خانه» خود برگزید. این فیلم علاوه بر موفقیت چشمگیر اقتصادی و فروش سیصد میلیون دلاری (فقط در سینماهای آمریکا) به یکی از محبوبترین آثار سینمایی مردم آمریکا تبدیل شد. پس از آن در فیلم کمندی درام «دخترم» بازی زیبایی در کنار جیمی لی کویتس داشت که با انتقادهای فراوانی روبه‌رو شد، او در این فیلم با نیش یک زن‌بور جان خود را از دست داد. مرگ او در این فیلم باعث شد روانشناسان آمریکا هشدار بدهند که فقدان او حتی در عالم غیرواقعی فیلم ضربه بزرگی به روحیه کودکان و نوجوانان آمریکایی می‌زند.

موفقیت فراوان «تتها در خانه» باعث شد تا جان هیوز این فیلم را ادامه دهد و قسمت دوم آن را در سال ۱۹۹۲ روی پرده سینماها بفرستد. مک به خاطر بازی در این فیلم پنج میلیون دلار دستمزد گرفت.

بازیگری به خصوص بازی در نقش کودکان در خانواده کالکین اوئی است، خاله‌اش بونی بدلیا که اکنون از بازیگران زن هالیوود است نیز بازیگری را ابتدا از این گونه نقش‌ها آغاز کرد و پدرش کیت نیز در دوران کودکی بازیگر بوده است. هم‌اکنون دو برادر و یک خواهر او نیز سر از سینما درآورده‌اند. مک کالکین پس از تنها در خانه پیوسته در فیلمهای مختلف بازی کرده اما هیچ یک از آنها موفقیت «تتها در خانه» را تکرار نکرده است.

## مالکوم ایکس می‌آید ولی ریشه‌ها چه؟

زندگی‌نامه «مالکوم ایکس» قهرمان مبارزات سیاهپوستان مسلمان آمریکا با نژادپرستی که یکی از مشهورترین آثار آلکس هیلی نویسنده سیاهپوست آمریکایی به حساب می‌آید بزودی از سوی انتشارات امیرکبیر تجدید چاپ می‌شود.

این کتاب نخستین بار در سال ۱۳۶۲ با ترجمه غلامحسین کشاورز از سوی این مؤسسه انتشاراتی به طبع رسیده بود. انتشارات امیرکبیر پیش از «زندگی‌نامه مالکوم ایکس»، «رمان «ریشه‌ها»ی آلکس هیلی را در

# مسابقه فرهنگی و هنری سازمان بیمه خدمات درمانی

## نقاشی ( کودکان ) و مقاله نویسی ( نوجوانان )

### مسابقه نقاشی کودکان

۱- کودکان عزیز پیش از کشیدن نقاشی مطلب زیر را خوانده و سپس آنرا در سه صفحه نقاشی کنند:

در یک روز آفتابی پدر خانواده به همراه مادر و فرزندان به سازمان بیمه خدمات درمانی مراجعه می‌کنند و با پرداخت مبلغی پول ، دفترچه بیمه خدمات درمانی برای هریک از اعضای خانواده‌می گیرند . خانواده از اینکهدفترچه بیمه خدمات درمانی گرفته اند خیلی خوشحال هستند .

بعد از مدتی دریک روز بارانی یکی از فرزندان خانواده بیمار می شود . پدر او را نزد پزشک می برد . پزشک فرزند را معاینه می کند و سپس داروهای مربوط به درمان او را در دفترچه بیمه خدمات درمانی می نویسد .

پدر و فرزند به داروخانه مراجعه می‌کنند و داروها را می‌گیرند . آنها از اینکه با دفترچه بیمه خدمات درمانی داروها را گرفته اند خیلی راضی هستند .

۲- نقاشان خردسال ، می‌توانند برای آنکه نقاشی زیباتری بکشند از راهنمایی پدر ، مادر و یا خواهر و برادرشان استفاده کنند .

۳- خردسالان عزیز ، نقاشی خودشان را در سه مقوای سفید رنگ گلاسبه و یا درسه برگه معمولی دفاتر نقاشی کشیده و در رنگ آمیزی نقاشی هایشان می‌توانند از ماژیک ، مداد رنگی ، آبرنگ و یا مداد شمعی استفاده کنند .

### مسابقه مقاله نویسی نوجوانان

نوجوانان گرامی پیش از نوشتن مقالاتشان نکات ذیل را رعایت نمایند:

۱- موضوع مسابقه مقاله نویسی عنوان (( بیمه درمان ، چرا ؟ )) می‌باشد .

۲- نوجوانان عزیز ، دیدگاهها و نظرات خودشان را بطور آزاد در زمینه موضوع مقاله بنویسند .

۳- همانطور که از عنوان مقاله برمی‌آید ، نوجوانان عزیز ، بایستی به تشریح دلایل پیدایش بیمه درمان و مزایا و فواید آن بپردازند .

۴- هیچگونه محدودیتی در تعداد صفحات مقالات وجود ندارد . مقالاتی مورد نقد و بررسی قرار خواهند گرفت که با خط خوانا و تمیز نوشته شده باشند .

کودکان و نوجوانان شرکت‌کننده در مسابقات مذکور ، آثار خود را به آدرس تهران، خیابان دکتر شریعتی، بالاتر از ظفر ، خیابان شهید پورمشگانی ،

سازمان بیمه خدمات درمانی- اداره کل روابط عمومی و امور بین الملل - مسابقه نقاشی کودکان و یا مسابقه مقاله نویسی نوجوانان ارسال نمایند .

- نام و نام خانوادگی، نام پدر، شماره شناسنامه، تاریخ تولد، محل تولد و محل سکونت خود را بطور دقیق و خوانا در یک صفحه نوشته و همراه با نقاشی و یا مقاله خود ارسال نمایند .

- نقاشی‌ها و مقالاتی در هیأت داوران مورد بررسی قرار خواهند گرفت که حداکثر تا تاریخ ۶ / ۲۵ / ۱۳۷۸ به‌داره کل روابط عمومی و امور بین الملل سازمان بیمه خدمات درمانی رسیده باشد.

- از بین نقاشی‌ها و مقالات رسیده، ده نقاشی و ده مقاله برتر در هیأت داوران برگزیده خواهند شد که به نقاشان و نویسندگان آنها هدایای فرهنگی ارزنده ای اهدا خواهد شد.

- نتایج مسابقه نقاشی کودکان و همچنین نتایج مسابقه مقاله نویسی مقطع سنی نوجوانان در اوایل مهرماه سال جاری از طریق رسانه‌های گروهی اعلام خواهد شد.

درخت آویزان بود آن‌را برداشت به پشت سر من قرار داد و پرسید: رضی هستید؟ گفتم: عالی است. نمی‌دانم چرا اگتتم عالی است من که چیزی ندیده‌بودم. چنین کنند بزرگان.

#### فرهاد آبیض: هم فیلم، هم نقاشی و هم شعر

در هفته گذشته ویدئو یکی از آخرین فیلمهای وزیر هرتزوک را به نام «آنجایی که مورچگان سبز رویا می‌بینند» دیدم. شاید تنها فیلمی که از او ندیده‌بودم! من سالها عاشق کارهای هرتزوک بودم و به قول آن شاعر آنها را مثل شیر تازه می‌نوشیدم، اما نه این بار!

این بار به نظر آمد که شوق حرف زدن و پیام رساندن در او بیشتر از شوق فیلم ساختن و هنر آفریدن بود. گویی او همه جمع دیگر اکثر هنرمندان روشنفکر آلمانی

که حرف برای زدن زیاد دارند، پیوسته است. هرتزوک در مصاحبهای گفته بود که من یک فیلساز هستم و نه یک فیلسوف و یا حتی روشنفکر. اما من یا دیدن این فیلم او به گفته او شک می‌کنم. و همچنین سؤال می‌کنم که چرا هرتزوک دیگر فیلم نساخت؟

نقاشی‌های بابک اطمینانی را دوباره دیدم. به یاد می‌آورم زمانی را که، اراده گرای مدرنیسم، نقاشی را به آخر خط می‌رساند. جایی که تابلو تماماً سفید و یا سیاه می‌شود جایی که این سؤال مطرح می‌شود، که آیا نقاشی به پایان رسیده است؟

کارهای بابک اطمینانی برای من ادامه ای است پس از به اصطلاح «پایان نقاشی». جایی که اراده هنرمند رابطه ای تنگاتنگ و دوجانبه با طبیعت و سرنوشت پیدا می‌کند. جایی که تصویر همچون هر اثر هنری ذهنی و در عین حال همچون طبیعت عینی است. جایی که تصویر نه تنها گاه یک اتفاق که حتی تصادف هم می‌تواند باشد.

شعر زیاد نمی‌خوانم و نمی‌دانم. به دلیل سلیقه تئاتری‌ام شاید تا حدی به عمد با

شعر فاصله گرفته‌ام. چرا که حدس می‌زنم نهال کوچک تئاتر اثران زیر سایه درخت تنومند

شعر، آفتاب نمی‌گیرد.

اما بر حسب اتفاق شعاری را از شاعر جوان روزبه حسینی خواندم. دلم را قلقلک داد. تصاویر و مفاهیم را در شعر او آن گونه باقم که با سلیقه بسیار آسان پسند و در عین حال سخت پسند من منافاتی نداشت. دلم می‌خواهد بار گاهی شعر بخوانم. اما، شعر از

شاعران جوانمان بخوانم.

و در پایان، با یک مجموعه‌های مریم سالور بر روی تاقچه اتقانمان ایستاده است.

تقریباً هر روز آن را نگاه می‌کنم. و «آن» جای خالی حجم را در مفاهیم سیال افکارم پر

می‌کند!

عکس‌ها از امید صالحی

#### چند خط خبر

فرانسه - فرانسه خواهان مستثنی شدن برنامه‌های صوتی و تصویری از قوانین سازمان بازرگانی جهانی در زمینه مبادلات آزاد تجاری در جهان است. «کاترین تروتمن» وزیر فرهنگ و ارتباطات فرانسه روز سه شنبه با اعلام این مطلب گفت: برنامه‌های صوتی و تصویری را که بار فرهنگی دارند نمی‌توان همانند دیگر محصولات بازرگانی مشمول قوانین مبادله آزاد تجاری جهان قرار داد.

رومین - نمایش «بعد از یک نمایش» در کتابخانه ولی عصر عر شهرستان ورامین به روی صحنه رفت. این نمایش که از اول تا پانزدهم شهریور ماه به روی صحنه می‌رود نوشته علی خودسانی می‌باشد و علیرضا امینی آن را کارگردانی کرده است.

کاشمر - نمایشگاهی از آثار خوشنویسی یک هنرمند محلی روز چهارشنبه در نگارخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان کاشمر در مرکز خراسان برپا شد. دراین مجموعه ۴۴ اثر «حسین بدیعی نامقی» در سبک‌های نستعلیق، شکسته، نسخ و ثلث به نمایش گذاشته شده‌اند.

بیشکک - بوریس یتسین رئیس جمهوری روسیه روز چهارشنبه در دیدار با معسکر آقاییف رئیس جمهوری قرقیزستان در بیشکک، مدال پوششکن را به وی اهدا کرد. یتسین هنگام اعطای این مدال گفت: رئیس جمهوری قرقیزستان مبلغ فرهنگ و ادب روسی بوده و به ابتکار و حمایت او مجسمه «پوششکن» شاعر بزرگ روس در بیشکک نصب شد.

آمریکا - دولت آمریکا تأثیر تبلیغ خشونت در فیلم، نوارهای ویدئو و بازی‌های رایانه‌ای را بررسی ۱۵۰ نوجوان و یک هزار پدر و مادر آمریکایی بررسی می‌کند. کمسیون فدرال بازرگانی اعلام کرده است که بیل کلیتون رئیس جمهور آمریکا خواستار مطالعه درباره صحنه‌های خشونت که توسط کودکان و نوجوانان دیده می‌شود، شده است.



### سازمان بیمه خدمات درمانی

